

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تقدیم به

شهدای مظلوم عملیات کربلای ۴ و
شهدا و جانبازان و رزمندگان مقاوم عملیات کربلای ۵ و
شهدا و جانبازان حمله شیمیایی دشمن در عملیات
کربلای ۸

<http://www.ciw8.net>

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد سوم

فاو تا شلمچه

بررسی وقایع سیاسی - نظامی جنگ از پایان عملیات والفجر ۸
تا پایان عملیات کربلای ۸ (اسفند ۱۳۶۴ تا فروردین ۱۳۶۶)

دریافت تقدیرنامه انتخاب آثار دفاع مقدس سالهای ۷۴-۱۳۷۳



مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران انقلاب اسلامی

سیری در جنگ ایران و عراق - جلد سوم

فاو تا شلمچه

نویسنده : محمد درودیان

ویرایش محتوایی : بهاءالدین شیخ الاسلامی

مدیر آماده سازی : مهدی انصاری

طرح روی جلد : حشمت الله شمس ، حمیدرضا دانش فر

آماده سازی : (حروفچینی ، صفحه آرای ، استخراج و تنظیم فهرست راهنمای

موضوعی) : مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، مدیریت بهره دهی

چاپ دوم : ۱۳۷۸ تعداد : ۳۰۰۰ نسخه

لینتوگرافی : الوان چاپ و صحافی : پژمان

شابک ۹۴۶-۶۳۱۵-۲۷-۵ ISBN : 964-6315-27-5

قیمت :

استفاده از مطالب کتاب در نشریات و کتب با ذکر مأخذ مجاز و در سایر موارد منوط به

اجازه کتبی مرکز مطالعات است .

ستاد مشترک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی - اداره عملیات - مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

مرکز پخش : تلفن : ۶۴۹۵۵۷۲ ، دورنگار : ۶۴۹۷۲۲۷ ، صندوق پستی ۱۳۱۴۵/۵۱۸

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
	فصل اول
	تحولات سیاسی - نظامی پس از فتح فاو (۵۳ - ۱۹)
۱۵	نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸
۲۱	بازتاب موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی
۲۴	اعتراف به شکست
۲۷	توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام
۲۸	تغییر در ماهیت سیاسی جنگ
۳۰	بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو
۳۱	الف: مواضع آمریکا
۴۱	ب: مواضع شوروی

فصل دوم

تشدید فشار به جمهوری اسلامی

(۵۳ - ۶۴)

۵۶	استراتژی دفاع متحرک
۶۱	افزایش حملات هوایی
۶۲	کاهش قیمت نفت

فصل سوم

رویارویی با وضعیت جدید

(۶۵ - ۸۴)

۶۹	بسیج نیروها و امکانات
۷۵	طرح‌ریزی و اجرای عملیات محدود
۷۷	طرح‌ریزی عملیات سرنوشت‌ساز

فصل چهارم

افشای ماجرای مک‌فارلین

(۸۵ - ۱۲)

۸۸	تلاش برای برقراری روابط پنهانی
۹۳	عکس‌العمل شوروی
۹۶	موضعگیری عراق
۹۸	نتایج و پیامدها
۱۰۲	تنش در روابط عراق و آمریکا
۱۰۷	گسترش تهاجمات هوایی عراق

فصل پنجم
عملیات کربلای ۴
(۱۲۲ - ۱۱۳)

۱۱۵	نگاهی به عملیات
۱۱۶	علل عدم موفقیت عملیات
۱۱۸	بازتاب عملیات کربلای ۴

فصل ششم
عملیات کربلای ۵
(۱۴۶ - ۱۲۳)

۱۲۵	ضرورت انجام عملیات
۱۲۷	انتخاب منطقه
۱۳۰	طرح ریزی عملیات
۱۳۵	آغاز تهاجم به دشمن
۱۳۷	تحرکات دشمن
۱۳۸	هشت روز نبرد در شرق نهر جاسم
۱۴۳	توقف عملیات
۱۴۴	بازتاب عملیات کربلای ۵

فصل هفتم
آخرین تحرک نظامی در جنوب
(عملیات کربلای ۸)
(۱۷۵ - ۱۴۷)

۱۵۰	عملیات کربلای ۸
۱۵۰	وضعیت خودی و دشمن

۱۵۵	کلیات طرح مانور
۱۵۷	شرح عملیات کربلای ۸
۱۶۴	پاتک گسترده دشمن با استفاده از سلاح شیمیایی
۱۶۶	ارزیابی و جمع بندی
۱۷۰	تلفات دشمن
۱۷۲	بازتاب عملیات کربلای ۸
۱۷۵	کالک رمز عملیات
	ضمیمه
۱۷۷	نقش و موقعیت سپاه در سال ۱۳۶۵
۱۸۵	معرفی منابع اختصاصی
۱۸۷	فهرست راهنمای موضوعی

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

بدون تردید سالهای ۶۴ و ۶۵ یکی از پرفراز و نشیب‌ترین سالهای جنگ تحمیلی محسوب می‌شود. در این سالها یکبار دیگر نیروهای بالنده انقلاب اسلامی در شکل سازماندهی منظم و منسجم، موفق به خلق آثاری شدند که در تاریخ ایران اگر نگوئیم بی‌سابقه، کم‌سابقه بوده است. سپاه پاسداران با پیروزی انقلاب اسلامی و قبل از آغاز جنگ در سنگرهای مختلفی رو در روی دشمنان انقلاب ایستاد و در درگیری‌های متعدد با گروه‌های وابسته به عراق در استان کردستان و خوزستان وارد جنگ و گریز شد و از این طریق توانست سازمان‌های مستقل نظامی را در مناطق چون قصرشیرین، سوسنگرد، خرمشهر و... ایجاد نماید. با آغاز جنگ توسط عراق و سرازیر شدن ارتش بعث به سوی مرزهای ایران، تنها نیروهائی که توانستند در مقابل این هجوم گسترده ایستادگی کنند، نیروهای سپاه مناطق مرزی بودند که توسط نیروهای سپاه در سراسر کشور و همچنین قوای مردمی تقویت و

پشتیبانی می‌شدند. بدین ترتیب اولین مقامتهای مردمی با سازماندهی سپاه در مقابل ارتش بعث صورت گرفت؛ در این مقاومت نیروی هوایی و برخی یگانهای زمینی ارتش به همراه ژاندارمری نیز ایفای نقش کردند.

با رشد و شکوفائی نیروهای سپاه در درگیریهای متعدد با واحدهای ارتش عراق و نیز حذف جریان لیبرالیسم و عناصر وابسته به آن در ارتش، این شکوفائی با سرعت بیشتری ادامه یافت و اوج تبلور آن در چهار عملیات ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و بیت‌المقدس به نمایش درآمد و ارتش متجاوز از خاک میهن اسلامی بیرون رانده شد. در این دوران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به عنوان جلودار و پیش‌برنده ماشین نظامی ایران به همراهی دلاور مردان ارتش موفق به اجرای استراتژی «آزادسازی سرزمینهای اشغالی» شد و خود را آماده نمود تا مرحله دوم استراتژی نظامی ایران را در قالب «تعقیب و تنبیه متجاوز» به اجرا درآورد.

طرحریزی و اجرای چهار عملیات بزرگ رمضان، والفجر مقدماتی، خیبر و بدر و همچنین چندین عملیات محدود، گامهای موثر این استراتژی محسوب می‌شدند که عمدتاً در منطقه جنوب به اجرا درآمدند. با انجام عملیات بدر و بروز مشکلاتی در روش اجرا و هدایت نیروها، شکل جدیدی از سازماندهی به اجرا درآمد و از سال ۶۴ ارتش و سپاه هر یک به صورت مستقل و جداگانه اقدام به طراحی و انجام عملیات کردند.

علاوه بر این، فرمان امام به سپاه پاسداران مبنی بر تشکیل سه نیروی زمینی، دریائی و هوائی که از آینده‌نگری و ژرف‌بینی ایشان حکایت می‌نمود، گام موثر دیگری بود که در این سال برداشته شد و اثری عمیق در موفقیت سپاه در تصرف فاو داشت.

هدایت ماجرا به مسیری که در آن موفقیت چشمگیری نصیب انقلاب و سپاه شد و برای سیاستمداران امریکا سستی و سرشکستگی به بار آورد، از دیگر برکات سیاسی و نظامی این دوران از جنگ است.

در سال ۶۵ دنیا با درک پیروزیهای به دست آمده توسط نیروهای انقلابی، در صدد برآمد تا با بازپس‌گیری منطقه فاو، مجدداً موازنه قوا بین ایران و عراق برقرار نماید. براین اساس استراتژی دفاع متحرک از سوی ارتش عراق طرح‌ریزی و اجرا شد و اشغال شهر مهران به عنوان نقطه ثقل این استراتژی، در مقابل شهر فاو مطرح گردید. اما این بار نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با وجود اینکه مشغول طرح‌ریزی و آماده‌سازی عملیات بزرگ سالیانه بود، وارد عمل گردید و عملیات کربلای ۱ را با هدف آزادسازی شهر مهران و شکست استراتژی دفاع متحرک به اجرا درآورد. موفقیت در این عملیات باز هم مرهون خروج از قواره‌های سنتی و دست و پاگیر بود.

پس از پشت سرگذاشتن موفقیت‌آمیز این مرحله از جنگ، توجه فرماندهان سپاه معطوف به عملیات بزرگ در سال ۶۵ شد و انجام دو عملیات کربلای ۴ و ۵ دست‌آورد چنین حرکتی بود که آزادسازی منطقه عمومی شملچه و نزدیک شدن سپاهیان اسلام به شهر بصره را در پی داشت. با آزادسازی این منطقه، بار دیگر توانایی جمهوری اسلامی، جهان و منطقه رابه تلاطم انداخت و چنین پیش‌بینی شد که در صورت ادامه این موفقیتها، سقوط صدام و رژیم بغداد بعید نخواهد بود. به همین دلیل تلاش جدیدی از سوی قدرتهای بزرگ برای خاتمه جنگ آغاز شد که نتیجه آن حضور ناوگانهای نظامی در خلیج فارس و تصویب قطعنامه ۵۹۸ بود.

مضامین فوق ، محتوای کتابی است که با بهره‌گیری از منابع ذیقیمت مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ به نگارش درآمده و در آن اهم موضوعات و مسائل مطروحه جنگ در این مقطع مورد بررسی قرار گرفته است. X کتاب کوشش دارد به شکلی مستند و تحلیلی ، خوانندگان و علاقمندان به جنگ را با سرفصل‌های اصلی جنگ در این دوران آشنا سازد. این کتاب در حقیقت سومین جلد از سری کتب منتشره با عنوان کلی « سیری در جنگ ایران و عراق » است که جلدهای اول و دوم آن تحت عناوین « از خونین‌شهر تا خرمشهر » و « از خرمشهر تا فاو » منتشر گردید و جلد سوم آن که محتویات کتاب حاضر را در برمی‌گیرد « از فاو تا شلمچه » نامگذاری شده است .

در فصل اول کتاب ، تحت عنوان « نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸ » به شکل‌گیری چگونگی تصرف فاو در شرایط بحرانی جنگ اشاره شده و مواضع آمریکا و شوروی پس از عملیات مورد بررسی و تجزیه تحلیل قرار گرفته است . از نکات برجسته این فصل اشاره به استراتژی جدید آمریکا برای نزدیکی به ایران و عراق جهت تاثیرگذاری بیشتر بر روند تحولات جنگ است . همچنین به تلاش‌های سیاسی شوروی جهت حفظ موازنه سیاسی بین طرفین و ناخشنودی این کشور را از انجام عملیات والفجر ۸ اشاره شده

X لازم به یادآوری است که تدوین کتاب با بهره‌گیری از منابع متعدد سیاسی و نظامی موجود در اطلاع‌رسانی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ صورت پذیرفته است که فهرست منابع سیاسی مورد استفاده در پایان هر فصل ذکر شده است و اهم منابع نظامی مورد استفاده به لحاظ عدم انتشار عمومی ، تحت عنوان « معرفی منابع اختصاصی » در پایان کتاب آمده است .

است .

« تشدید فشار به جمهوری اسلامی » عنوان فصل دوم کتاب است که در آن تلاش قدرتهای بزرگ برای فشار بیشتر به ایران جهت جلوگیری از موفقیت چشمگیر در جنگ و استراتژی قدرتهای بزرگ جهت خاتمه جنگ بدون طرف پیروز ، مورد بررسی قرار گرفته است . بازپس گیری شهر مهران توسط سپاه پاسداران و ناکام ماندن ارتش عراق در استراتژی دفاع متحرک ، سایر مطالب این فصل را شامل می شود .

در فصل سوم کتاب تدابیر و اقدامات مسئولین کشور ، بویژه حضرت امام خمینی (س) در رویارویی با وضعیت جدید و موضوعاتی از قبیل تاکید امام بر ادامه جنگ ، بسیج امکانات و نیرو ، طرحریزی و اجرای عملیات محدود ، طرحریزی عملیات سرنوشت ساز ، تجزیه و تحلیل شده است . این فصل از کتاب « رویارویی با وضعیت جدید » نام دارد .

فصل چهارم کتاب به تجزیه و تحلیل « ماجرای مکفارلین » اختصاص یافته است . در این فصل روند شکل گیری سیاست خارجی جدید آمریکا در مقابل ایران و تاثیرات تعیین کننده ماجرای مکفارلین در روابط دو کشور بررسی شده و ضمن بیان چگونگی شکل گیری سیاست جدید ، به تاثیرات آن بر مواضع و سیاستهای شوروی و عراق نیز نتایج و پیامدهای آن اشاره گردیده است .

پنجمین فصل کتاب « عملیات کربلای ۴ » عنوان دارد و در آن به کمک‌های اطلاعاتی آمریکا به عراق برای کشف منطقه عملیاتی و تأثیرات این عملیات بر قوای نظامی خودی و دشمن اشاره شده است. در پایان این فصل هیاهوی تبلیغاتی عراق پیرامون شکست عملیات سرنوشت‌ساز ایران، مورد توجه قرار گرفته که در اغفال ارتش عراق در عملیات کربلای ۵ که با فاصله کمتر از بیست روز از عملیات کربلای ۴ انجام شد، تأثیر عمده‌ای داشته است.

« عملیات کربلای ۵ » عنوان فصل ششم کتاب است. در این فصل ابتدا وضعیت دشوار جمهوری اسلامی در روند تحولات جنگ بویژه پس از عملیات کربلای ۴ تشریح شده و دلایل انجام عملیات و کسب پیروزی در این مقطع حساس و پیچیده مورد بررسی قرار گرفته است. طرح‌ریزی و شرح چگونگی تهاجم در شرق بصره و تلاش‌های فرماندهان سپاه برای حفظ این موفقیت، دیگر قسمت‌های این محور از بحث را تشکیل می‌دهند. در پایان این فصل بازتاب‌های سیاسی و نظامی عملیات کربلای ۵ مورد توجه قرار گرفته و به انفعال حاصل از این موفقیت در صحنه سیاسی منطقه و جهان اشاره شده است. شکست ارتش عراق در مستحکم‌ترین و پیچیده‌ترین خطوط دفاعی این کشور از موضوعات قابل توجه این فصل از کتاب است.

فصل هفتم کتاب عنوان « آخرین تحرک نظامی در جنوب » را به خود اختصاص داده است که در آن به چگونگی و نحوه انجام عملیات کربلای ۸ که در حقیقت تکمیل عملیات کربلای ۵ محسوب می‌شود، اشاره شده است. این عملیات که آخرین تحرک نظامی سپاه پاسداران در جنوب محسوب

می‌شود ، حلقه پایانی استراتژی عملیاتی سپاه در این منطقه می‌باشد . در این عملیات سپاه پاسداران تلاش بی‌وقفه‌ای را جهت به سرانجام رساندن نبرد در این منطقه آغاز نمود . تامین نیازمندیهای زرهی که لازمه پیشروی در چنین صحنه‌ای بود ، به نتیجه نرسید و همانگونه که تصور می‌رفت ، این منطقه نیز همچون سایر مناطق عملیاتی در جنوب به لحاظ نظامی دچار بن‌بست گردید . در این شرایط لازم بود که فرماندهان عالی سپاه تصمیم مشخصی را برای ادامه جنگ اتخاذ نمایند . این تصمیم که می‌توان از آن به عنوان مقدمه استراتژی عملیاتی جدید سپاه یاد کرد ، موجب تحرکات جدیدی در سپاه شد که در جلد بعدی این مجموعه از کتب مرکز مطالعات مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت . این کتاب تحت عنوان « از شلمچه تا حلبچه » در حال تدوین است .

کتاب از « فاو تا شلمچه » در واقع بیانگر آخرین موفقیت‌های سپاه پاسداران در جنوب می‌باشد که موجب تغییر فلش‌های عملیاتی از جنوب به غرب شد . به علاوه ، در این کتاب اوج تاثیرگذاریهای جنگ بر روند تحولات سیاسی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است .

کتاب از فاو تا شلمچه و سایر کتبی که تاکنون توسط این مرکز منتشر شده و یا انتشار خواهد یافت ، ثمره تلاشی است که در طول سالیان گذشته توسط راویان ، محققان ، مدیران و دست‌اندرکاران این مرکز صورت گرفته است . در اینجا باید یاد کرد از راویان شهید مرکز : ناصر صباغیان ، تقی رضوانی ، سعید عیسی‌وند ، هادی درودیان ، محمدرضا ملکی ، حسین جلایی‌پور ، سیدمحمد اسحاقی ، علی فتحی ، سیدمحمد گرگانی ، حمید صالحی ، محسن فیض ، مجید صادقی‌نژاد ، حسین الله‌داد و محمد امیری مقدم ، که بعضی در

حال انجام تحقیقات میدانی و بعضی هنگام شرکت در عملیات علیه دشمن ، به شهادت رسیدند . در واقع تدوین این کتاب کوششی است برای صحنه گذاشتن بر یکی از خالصانه ترین تلاشهای فرزندان انقلاب و امام در صحنه های جنگ که با تاریخ انقلاب اسلامی گره خورده است ، در نتیجه پاداش آن نیز جز رضای خداوند ، چیز دیگری نمی تواند باشد .

مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ

۱۳۷۳

<http://www.ciw8.net>

فصل اول

تحولات سیاسی - نظامی پس از فتح فاو

- نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸
- بازتاب موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی
- اعتراف به شکست
- توجه به برتری نظامی رزمندگان اسلام
- تغییر در ماهیت سیاسی جنگ
- بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو

<http://www.ciw8.net>

تحولات سیاسی - نظامی پس از فتح فاو

نگاهی اجمالی به عملیات والفجر ۸ ×

با توجه به عدم تامین مناطق متصرفه‌ای که در سلسله عملیات نظامی پس از فتح خرمشهر توسط ارتش و سپاه به صورت مشترک انجام گرفت، منطقه فاو از آن جهت برای انجام عملیات انتخاب شد که ضرورتاً می‌بایست علاوه بر دارابودن ویژگی‌های لازم جهت تاثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ، پس از تصرف نیز از شرایط و مشخصه‌های لازم برای حفظ و نگهداری در مقابل پاتک‌های دشمن برخوردار باشد.

زمین منطقه فاو علاوه بر ارزش سیاسی - نظامی، به لحاظ فراهم سازی امکان حضور مقتدرانه ایران در خاک عراق و موقعیت جغرافیایی و طبیعی دارای ارزش استراتژیک نیز بود و همچنین معضلات ناشی از عدم تامین مناطق عملیاتی پیشین و مقابله با فشارهای دشمن پس از تصرف منطقه را حل

× عملیات والفجر ۸ در کتاب «از خرمشهر تا فاو» منتشره از سوی مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه (اردیبهشت ۶۷) به طور نسبتاً مشروح و مفصل مورد بررسی قرار گرفته است.

می‌کرد زیرا باتلاقی بودن سواحل رودخانه اروند در هر دو سو و نیز وجود عارضه کارخانه نمک، عملاً قسمت اعظم زمین منطقه را برای دشمن غیرقابل استفاده کرده بود و این مسأله، کارآیی زرهی ارتش عراق را کاهش می‌داد. همچنین احاطه آب از سه قسمت موجب شده بود پدافند در برابر دشمن تنها در یک سمت انجام شود و آسیب‌پذیری از جناحین را کاهش دهد.

علاوه بر اینها، کوتاه بودن عقبه خودی، پوشش مناسب منطقه برای پدافند هوایی، تسلط آتش بر روی خطوط و عقبه دشمن، امکان رعایت غافلگیری، محدود بودن زمین و عمق قابل دسترس، از جمله عواملی بود که بر میزان امیدواریها نسبت به کسب پیروزی می‌افزود.

اما در عین حال، به هنگام طرحریزی عملیات، مسأله عبور از رودخانه و پشتیبانی عملیات، از مهمترین معضلاتی بود که فرا روی فرماندهان و طراحان نظامی سپاه قرار داشت. ^x پیش از این، تنها تجربه سپاه برای عبور از رودخانه، عملیات بیت‌المقدس در سال ۶۱ بود که به طور مشترک با برادران ارتشی انجام گرفت و منجر به فتح خرمشهر شد. در واقع عدم حضور نیروهای دشمن در ساحل غرب رودخانه کارون، در جریان عملیات بیت‌المقدس، موجب گردید که عبور از کارون بدون برخورد با دشمن انجام پذیرد، ضمن آنکه شرائط و موقعیت رودخانه کارون به هیچ وجه قابل مقایسه

x در پایان سال ۱۳۶۳ پس از پایان یافتن عملیات بدر، از سوی فرماندهی عالی جنگ چنین مقرر گردید که ارتش و سپاه هر یک به طور جداگانه به انجام عملیات مبادرت نمایند. عملیات والفجر ۸ در منطقه فاو از سوی سپاه طرحریزی و اجراء شد. همزمان با عملیات والفجر ۸، ارتش و سپاه با دو فرماندهی مستقل، در شمال این منطقه عملیاتی، در شلمچه و ام‌الرصاص، اقدام به عملیات کردند. در منطقه شمالغرب (چوارتا) نیز عملیات والفجر ۹ انجام گرفت که طرح و اجرای آن توسط سپاه و پدافند آن به عهده ارتش بود.

با ویژگیهای رودخانه اروند نیست . X

بنابراین ، ویژگیهای رودخانه اروند و فقدان تجربه عبور از رودخانه‌ای با مشخصه‌های آن و همچنین حضور اطلاعاتی دشمن در منطقه ، از جمله مسائلی بود که لزوماً می‌بایست برای حل و فصل آنها تدابیر لازم اتخاذ می‌شد .

دشمن به لحاظ حساسیت منطقه فاو و از طرفی ضرورت کنترل تحرکات نیروهای خودی در جزیره آبادان ، برای دیده‌بانی و کنترل منطقه ، از دکلهای ۴۲ متری که به فاصله ۱۰۰ متر از یکدیگر ایجاد شده بود ، استفاده می‌کرد . بنابراین کلیه جاده‌های منطقه ، بویژه جاده‌های عمود بر حاشیه رودخانه اروند زیر دید دشمن قرار داشت . همچنین دشمن هفته‌ای یکبار به تهیه عکس هوایی از منطقه مبادرت می‌ورزید ، ضمن آنکه دستگاههای رازیت آن کلیه نقل و انتقالات موجود بر روی جاده‌های پشت نخلستان را تا اندازه‌ای ثبت می‌کرد . دشمن علاوه بر حضور اطلاعاتی در منطقه ، استحکامات و موانع مستحکمی مانند مواضع بتونی ب شکل و موانع خورشیدی و مین در ساحل رودخانه اروند تعبیه کرده بود که هرگونه عبور از رودخانه را با مشکلات پیچیده و دشواری روبرو می‌ساخت .

بنابراین ، علاوه بر خصوصیتی که ذکر شد ، موانع قابل ملاحظه‌ای برای احداث پل ، پهلو گرفتن قایق‌ها در ساحل رودخانه و اساساً پشتیبانی عملیات وجود داشت و طبعاً هرگونه آماده سازی منطقه قبل از عملیات ،

X رودخانه اروند از دو رودخانه دجله و فرات در خاک عراق سرچشمه می‌گیرد و پس از پیوستن رودخانه کارون به آن در منطقه خرمشهر ، از شمال به سمت جنوب سرازیر شده و به خلیج فارس منتهی می‌شود . رودخانه اروند یا تاثیرپذیری از دریا ، دارای چهار بار جزر و مد در طول شبانه روز می‌باشد . ارتفاع آب در عمیق‌ترین قسمت رودخانه ۲۵ متر و اختلاف ارتفاع آب در پائین‌ترین حالت جزر و بالاترین حالت مد به ۳/۵ متر می‌رسد .

ساحل سازی رودخانه ، عبور نیروهای غواص و خط شکن و تردد قایقها به ساحل دشمن ، به سادگی امکان پذیر نبود . به همین دلیل در طرحریزی عملیات تدابیر ویژه‌ای به منظور رفع موانع اتخاذ شد .

استفاده از پوشش و اختفاء برای آماده سازی جاده‌های آنتنی و رعایت حفاظت در تردد و انجام کارهای مهندسی ، موجب گردید تدریجاً شرایط مناسبی فراهم آید . همچنین پس از انجام شناساییهای لازم از مواضع و استحکامات دشمن ، با انتخاب یگانهای مجرب و ورزیده سپاه پاسداران تدابیر ویژه‌ای برای عبور نیروهای خط شکن و جنگ و درگیری در نخلستانها و بویژه شهر فاو اتخاذ شد .

فرماندهان و طراحان نظامی سپاه ، عبور از رودخانه و شکستن خطوط دفاعی و استحکامات دشمن را به سه مرحله شامل : عبور نیروهای غواص ، عبور قایقها و شکستن خط تقسیم کردند . در مراحل بعدی عبور وسائل یگانهای مانوری با قایق و سایر وسائل شناور انجام می‌گرفت و در آخرین مرحله ، پس از تامین سرپل منطقه تصرف شده ، وسائل سنگین عبور داده می‌شد . پشتیبانی هوایی عملیات توسط نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی و هوانیروز تامین می‌گردید و همچنین بنابر پیشنهاد فرمانده سپاه و تصویب فرمانده عالی جنگ ، آقای هاشمی ، بخشی از آتش پشتیبانی توسط ارتش تامین می‌شد .

در این میان ، عملیات در جزیره ام‌الرصاص از سوی سپاه به عنوان تک پشتیبانی طرحریزی شد ، تا بدین وسیله عمده قوای دشمن را قبل از توجه به منطقه فاو ، درگیر و مشغول نماید .

از سوی دیگر ، با توجه به اینکه عملیات در فاو انجام می‌شد ، ضرورتاً می‌بایست تمامی پشتیبانیها متوجه این منطقه باشد ، اما چون ارتش عملیات جداگانه‌ای را در شلمچه طرحریزی کرده بود ، در امر واگذاری امکانات به

سپاه مشکلاتی به وجود آمد. در پی بروز این معضل جلسات مشترکی بین ارتش و سپاه برگزار گردید که سرانجام با دستور فرماندهی عالی جنگ بخشی از مشکلات حل شد. پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تامین پشتیبانیهای مورد نظر و سازماندهی قرارگاهها و یگانهای سپاه، دستور انجام عملیات والفجر ۸ در ساعت ۲۲/۱۰ روز ۶۴/۱۱/۲۰ توسط فرماندهی کل سپاه با قرائت رمز عملیات صادر شد:

«بسم الله الرحمن الرحيم لاحول و لا قوة الا بالله العلي العظيم قاتلوهم

حتی لا تکون فتنه . یا فاطمه الزهراء یا فاطمه الزهراء .»

یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف، تهاجم خود را آغاز کردند و بدین ترتیب برجسته‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی با هدایت و فرماندهی سپاه پاسداران، توسط سازماندهی متشکل از نیروی زمینی، هوایی و دریایی سپاه پاسداران، نیروی هوایی و هوانیروز ارتش^x و ایشارگران جهاد سازندگی به اجرا درآمد.

دشمن ناباورانه در برابر تهاجم قوای خودی غافلگیر شد و در شرایطی که جمهوری اسلامی را فاقد توانایی و قابلیت اجرای عملیات عبور از رودخانه ارزیابی می‌کرد، پس از مواجهه با حضور قدرتمندان نیروهای خودی در شهر فاو و بعد از گذشت سه روز از شروع عملیات، تدریجاً نسبت به ابعاد عملیات فاو هوشیار شده و لشکر گارد را وارد منطقه کرد. شتابزدگی و عدم توجیه کامل نسبت به منطقه، موجب گردید که نیروهای

x قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابایی پشتیبانی هوایی عملیات را برعهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته‌ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو ایفا می‌کردند.

لشکر گارد سوار بر خودرو و در حال حرکت به سمت منطقه درگیری ، در محاصره نیروهای خودی گرفتار شده و در ذلت‌بارترین وضعیت به هلاکت برسند . لذا وضعیت اسفناک این قوا موجب گردید دشمن تمام تلاش خود را برای خروج آنها از محاصره معطوف نماید . از این زمان بود که نبرد سنگین بین طرفین شروع گردید و تا ۷۵ روز ادامه داشت . به عبارت دیگر منطقه فاو در روزهای اول عملیات به تصرف درآمد ولی تثبیت آن ، با توجه به پاتکهای سنگین دشمن ، بیش از ۷۰ روز جنگ را در پی داشت . جنگی را که دشمن با اتکا به خشکی ، و قوای خودی با عبور امکانات از آب (ارونند) انجام می‌دادند .

سرانجام پس از ۷۵ روز جنگ ، هدفهای مورد نظر تصرف و تامین شد . در این ضمن ، به لحاظ ارزشمندی زمین منطقه ، دشمن برای بازپس‌گیری آن توان گسترده‌ای را به کار گرفت ، لیکن تفاوت وارده ، دشمن را در شرایطی قرار داد که سرانجام با ترجیح « حفظ نیرو » به « حفظ زمین » از مقابله همه جانبه دست کشید تا از انهدام نیرو و امکانات خود ، بیش از این ، ممانعت به عمل آورد .

در این عملیات ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد شد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی شده و نزدیک به ۳ هزار نفر به اسارت درآمدند .

انهدام وسایل و تجهیزات دشمن در این عملیات قابل ملاحظه بود ، به گونه‌ای که بیش از ۶۰۰ تانک و نفربر ، ۵۰۰ خودرو ، ۱۵۰ قبضه توپ ، ۴۵ هواپیما ، ۱۰ هلیکوپتر و ۳ ناوچه دشمن منهدم شد .

در مجموع ۱۰ تیپ پیاده و کماندوئی و نیروی مخصوص ، ۲ تیپ زرهی ، ۴ گردان ضدهوایی ، ۱۰ گردان قاطع جیش‌الشعبی و ۵ گردان توپخانه دشمن ۱۰۰٪ منهدم گردید .

همچنین ۳۳ تیپ پیاده و کماندویی و نیروی مخصوص ، ۸ تیپ زرهی و مکانیزه بیش از ۶۰٪ منهدم گردید که جهت بازسازی و تجدید سازمان از منطقه عملیاتی ، خارج شدند .

ضمناً حدود ۱۰ لشکر و ۵ تیپ کماندوئی ، زرهی و مکانیزه ۳۰٪ آسیب دیدند که به علت کمبود نیروهای دشمن ، کماکان در منطقه عملیاتی مستقر بودند .

بازتاب موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی

متعاقب عبور غافلگیرانه رزمندگان اسلام از رودخانه اروندر و انهدام دشمن ، شهر بندری فاو واقع در خاک عراق فتح شد . تثبیت منطقه پس از دو ماه مقابله با پاتکهای سنگین دشمن موجب گردید تا اساساً تواناییها و قابلیت‌های دفاعی عراق ، از جانب حامیان رژیم بعثی مورد سؤال واقع شده ، متقابلاً ویژگیهای قابل ملاحظه عملیاتی رزمندگان اسلام مورد توجه قرار گیرد .

تغییر توازن سیاسی و نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران ، یکی از دستاوردهای فتح فاو به شمار می‌رفت ، به گونه‌ای که گسترش حضور ایران در شمال خلیج فارس وهم مرز شدن با کویت وضعیت جدیدی را به وجود می‌آورد که کشورهای منطقه و حامیان عراق نمی‌توانستند آن را نادیده انگارند .

پیدایش وضعیت جدید در بطن خود می‌توانست موجب تغییرات اساسی در جنگ و عملیات نظامی و بالطبع ایجاد دگرگونی‌هایی در منطقه خاورمیانه گردد . از اینرو بازتاب و انعکاس پیروزی ایران در فاو ، در مقایسه با مقاطع پیشین جنگ ، تنها با شرایط پس از فتح خرمشهر قابل مقایسه می‌باشد . در این قسمت بازتاب سیاسی « عملیات والفجر ۸ » در رسانه‌های خارجی ، به

منظور روشن‌تر شدن پیامدها و ابعاد فتح فاو، مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

نحوه برخورد رسانه‌های غربی با پیروزیهای کسب شده توسط رزمندگان اسلام همواره یک روند ثابت و منظم داشت. این رسانه‌ها با نزدیک شدن زمان عملیات سالانه ایران که معمولاً در زمستان هر سال صورت می‌گرفت. و از گستردگی و وسعت قابل توجهی برخوردار بود، اخبار و تحلیلهای خود را پیرامون منطقه عملیات آینده ارائه داده و سعی داشتند از این طریق ضمن هوشیار نمودن دشمن، تصمیم‌گیرندگان نظامی و سیاسی ایران را دچار تزلزل و تردید نمایند. با آغاز عملیات و کسب موفقیت‌های اولیه، فعالیت این رسانه‌ها برضعیف و کم‌اهمیت جلوه‌دادن پیروزیهای ایران معطوف می‌شد. در نبرد فاو، تا یک هفته پس از شروع عملیات، از سوی برخی فرماندهان نظامی عراق و نیز کارشناسان و ناظران سیاسی - نظامی غرب نسبت به توانایی ایران مبنی بر حفظ و تثبیت منطقه ابهام و تردید وجود داشت، چنانکه روزنامه تایمز لندن نوشت:

« آنها قبلاً نیز به پیروزیهای کوتاه مدتی دست یافته‌اند، لیکن تاکنون ثابت شده که توانایی حفظ آن و انجام عملیات طولانی با تمام ویژگیهای لجستیکی را که لازمه آن است، ندارند. »^۱

رادیو آمریکا نیز در تاریخ ۶۴/۱۱/۲۵ نظریه فوق را به نقل از خبرنگار صدای آمریکا به گونه‌ای دیگر مطرح کرد:

« حملات تهاجمی ایران نشان می‌دهد که ایران در هیچ یک از پیکارهای گذشته‌اش پیروزی قابل ملاحظه‌ای به دست نیاورده است. »^۲

در این باره سفیر عراق در ژاپن در مصاحبه با روزنامه یومیوری چاپ آن کشور می‌گوید:

« این بار هم مثل گذشته از هم پاشیدن و درهم کوبیدن نیروهای

ایرانی به چند ساعت وقت احتیاج دارد و بس .^۳»

اما یک هفته از پیروزی ایران و مقاومت نیروهای جمهوری اسلامی در برابر پاتکهای وسیع دشمن و ناتوانی عراق در عقب راندن رزمندگان اسلام ، بتدریج لحن رسانه‌های تبلیغاتی قدرتهای جهان نیز تغییر یافت . نبرد والفجر ۸ اوضاع سیاسی منطقه را شدیداً دچار دگرگونی ساخت و وسائل تبلیغاتی جهان را مجبور ساخت تا با حساسیت بیشتری مسائل ناشی از پیروزیها را دنبال کنند . به همین جهت از این پس شاهد توجیه علل ناتوانی عراق در بازپس گیری فاو و موکول کردن آن به تغییر شرایط جوی می‌شویم ! آنتونی لردگردزمن یکی از کارشناسان امور خاورمیانه‌ای آمریکا در جنگ تحمیلی ، معضل اصلی عراق را در فاو و مقایسه آن با ایران چنین بیان می‌کند :

« مشکل اصلی عراق آن است که نمی‌خواهد متحمل تلفات شود ، در صورتی که ایران بخصوص در حمله اولیه ، آمادگی پذیرش تلفات سنگین را دارد . از جمله مشکلات هر جنگ آن است که نمی‌توان بدون تحمل تلفات دست به ضد حمله زد . معمولاً تلفات در ضد حمله پنج تا ده برابر آن در حالت دفاعی است . عراق ترجیح می‌دهد به جای تحمل تلفات سنگین ، بخشهای کوچکی از خاک خود را از دست بدهد .^۴»

روزنامه واشنگتن پست نیز نظریات لردگردزمن را به گونه‌ای دیگر بیان داشته است :

« بزرگترین مشکل عراقیها اجتناب آنها از متعهد ساختن پیاده نظام خود به دفع حملات ایران است . آنها به جای این امر ، استفاده از آتش توپخانه ، بمباران جت‌های جنگنده و آتش راکت هلیکوپترهای جنگی را انتخاب کرده‌اند . چنین جنگ‌هایی احتیاج به انگیزه شدید و تعهد کامل سربازان دارد که به نظر کارشناسان ، در ارتش عراق نقصان آن مشهود

است. بنابر اظهار یکی از تحلیلگران نظامی، مجموعه‌ای از ملاحظات سیاسی در عراق به فرماندهی نظامی فشار وارد می‌کند و عمده‌تصمیم بر آن است که از دادن تلفات زیادی که باعث نارضایتیهای سیاسی داخلی شود، اجتناب گردد.^۵

عراق در منطقه فاو به لحاظ غافلگیری در مکان و تاکتیک، در برابر رزمندگان اسلام دچار انفعال شد، لذا به رغم تلاشهایی که انجام داد نتوانست نسبت به عقب راندن رزمندگان اسلام موفقیتی کسب نماید.

اعتراف به شکست

با گذشت زمان و تثبیت موقعیت نیروهای خودی در منطقه فاو و به دنبال گزارشهای رسانه‌های غربی، سخن فرماندهان و مسئولین عراق نیز رفته رفته تغییر کرد. توانایی رزمندگان اسلام در تامین پشتیبانی نیروها و تامین پشتیبانی هوایی و توپخانه، سرانجام عراقیها را که ابتدا حتی به حضور رزمندگان اسلام در منطقه فاو اعتراف نمی‌کردند، مجبور ساخت تا ضمن اعتراف به شکست در این نبرد، بازپس‌گیری آن را بسیار مشکل و دور از دسترس قلمداد کنند. فرماندهان عراق پس از شکستهای پی‌درپی در پاتکهای انجام شده، ارتش این کشور را برای تسلط مجدد بر فاو ناتوان معرفی کرده و بر ویژگیهای عملیات فاو تاکید کردند، چنانکه ماهر عبدالرشید، یکی از فرماندهان ارشد نظامی عراق، در این زمینه اذعان داشت:

«ایران در عملیات جاری خود از روشهای نظامی نوینی استفاده کرده است و برخلاف توقع، در شرایط جوی سختی که بارانهای شدید می‌بارید، با استفاده از مردان قورباغه‌ای و پیشفراوان رزمی، حمله خود را به مواضع عراقیها آغاز کرد.»^۶

در شرایط جدید، عراقیها دیگر قادر به انکار حضور رزمندگان اسلام در

منطقه فاو نبودند ، تا آنجا که لطیف جاسم وزیر اطلاعات عراق در مصاحبه با القبس گفت :

« مسئله تصرف منطقه فاو از سوی ایرانیان به حدی آشکار بود که دیگر نمی توانستیم آن را منکر شویم و برای ما ممکن نبود که اعلام کنیم ایران وارد فاو نشده است . »^۷

عراقیها تدریجاً به ناتوانی خود برای بازپس گیری فاو نیز اعتراف نمودند . عدنان خیرا... وزیر دفاع وقت عراق طی مصاحبه ای اعلام کرد :

« بازپس گرفتن شبه جزیره فاو از دست ایرانیان دشوار است . وجود باتلاقیها و نمکزارها در این سرزمین ، مانع اصلی عملکرد واحدهای عراقی هستند . »^۸

ماهر عبدالرشید نیز به ناتوانی سربازان عراقی اشاره کرده ، می گوید :

« فکر نمی کنم به این زودیها عراق بتواند در این ارتباط (پس گرفتن فاو) کسب موفقیت سریعی را پیش بینی بنماید . »^۹

مدیر توجیه سیاسی ارتش عراق هم در توجیه ناتوانی عراق می گوید :

« وضعیت زمین منطقه نبرد محدودیتهای را در استفاده از زره پوشها و حتی نیروهای پیاده ، بر ارتش عراق تحمیل کرده است ... زمین نبرد در اطراف فاو طوری است که اجازه نمی دهد از تعداد زیادی نیرو در این منطقه استفاده شود . »^{۱۰}

در عین حال که عراق در چنین شرایطی توانایی لازم را برای بازپس گیری فاو نداشت ، لیکن به لحاظ ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه ، نسبت به این مسئله واقف بود که « تنها بازپس گیری فاو می تواند مجدداً توازن را به سود عراق بازگرداند . »

خبرنگار رادیو بی . بی . سی در زمینه اهمیت فاو برای عراق می گوید :

« بازپس گیری شبه جزیره فاو هنوز برای عراق یک اولویت کلی

است و اگر عراق نتواند فاو را بگیرد ، ممکن است روحیه معنوی و موقعیت صدام به طور خطرناکی از بین برود .^{۱۱}»

مجله اشپیگل چاپ آلمان به تاثیرات عدم باز پس گیری فاو از سوی عراق اشاره کرده ، می نویسد :

«عدم باز پس گیری فاو علاوه بر شکست نظامی ، یک شکست سیاسی - روانی برای صدام و حامیان عربش در منطقه محسوب می شود .^{۱۲}»

یک خبرنگار خارجی با توصیف وضع نامطلوب عراقیها پس از عملیات والفجر ۸ ، چنین بیان می کند :

«صدام حسین خوب می داند که ایرانیها با عبور از اروند و تصرف شهر فاو ، چنگ در گلوی او انداخته اند و تنها معجزه می تواند او را از مهلکه نجات دهد .^{۱۳}»

بدین ترتیب ، عراق به ناچار و از موضع ضعف و استیصال ، موقتاً از باز پس گیری فاو چشم پوشید و این مسئله را به موقعیت دیگری موکول کرد و رسماً اعلام داشت که در شرایط فعلی قادر به بازپس گیری فاو نمی باشد . اعترافات رسمی عراقیها و توقف اقدامات عملی آنها موجب گردید روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ به شکل نوینی مورد ارزیابی قرار گیرد . در واقع چنانکه ذکر شد ، تا پیش از این امر ، به تثبیت منطقه تصرف شده از سوی ایران با تردید نظر می شد و همچنان نسبت به توانایی عراق برای بازپس گیری آن امیدواریهای زیادی وجود داشت . لیکن ناکامی عراق و اعتراف به این ناتوانی ، انعکاس نامطلوبی به زبان عراق داشت . در این مورد رادیو آمریکا به نقل از ناظران سیاسی غرب گفت :

«عراق ظاهراً تصمیم گرفته است از کوششهای خود برای بازپس گیری

فاو ، به خاطر تحمل بهای گزاف نظامی - سیاسی ، دست بکشد .^{۱۴}»

هفته نامه لوموند چاپ فرانسه نیز طی تحلیلی نوشت :

« در ستاد ارتش عراق پذیرفته شده که بازپس‌گیری فاو طولانی و پرهزینه خواهد بود . »^{۱۵}

توجیه به برتری نظامی رزمندگان اسلام

با تثبیت موقعیت رزمندگان اسلام در منطقه عملیاتی فاو طی دو ماه و اندی جنگ و مقابله آنان با تمامی لشکرهای دشمن ، موقعیت برتر نظامی جمهوری اسلامی مورد تأیید جهان قرار گرفت . قبل از فتح فاو ، در عین حال که به لحاظ تهاجمهای پی‌درپی ، ابتکار عمل در دست ایران بود ، اما عدم تثبیت مناطق متصرفه موجب گردیده بود که از نظر نظامی چنین ارزیابی شود که عراق به خاطر برتری هوایی ، آتش توپخانه و لجستیک ، در اتخاذ مواضع دفاعی موفق بوده و توانسته است کنترل اوضاع را در اختیار داشته باشد . اما تصرف فاو و ناتوانی عراق در بازپس‌گیری آن ، نقطه پایانی بر تاکیدات پیشین مبنی بر توانایی نظامی عراق بود . یک هفته نامه نظامی در این زمینه نوشت :

« تا پیش از حمله ایران به بندر متروکه فاو ، چنین تصور می‌شد که عراقیها کنترل اوضاع نظامی را در دست دارند . »^{۱۶}

خبرگزاری یونایتدپرس به نقل از منابع اطلاعاتی خبری گفت :

« تهاجم ایران به فاو بزرگترین مشکل نظامی عراق ظرف پنج سال جنگ است . »^{۱۷}

همچنین خبرگزاری رویتر به نقل از دیپلماتها اعلام کرد :

« موفقیت‌های اخیر ایران به تصویر تفوق نظامی عراق که به دقت رسم شده بود آسیب رسانیده است . تغییرات نظامی بیشتر به زیان عراق ، می‌تواند به حکومت بغداد لطمه وارد سازد . »^{۱۸}

بنابراین ، علاوه بر آنکه فتح فاو موقعیت نظامی عراق را تضعیف و متزلزل کرده ، متقابلاً موجب توجه جدی قدرتهای خارجی به برتری نظامی رزمندگان اسلام شد . خبرگزاری رویتر به نقل از کارشناسان سیاسی و نظامی در خلیج فارس ، اظهار داشت :

« حملات موفقیت آمیز ایران به عراق ، برای اولین بار به ایران امتیاز نظامی بخشیده است و می تواند نقطه عطفی در تاریخ جنگ پنج و نیم ساله خلیج (فارس) باشد . »^{۱۹}

تغییر در ماهیت سیاسی جنگ

از نظر سیاسی ، تبعات ناشی از فتح فاو به منزله تغییر در ماهیت سیاسی جنگ نیز بود . بدین معنا که اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق ، پس از فتح خرمشهر ، با این هدف بود که جنگ در روند فرسایشی ، سرانجام منتهی به پذیرش صلح از سوی ایران خواهد شد . ولی فتح فاو و ارتقاء موقعیت سیاسی و نظامی ایران در شمال خلیج فارس ، عملاً منجر به پیدایش شرایط جدیدی شد که هیچگونه مطابقتی با مشخصه های جنگ فرسایشی نداشت .

شورای امنیت سازمان ملل ، متعاقب تحولات جدید و تغییر توازن به سود ایران ، در تاریخ ۶۴/۱۲/۳ اقدام به تهیه پیش نویس و صدور بیانیه ای مهم نمود . در بند ۳ این بیانیه آمده بود :

« دبیر کل از ایران و عراق بخواهد که دو کشور بیدرنگ در زمین ، دریا و هوا و آتش بس را رعایت کرده و بلافاصله تمام نیروهای خود را تا مرزهای بین المللی شناخته شده به عقب بکشد . »^{۲۰}

قبل از این ، در سخت ترین شرائطی که جمهوری اسلامی مورد تهاجمات زمینی ، هوایی و دریایی دشمن قرار می گرفت ، سازمان ملل پس از

چند روز تعلل ، تنها اقدام به صدور بیانیه‌ای می‌کرد که در آن صرفاً از وجود درگیری بین ایران و عراق اظهار تاسف می‌شد . اما پس از فتح فاو و بعد از آنکه موقعیت برتر سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی آشکار شد ، سازمان ملل با صدور قطعنامه‌ای جدید^x ، عملاً به سود عراق موضعگیری نمود . بدیهی است که در این شرایط تقاضای برقراری آتش بس و عقب‌نشینی به مرزهای بین‌المللی ، بدون اشاره به تعیین متجاوز و پرداخت غرامت و مسائلی از این قبیل ، هیچ معنا و مفهومی به جز وارد آوردن فشار سیاسی - روانی بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی نداشت . قطعنامه ۵۸۲ شورای امنیت برخلاف قطعنامه‌های پیشین به اتفاق آراء مورد تصویب قرار گرفت و طارق عزیز وزیر امور خارجه عراق نیز بلافاصله آن را قابل پذیرش خواند .

وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران در پاسخ به بیانیه شورای امنیت سازمان ملل ، طی صدور بیانیه‌ای در تاریخ ۶۴/۱۲/۱۷ ، اعلام داشت :

«عدم موضعگیری صریح و قاطع در این زمینه (تعیین متجاوز) نشانگر آنست که شورا هنوز اراده سیاسی لازم را در این زمینه ندارد . بر این اساس ، آن قسمت از قطعنامه که بر کل موضوع جنگ و خاتمه مناقشات مربوط می‌شود ناقص ، بی‌اعتبار و غیرقابل اجرا است اولین قدم برای حرکت به سمت حل عادلانه جنگ ، محکومیت صریح عراق به عنوان متجاوز است .^{۲۱}»

شورای همکاری خلیج فارس نیز در پی تغییر روند تحولات سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی ایران ، به نحو فزاینده‌ای نگرانی خود را

^x قطعنامه ۵۸۲ که توسط گروه اتحادیه عرب پیشنهاد شد ، با تغییراتی در عبارات و کلمات ، در ۲۴ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۵) در جلسه ۲۶۶۶ شورای امنیت به اتفاق آراء تصویب شد .

بروز داد .

در این زمینه روزنامه لوکوئیدین دوپاری چاپ فرانسه نوشت :
 « اوضاعی که در اثر حمله اخیر ایران به وجود آمد ، کشورهای غرب
 را نگران ساخته است ، زیرا اولاً این بار نیروهای ایران بدون هیچگونه
 تردیدی قدم به خاک عراق گذاشته و اکنون نبرد در خاک عراق جریان
 دارد . ثانیاً محلی را که ایران برای حمله خود انتخاب کرده است به
 کویت بسیار نزدیک است . »^{۲۲}

« شورای همکاری خلیج فارس در تاریخ ۶۴/۱۲/۱۳ اقدام به
 برگزاری اجلاس وزیران به ریاست بنیوسف علوی عبدالله وزیر مشاور
 امور خارجه عمان کرد . در این اجلاس ، وزرای شرکت کننده نسبت به تصرف
 منطقه فاو از سوی رزمندگان اسلام اظهار نگرانی کردند و این اقدام را
 مغایر با پیمانهای بین‌المللی و اصول حسن همجواری قلمداد نمودند .
 از جمله مباحث سران شورای همکاری در این اجلاس ، تشکیل
 نیروهای سپرجزیره به منظور مقابله با تاثیرات ناشی از تحولات سیاسی -
 نظامی در جنگ ایران و عراق بود . در سطح سیاسی نیز مقرر گردید که
 شورای مذکور طی تماسی با کشورهای عربی دوست و سایر کشورها ، به
 منظور خنثی کردن موقعیت برتر ایران که در اثر فتح فاو به دست آمده بود ، به
 موضع مشترکی دست یافته و اقداماتی علیه ایران به عمل آورند .

بررسی مواضع آمریکا و شوروی پس از فتح فاو

نظر به تاثیرات نسبتاً گسترده و تعیین کننده مواضع و اقدامات آمریکا و
 شوروی در جنگ ایران و عراق ، به منظور مشخص شدن تاثیر فتح فاو بر
 مواضع دو کشور مزبور ، این مبحث به بررسی استراتژی دو قدرت بزرگ در
 برخورد با جنگ در مراحل مختلف ، اختصاص یافته است .

الف : مواضع آمریکا

موضع آمریکا در جنگ ایران و عراق اساساً مبنی بر حمایت از عراق در شروع تهاجم به خاک جمهوری اسلامی ، به منظور تعدیل در مواضع انقلابی ایران بود . متعاقب ناکامی عراق در تحقق و تامین اهداف سیاسی و نظامی اش در جنگ ، و در پی تهاجمات سراسری رزمندگان اسلام که منتهی به فتح خرمشهر شد ، ماهیت جنگ از نظر سیاسی و نظامی تغییر کرد ، بدین معنی که اگر تا آن زمان از دیدگاه طراحان ، از حربه جنگ به عنوان اهرم فشار و کنترل ایران استفاده می شد ، این حربه در مرحله جدید به عامل بی ثبات کننده عراق و طبعاً منطقه تبدیل شد . از این پس ، از سوی آمریکا و غرب و نیز کشورهای منطقه ، جنگ و ادامه آن به منزله اهرم صدور انقلاب و تهدید منافع آمریکا و تزلزل سیاسی - نظامی عراق و کشورهای منطقه ، مورد ارزیابی قرار گرفت . اتخاذ استراتژی دفاع مطلق از سوی عراق با هدایت و حمایت غربیها ، این فرصت را در اختیار آمریکا و غرب قرار داد تا با حمایتهای همه جانبه از عراق ، این کشور را در برابر تهاجمات احتمالی رزمندگان اسلام حفظ نمایند .

آمریکا و غرب پیش بینی می کردند و در صورتی که تهاجمات رزمندگان اسلام از نتیجه مطلوب برخوردار نشود و از سویی فشارهای لازم در جهت تعدیل جمهوری اسلامی ادامه یابد ، سرانجام ایران را در برابر غرب مجبور به ارائه امتیاز خواهد ساخت .

غربیها در عین حال که مخالفت موفقیت و پیروزی ایران بودند ، عراقی قدرتمند را نیز نمی پذیرفتند . روزنامه هرالد تریبیون به نقل از هنری کیسینجر نوشت :

« در این جنگ نفع نهایی آمریکا آن است که هر دو طرف بازنده

البته آمریکاییها پیروزی ایران را خطرناک ارزیابی می‌کردند، زیرا پیام اعتقادی انقلاب اسلامی و شعارهای آن، خطر اضمحلال منافع آمریکا در کشورهای اسلامی را در پی داشت. بولتن اکونومیست چاپ لندن در این زمینه نوشت:

«این کشور (آمریکا) مایل نیست که هیچیک از دو طرف پیروز گردد. اما پیروزی ایران را نسبت به پیروزی عراق، خطر بزرگتری برای اثبات منطقه تلقی می‌نماید.»^{۲۴}

روزنامه سوئدی تمپوس نیز به نقل از هنری کیسینجر در همین زمینه نوشت:

«واشنگتن در مورد ایران که هرگز اهداف خود را محرمانه نمی‌گذارد، به این نتیجه رسیده است که این کشور تهدیدی بزرگتر است. ایران در نظر دارد بر عراق پیروز شده و دولتی اسلامی در این منطقه مستقر نماید.»^{۲۵}

همچنین یک مقام آمریکایی که روزنامه تمپوس از افشای نام وی خودداری کرده بود در همین زمینه گفت:

«من تصور می‌کنم ابعاد پیروزی ایران برای منافع آمریکا در خاورمیانه فاجعه‌بار خواهد بود. اگر ایران موفق به استقرار حکومت مورد علاقه خود در عراق گردد، سیستمهای پیمانها در خلیج فارس کاملاً دگرگون خواهد شد.»^{۲۶}

آمریکاییها با توجه به درک و تحلیلی که نسبت به جنگ و تواناییها و قابلیت‌های نظامی و اهداف هر یک از طرفین داشتند، برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ و مقابله با رخدادهای و حوادث غیرمترقبه، اقدام به نزدیکی و ارتباط با ایران و عراق نمودند.

بر طبق ارزیابی و تحلیل سازمان اطلاعاتی آمریکا (سیا)، عراق متحد

سنتی شوروی بوده و سیستم تسلیحاتی این کشور، ایدئولوژی حزب بعث و تفکرات سیاسی و اقتصادی آن، برقراری رابطه استراتژیک با شوروی را ایجاب می‌کرد؛ لکن چرخش عراق به سمت غرب، تهاجم این کشور به ایران (همسو با منافع غرب) و سپس استیصال آن در برابر تهاجمات رزمندگان اسلام، شرایطی را برای عراق به وجود آورده بود که برای بقا و تداوم حیات سیاسی و نظامی خود شدیداً نیازمند حمایت غرب و آمریکا بود. عراق در چنین شرایطی (پس از فتح خرمشهر) مبادرت به برقراری رابطه رسمی با آمریکا کرد. ارائه کمکهای اطلاعاتی و سایر حمایتها از عراق نیز از همین زمان آغاز شد.

روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا طی تحلیلی در خصوص اهداف آمریکا از برقراری رابطه با عراق نوشت:

«دولت آمریکا در ارتباط با عراق سه هدف سیاست خارجی را در

نظر داشته است:

۱- از شکست عراق به دست ایران جلوگیری کند.

۲- عراق به اردوی عراق میان‌ه‌رو بپیوندد.

۳- حمایت عراق را در مبارزه با تروریسم بین‌المللی به دست

آورد.^{۲۷}»

عراق همچنین برای نجات خود، از تلاشهای صلح آمریکا در خاورمیانه حمایت می‌کرد. در این باره روزنامه وال استریت ژورنال نوشت:

«دولت ریگان در سال ۱۹۸۴، با این امید روابط دیپلماتیک با عراق

را از سرگرفت که آن کشور از تلاشهای صلح ایالات متحده در

خاورمیانه جانبداری کند.^{۲۸}»

در همین روزنامه پیرامون تمایل آمریکا به جانبداری از عراق آمده

است:

« هر چند ایالات متحده در جنگ ایران و عراق رسماً روش بیطرفی را در پیش گرفته است! ولی گرایش به جانب بغداد حتی پیش از تجدید مناسبات آغاز شده بود. زیرا به اعتقاد آمریکا پیروزی ایران منطقه خلیج فارس را که از موقعیت استراتژیکی بسیار پراهمیتی برخوردار است، دستخوش بی ثباتی خواهد ساخت. از اینرو دولت آمریکا جواز فروش هلیکوپترهای غیرنظامی را به عراق صادر کرد.... به علاوه، گفته می شود که عربستان سعودی با توافق واشنگتن اطلاعات جبهه های جنگ را از طریق هواپیماهای آواکس برای عراق رله می کند. »^{۲۹}

بنابراین، در عین حال که آمریکاییها ظاهراً اظهار می کردند که نسبت به پیروزی طرفین جنگ ناخشنود هستند، لیکن در مقایسه با وضعیت عراق در برابر ایران و تبعات پیروزی ایران به حمایت اطلاعاتی، تسلیحاتی، تبلیغاتی، دیپلماتیک و اقتصادی از عراق مبادرت نمودند.

از طرف دیگر، تمایل و تلاش آمریکاییها برای نزدیکی به ایران نیز اساساً از اهداف گوناگونی پیروزی می نمود. از بدو پیروزی انقلاب اسلامی، خصومت اساسی انقلاب اسلامی با آمریکا و متقابلاً اقدامات خصومت آمیز آمریکا علیه ایران، شرایطی را به وجود آورده بود که به هیچ روی امکان آشتی وجود نداشت. آمریکاییها برخلاف رهنمودها و اقدامات امام خمینی (قدس سره الشریف) و دیدگاهها و عملکرد نیروهای انقلابی، که همواره ضدیت با آمریکا را در تمامی زمینهها دنبال می کردند، ضرورت نزدیکی تدریجی به ایران را با این درک و تحلیل که انقلاب اسلامی در موقعیت جغرافیایی مشخص به نام ایران به وقوع پیوسته و بحرانهای متعددی را گذارنده و به رغم توطئهها، شرایط بقا و حیات خود را فراهم آورده است، به عنوان یک واقعیت مورد توجه قرار دادند و تلاش کردند از موضع تجدید روابط اقدام نمایند. در آن زمان هنری کیسینجر وزیر خارجه اسبق آمریکا در

زمینه ضرورت برقراری روابط سازنده با ایران گفت :

« یک جنبه منفی پیروزی ایران ، تقویت پرستیژ عقاید اسلامی رادیکال ضدغرب از جنوب تا شرق آسیا و تا سواحل اقیانوس اطلس است ایرن یکپارچه که سیاست ملی معتدل را دنبال کند که با منافع غرب هماهنگی خواهد داشت . سیاست منزوی نمودن ایران تا موقعی درست است که تهران توسط معتصبیهای توسعه طلب رهبری شود . موقعیت غرب در برابر ایران مشابه روابط آمریکا با چین است . به عقیده من سیاست عاقلانه آمریکا باید دو طریق را به موازات هم بپیماید ، ایستادگی در برابر توسعه طلبیهای ایرانیان همگام با برقراری روابط سازنده ، تا آنگاه که واقعیتهای بنیادی خودشان را نشان دهند . سیاستمداران در احاطه بر اوضاع و شرایط حساس ، باید روزنه‌ای را برای روز مبادا بازگذارند . »^{۳۰}

موقعیت استراتژیک ایران در جنوب شوروی و در شمال خلیج فارس و برخورداری از جمعیت قابل توجه و منابع نفتی و خاک وسیع و موقعیت جغرافیایی برتر نسبت به همسایگان و سایر مسائل به گونه‌ای بود که آمریکاییها نمی‌توانستند به سهولت ایران را نادیده بگیرند . بنابراین ، اهداف مختلفی را در این زمینه دنبال می‌کردند . نشریه ژون آفریک چاپ فرانسه ، طی تحلیلی ، به بخشی از این اهداف اشاره کرد :

« آمریکا معتقد است که با درگذشت امام خمینی و کشمکشهایی که این امر بدون شک در پی خواهد داشت ، زمینه بالا گرفتن یک جریان هوادار غرب در نیروهای مسلح و محافل بورژوازی تجاری ایران فراهم خواهد شد . بنابراین ، طراحان نظامی وزارت خارجه آمریکا نقش ناچیز کنونی آمریکا در ایران را پذیرفته و از نفرینهایی که مرتباً از سوی تهران نثار آنها می‌شود به غضب نمی‌آیند . آنها معتقدند که ایران به محض آنکه

از لحاظ اقتصادی به زانو درآید به آنها و متحدین غربی آنها روی خواهد آورد. بعلاوه، آنها معتقدند که ضدیت رهبران ایران با شوروی یک برگ برنده غیرقابل انکار در بازی پیچیده‌ای است که در این منطقه استراتژیک جهان دارند و نشانه آن کمک مستقیمی است که تهران به شورشیان افغان می‌کند.^{۳۱}»

رادیو آمریکا به نقل از جک اندرسون مفسر آمریکایی، که مقاله وی در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید، ضرورت برقراری رابطه آمریکا با ایران را با نظر دیگری مورد توجه قرار داده و برای این تغییر سیاست آمریکا دو دلیل عنوان کرد:

«نخست، نگرانی آمریکا در صورت عدم حضورش در ایران بعد از امام خمینی این است که شوروی شمال ایران را اشغال کند، دوم آنکه، کاخ سفید معتقد است در صورت برقراری روابط با ایران، واشنگتن سالانه ده تا دوازده میلیارد دلار کمتر خرج دفاع از خود در برابر اغتشاشات ملهم از ایران خواهد کرد.^{۳۲}»

علاوه بر آنکه اساساً در تحلیلها شوروی به عنوان یک عامل تعیین کننده لحاظ شده است، فروش تسلیحات به ایران، به لحاظ سیستم تسلیحاتی غربی ایران و برخی از مسائل دیگر نیز به عنوان اهداف آمریکا برای نزدیک شدن به ایران مورد اشاره قرار گرفته است. در این روند، آمریکاییها از یکسو به منظور کنترل و مهار ایران، اعمال فشار به جمهوری اسلامی را ادامه می‌دادند و از سوی دیگر به منظور ممانعت از رادیکال شدن بیش از پیش ایران، سیاست نزدیکی به ایران را توسط برخی از کشورهای اروپایی از جمله آلمان و همچنین ژاپن دنبال می‌کردند. به عبارت دیگر، سیاست فشار دیپلماسی آمریکا در برابر ایران بدین منظور دنبال می‌شد که آمریکاییها طی یک روند درازمدت با به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ ایران و عراق،

علاوه بر پایان بخشیدن به جنگ، مناسبات خود با ایران را نیز حل و فصل نمایند.^x

در این روند طبعاً آمریکاییها هر عاملی را که منتهی به تغییرات عمده در جنگ و متعاقباً تقویت مواضع ایران و برتری سیاسی و نظامی آن بر عراق می‌شد، نامطلوب ارزیابی می‌کردند. لذا فتح فاو به لحاظ تبعات ناشی از آن در تقویت مواضع ایران، به زیان منافع آمریکا و غرب تلقی می‌شد. از اینرو موضعگیری آمریکا بلافاصله پس از فتح فاو و اقدامات بعدی این کشور در مساعدت به عراق برای حمله به مراکز صنعتی و آب و برق ایران، نشانگر فزونی یافتن مواضع خصومت‌آمیز آمریکا بود. در این ضمن، جورج بوش معاون وقت رئیس‌جمهوری آمریکا در تاریخ ۶۵/۱/۱۶ به منظور انجام یک سفر ۸ روزه به کشورهای خلیج فارس و مذاکره پیرامون مسائل منطقه وارد عربستان سعودی شد. در این حال:

«همزمان با سفر بوش به منطقه، حمله به یک نفتکش عربستان سعودی

توسط هواپیماهای ناشناس به منزله پیام سیاسی به آمریکا تلقی شد.»^{۳۳}

بوش در اولین اظهار نظر خود، نگرانی آمریکا نسبت به گسترش جنگ در خلیج فارس را اینچنین مورد اشاره قرار داد:

«چیزی که ما و دوستان ما را نگران می‌کند آن است که این جنگ به

فراتر از محدوده کنونی آن توسعه یابد. احتمال دارد که به بستن آبراه

هرمز اقدام شود و یا اینکه ممکن است ایران از خطوط عراق بگذرد و به

کشورهای همسایه حمله کند و این متأسفانه چیزی است که تهدید انجام

آن صورت گرفته است. ما بارها این نکته را یادآور شده‌ایم و اجازه

x آنچه که بعدها به عنوان ماجرای مک فارلین انتشار یافت از سال ۶۴ آغاز و به منظور تحقق

اهداف فوق دنبال می‌شد.

دهید مجدداً آن را در اینجا تکرار کنم که ایالات متحده اساساً و قطعاً به جریان آزاد نفت از خلیج فارس متعهد است .^{۳۴}»

همچنین در پی اقدام نظامی آمریکا علیه لیبی در خلیج سیرت ، بوش در اظهارات تهدیدآمیز خود که خبرگزاری آسوشیتدپرس آن را نقل کرد ، گفت :

«درگیری نظامی اخیر بین آمریکا و لیبی در خلیج سیرت باید گوشزدی برای ایرانیها باشد . آمریکا نمی خواهد نظاره این مسئله باشد که گسترش جنگ از سوی ایران ، به روند تغییر در توازن قدرت در منطقه بیانجامد .^{۳۵}»

بلافاصله پس از موضعگیری تهدیدآمیز بوش ، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی رئیس وقت مجلس شورای اسلامی و فرمانده عالی جنگ اظهار داشت :

«آقای بوش در این شرایط حساس به کشورهای همسایه مسافرت می کند و چنین مغرورانه می گوید که ما اجازه نمی دهیم آبراههای جهانی ناامن شود یا ایران پیروز گردد . این حرفها برای کیست ؟ ما که نمی دانیم شما جنگ را برای از پا درآوردن ما ایجاد کردید ، حال که شکست خوردید می گوئید ما اجازه نمی دهیم موازنه در منطقه بهم خورد .^{۳۶}»

بوش طی این سفر ۸ روزه به بررسی وضعیت منطقه پرداخت . در این برهه ، طبعاً اظهار نگرانی کشورهای منطقه و درک و دریافت بوش از شرایط متزلزل عراق ، تاثیرات قابل ملاحظه ای در تصمیمات بعدی آمریکا داشت .

مصاحبه ژنرال هارین کریست ، مسئول کمیته منطقه خلیج فارس از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و تاکید وی بر مسئولیتهای آمریکا در این منطقه ، پیام آشکار آمریکا به ایران و همسایه شمالی آن بود :

«ما مسئولیت عمده ای در قبال خلیج (فارس) به عهده داریم . یکی اینکه روسها را از کشورهای کوچک خلیج دور نگهداریم و دیگر آنکه

امنیت دسترسی به ذخایر نفتی منطقه را تضمین نمائیم. «^{۳۷}

آمریکاییها ضمن اعلام موضع خود نسبت به تلاشها و اقدامات بعدی ایران به منظور بهره‌گیری از نتایج حاصله از فتح فاو، اقداماتی را انجام دادند که اساساً در جهت رفع نگرانی کشورهای منطقه بود.

فروش سلاح به عربستان سعودی که به لحاظ تاثیر آن بر توازن بین اعراب و اسرائیل مورد مخالفت کنگره بود، بخشی از اقدامات آمریکا در این مرحله محسوب می‌شد. جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا در تاریخ ۶۵/۲/۴ سعی نمود تا کنگره آمریکا را توجیه کند که تحویل ۳۵۴ میلیون دلار سلاح به عربستان سعودی تصویب شود. شولتز در برابر اقدام کمیته فرعی نمایندگان، که لایحه‌ای را در مخالفت با این فروش پیشنهاد کرده بود، طی مطالبی برای آن کمیته نوشت:

«این فروش، علائم سیاسی آشکاری خواهد فرستاد. علائمی به ایران که از گسترش جنگ با عراق جلوگیری کند و علامتی به عربستان و دیگر کشورهای میانه‌رو که اراده خود را تقویت کنند و این فروش اعتبارها و قابل اعتماد بودنها را به عنوان یک شریک امنیتی مورد تائید قرار می‌دهد.»^{۳۸}

شولتز در نامه دیگری به لی هامیلتون نماینده کنگره، مسائل دیگری را مطرح کرد که بخوبی نگرانیهای آمریکای را خاطر نشان می‌ساخت. وی در این نامه نوشت:

«عربستان سعودی برای جلوگیری از گسترش و توسعه خرابکاری شوروی و یا ایرانیها در منطقه خلیج فارس و حفظ جریان نفت منطقه به غرب و ژاپن به سیستم دفاعی موشکی نیاز دارد.»^{۳۹}

در این شرایط که آمریکاییها بفروش سلاح به عربستان سعودی پافشاری می‌کردند، خبر دستگیری یک شبکه قاچاق اسلحه در آمریکا انتشار

یافته و پوشش وسیع خبری به آن داده شد. دادستان فدرال آمریکا طی یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت:

« پنج قرارداد مختلف با یک خریدار ایرانی به نام سیروس هاشمی که پیش از این نیز در سال ۱۹۸۴ در ایالات متحده آمریکا متهم به فروش اسلحه به ایران شده، منعقد شده بود. »^{۴۰}

به گفته مقامات قضایی آمریکا، متهمین قصد داشتند شکاریهایی اف - ۴ و اف - ۵، موشکهای زمین به زمین، موشک تاو و... را به طور غیرقانونی به ایران صادر کنند. حجم معاملات بالغ بر ۲/۵ میلیارد دلار بود. بلافاصله روز بعد آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه‌های نماز جمعه اظهار داشت:

« کدام قاچاقچی اسلحه در دنیا وجود دارد که بتواند هواپیماهای پیشرفته آمریکا را از آن کشور خارج کرده و به ایران بفرستد؟ » سپس ایشان تاکید کردند:

« ما غیر از اسرائیل که باید بایکوت باشد، البته اسلحه آمریکایی را از هر کجا بتوانیم تهیه می‌کنیم، به خاطر اینکه هواپیماها و بسیاری از موشکها و سیستم توپخانه ما آمریکایی است... امروز هم اگر یک هواپیما و موشک آمریکایی پیدا کنیم، آن را می‌خریم و این هیاهو برای ما عجیب است. »^{۴۱}

بنابراین، پس از فتح فاو و نظر به تاثیرات این پیروزی در ایران و منطقه، آمریکاییها نگرانی خود را با سفر شتابزده ۸ روزه جرج بوش به منطقه و اظهارات وی و سایر مقامات آمریکایی مبنی بر « خطر گسترش جنگ » و « تهدید جریان صدور نفت از خلیج فارس » ابراز کردند، ضمن آنکه برنامه‌هایی را نیز طراحی کرده و انجام دادند که بخشی از آن شامل فروش سلاح به عربستان و متقابلاً تشدید مقابله با خرید تسلیحات توسط ایران از منابع موجود در اروپا بود. علاوه بر این، باید به نقش آمریکاییها در ارائه

اطلاعات به عراق و تشویق و ترغیب این کشور در حمله به مراکز صنعتی و آب و برق و آغاز استراتژی موسوم به دفاع متحرک اشاره کرد. در واقع، تلاشهای یاد شده عمدتاً بدین منظور طرحریزی و اجرا می‌شد که آمریکا نتایج حاصله از فتح فاو و تغییر توازن در منطقه خلیج فارس را مهار و کنترل نماید.

ب: مواضع شوروی

در سال ۱۳۵۷ روسیه برای اولین بار با انقلاب معتبر و قدرتمندی روبرو شد که حداقل به صورت بالقوه منافع این کشور را در آسیای میانه تهدید می‌کرد. اما در عین حال، مواضع ضدغربی ایران و برچیده شدن پایگاههای آمریکا از مرزهای جنوبی شوروی موجب شد تا انقلاب اسلامی از جهانی از نظر مسکو مورد ارزیابی مثبت قرار گیرد، چنانکه تلاش مسکو برای بهره‌برداری از تاثیرات ناشی از پیروزی انقلاب اسلامی و تغییر توازن در منطقه به سود این کشور، موجب گردید که افغانستان مورد تجاوز و اشغال قرار گیرد. اما موضعگیری جمهوری اسلامی ایران نسبت به تجاوز ارتش سرخ به مردم مسلمان افغانستان و حمایت از این کشور، اثرات نامساعدی بر روابط دو کشور باقی گذاشت.

به دنبال تجاوز عراق به خاک جمهوری اسلامی در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹ روسها در برابر وضعیت خاصی قرار گرفتند. آنها در عین حال که مخالفت خود را با تجاوز عراق به جمهوری اسلامی ایران از طریق دیپلماتیک و با تعلیق فروش اسلحه به عراق نشان دادند لیکن از جهانی امیدوار بودند که فشار غرب به ایران، علاوه بر تشدید شکاف در روابط ایران و غرب، روابط ایران با شوروی را بهبود بخشیده و مواضع ایران در قبال مسئله افغانستان را نیز تعدیل نماید.

بدیهی است که تعلیق فروش سلاح به عراق با توجه به تسلیحات واگذاری شده از سوی روسها به این کشور قبل از شروع جنگ و سلاحهایی که عراق از غرب دریافت کرده بود، هیچ تاثیری در روند تحولات جنگ به زیان عراق، نداشت. ضمن آنکه هرگز روسها عراق را به عنوان متجاوز معرفی نکردند.

در چنین شرایطی روسها امیدوار بودند که ایران متأثر از تهاجم عراق نه تنها از هرگونه گرایش به غرب اجتناب نماید، بلکه با نزدیکی به مسکو نسبت به مسئله افغانستان مواضع جدیدی را اتخاذ کند. به عبارت دیگر، ایرانی تضعیف شده که به غرب متمایل نشده و در برابر روسها سیاستی همراه با تساهل و تسامح را انتخاب می‌کرد، مطلوب مسکو تلقی می‌شد.

طی این دوره مناسبات ایران و شوروی متأثر از سه مسئله افغانستان، جنگ ایران و عراق و حزب توده بود. به لحاظ عدم انعطاف در سیاست خارجی مسکو و نحوه نگرش این کشور به معضلات فی‌مابین، به نظر نمی‌رسید که گشایشی در مناسبات دو کشور به وجود آید. در سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) انتخاب گورباچف به دبیرکلی حزب کمونیست موجب گردید تا تحولات قابل ملاحظه‌ای در سیاست خارجی این کشور بروز نماید. تصمیم و تلاش برای حل و فصل مسئله افغانستان، مهمترین و برجسته‌ترین گام زمامداران جدید شوروی بود که آغاز شد.

شوروی تحت رهبری گورباچف تمایل داشت نقش سازنده‌تری در گفتگوی صلح خاورمیانه داشته باشد. در این میان، تصمیم به عقب‌نشینی از افغانستان مهمترین و برجسته‌ترین اقدام گورباچف بود. وی بعدها اظهار داشت که تحول در سیاست خارجی و آنچه منجر به عقب‌نشینی از افغانستان شد، از آوریل ۱۹۸۵ (اسفند ۱۳۶۳) - درست یک ماه پیش از به قدرت رسیدن او - شروع شد. از این پس، سیاستهای شوروی در

برخورد با جنگ ایران و عراق نیز شکلی فعالتر به خود گرفت. ظاهراً روسها در مسئله جنگ ایران و عراق و مسائل دیگر منطقه، نسبت به غرب احساس عقب ماندگی می کردند. تلاش شوروی برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ، با این فرض طرحریزی و شروع شد که به رغم گرایش عراق به غرب، تحت رهبری صدام می توان علاوه بر جذب عراق، به اعمال فشار به این کشور پرداخت و ایران را نیز با ارائه برخی کمکها و همچنین اعمال فشار در شرایط مقتضی، جذب کرد.

روسها از این پس در نظر داشتند در مقابل حل مسئله افغانستان امتیازات مناسبی را در سایر بحرانهای منطقه به دست آورند. گورباچف مکرراً در اظهارات خود بیان کرده بود که حل مسئله افغانستان می تواند راه را برای تلاشهای بیشتر جهت فرونشاندن آتش در سایر درگیریهای منطقه ای، نظیر درگیریهای خاورمیانه و خلیج فارس هموار کند. بر این اساس، از سوی روسها به منظور حل و فصل مسائل افغانستان، جنگ ایران و عراق، مسائل خلیج فارس و صلح اعراب و اسرائیل، برگزاری چهار کنفرانس صلح بین المللی پیشنهاد شد.

روسها فاقد ابزار لازم برای تحقق پیشنهادات خود بودند، لیکن در نظر داشتند در ازاء امتیازاتی که با عقب نشینی از افغانستان از دست می دهند، در سایر زمینه ها به کسب بهره برداریهای مناسب بپردازند.

آمریکاییها بیش از این مایل به مشارکت مسکو در جهت حلوفصل مسائل منطقه نبودند، ضمن آنکه تهدیداتی را نیز نسبت به منافع خویش متحمل می دانستند. آمریکا در مورد جنگ ایران و عراق در نظر داشت تا با تضعیف و کنترل هر دو کشور، روابط با ایران و عراق را طی این روند شکل داده و با ابتکار عملی، خود جنگ را به پایان برساند.

پس از ایجاد ارتباط تسلیحاتی برخی کشورهای عضو جبهه پایداری

عرب با ایران ، بویژه مسلح شدن ایران به موشکهای اسکاد در سال ۶۳ ، تحرک روسها در جنگ ایران و عراق شکل جدیدی به خود گرفت . از این پس عراقیها روابط جدیدی را با مسکو آغاز کردند . سفر صدام به شوروی در سال ۶۳ و مذاکره با رهبران این کشور شروع بخشی از مناسبات جدید بود .

عراقیها تقاضای دریافت موشکهای اس . اس . ۲۱ و اس . اس . ۲۲ را نمودند تا با بهره‌گیری از آنها تهران را مورد حمله موشکی قرار دهند . روسها اعلام داشتند که با ارسال سایر تجهیزات نظامی موافق هستند ، لیکن واگذاری موشکها را عملاً به زمان دیگری موکول کردند .

شوروی تصور می‌کرد که همانگونه که با واگذاری موشک اسکاد به ایران ، عراق را تحت فشار قرار می‌دهد ، بدین وسیله نیز می‌تواند به ایران تفهیم نماید که نسبت به مسئله افغانستان و نیز میانجیگری شوروی در جنگ ایران و عراق مواضع خود را تعدیل نماید ، در غیر این صورت با تجهیز عراق به موشکهای دوربرد ، فشار لازم را به ایران وارد خواهد ساخت . در این خصوص نشریه المستقبل چاپ فرانسه ، به نقل از منابع برجسته عربی نوشت :

«اتحاد شوروی دست به تحرک دو مرحله‌ای زده است . مرحله نخست : در خلال دیدار پرزیدنت صدام حسین از مسکو که در دسامبر گذشته صورت گرفت ، مقامات شوروی موضوع کشاندن جنگ بر سر میز مذاکره و آمادگی رهبران شوروی برای ایفای نقش میانجی جهت تحقق این امر را با رئیس جمهور عراق در میان گذاشتند . بر این اساس ، مقامات شوروی عدم موافقت خود را با ارسال موشکهای دوربرد زمین به زمین از نوع اس . اس . ۲۱ و اس . اس . ۲۲ (که می‌تواند به اهدافی در فاصله ۶۰۰ کیلومتری و یا بیشتر اصابت نماید) را به عراق اعلام

نمودند هر چند که با ارسال دیگر تجهیزات جنگی به عراق موافق بودند . شورویها تصور نمودند که این امر ممکن است رهبران ایران را به نشان دادن نرمش و آمادگی برای انجام مذاکره با عراق تشویق نماید .^{۴۲}

به دنبال تحرکات دیپلماتیک شوروی و عراق ، روسها به منظور ممانعت از ناخشنودی ایران ، علاوه بر ارسال گزارش مذاکرات ، طی نامه‌ای به مسئولین جمهوری اسلامی ، کورنینکف را همراه با یک هیئت عالی‌رتبه راهی تهران نمودند . طی این سفر ، ملاقاتهای سطح بالایی برای کورنینکف ترتیب داده شد . وی از جانب گورباچف از مسئولین جمهوری اسلامی برای بازدید از مسکو دعوت به عمل آورد . صدور بیانیه مشترک از جانب ایران و شوروی و اظهار رضایت طرفین از نتایج مذاکرات ، نشانگر موفقیت سفر و خشنودی ایران و شوروی از دستیابی به مقاصد خود بود .

بلافاصله پس از آغاز عملیات والفجر ۸ ، فتح فاو و انهدام بخشی از توان نظامی عراق ، روسها صریحاً و آشکارا طی موضعگیری متفاوتی ناخشنودی خود را ابراز داشتند .

خبرگزاری فرانسه به نقل از واسیلی سافرونموک نماینده شوروی چنین مخابره کرد :

« شوروی از متخصصین دعوت کرد تا اختلافات خود را بر سر میز مذاکره حلوفصل کنند نه در میدان نبرد . ادامه جنگ تنها به نفع کسانی است که به منظور مداخله می‌خواهند ایران و عراق را تضعیف کنند . »^{۴۳}

رئیس ستاد نیروهای مسلح شوروی در یک کنفرانس مطبوعاتی اظهار داشت :

« موضعگیری شوروی در جنگ غیرقابل بوده است . شوروی این جنگ را بی‌معنی و غیرضروری برای هر دو طرف می‌داند که باید هر چه زودتر قطع شود . موضعگیری شوروی ثابت است چه وقتی که

عراق وارد خاک ایران شد و چه حالا که ایران وارد خاک عراق شده است .^{۴۴} «

هفته نامه زاروبژوم چاپ شوروی می نویسد :

« نباید اجازه داد که جنگ ایران و عراق طولانی تر از این بشود زیرا این امر ممکن است پای نیروهای امپریالیستی علاقه مند به افزایش تشنجات آینده خلیج فارس را به این منطقه بکشانند .^{۴۵} «

سفیر شوروی در قاهره طی مصاحبه ای ضمن تأکید بر موضع شوروی برای پایان بخشیدن به جنگ ، سیاستهای ایران را عامل تداوم جنگ نامید :

« اتحاد جماهیر شوروی سعی می کند با هر روش ممکن جنگ ایران و عراق را متوقف سازد ، ایران آماده نیست سیاست خود را برای ادامه جنگ تغییر دهد و حمله اخیر ایران بر سرزمینهای عراقی تأکیدی بر این سیاست است . شوروی توقف فوری جنگ ایران و عراق و خاتمه درگیری از راههای مسالمت آمیز را خواستار است .^{۴۶} «

ایزوستیا چاپ شوروی نیز طی تحلیلی ضمن تأکید بر ضرورت حل جنگ به شیوه مسالمت آمیز و بهره نهای آن برای امپریالیزم در صورت ادامه جنگ ، نوشت :

« جنگ خلیج فارس نه به نفع عراق است و نه ایران ، تنها کشورهای که از آن سود می برند آمریکا و متحدانش می باشند .^{۴۷} «

روسها شکست عراق در برابر ایران را به لحاظ نتایج ناشی از آن ، اساساً به زیان خود ارزیابی می کردند و تلاش آنها فشار به ایران برای اتمام جنگ بود . غربیها انگیزه شوروی از اتخاذ مواضع جدید را تقویت موقعیت این کشور را در منطقه و گسترش رابطه با ایران و عراق می دانستند .

در این مورد ژنرال هارین کریست از مرکز فرماندهی نظامی آمریکا و مسئول کمیته منطقه خلیج فارس ضمن تحلیلی گفت :

« به نظر می‌رسد در حال حاضر شرایط به سود روسها باشد و آنها در جنگ ایران و عراق بر روی دو طرف کار می‌کنند ، لیکن من فکر می‌کنم که روسها به ایران به صورت جواهر یک تاج نگاه می‌کنند زیرا در صورتی که روسها کنترل ایران را به دست گیرند ، کنترل تمامی خلیج فارس را در اختیار خواهند داشت . »^{۴۸}

هفته نامه نیوزویک معتقد است پیروزی ایران در فاو موجب گرایش صدام به شوروی شده است :

« پیروزی اخیر ایران باعث گرایش صدام حسین به شوروی خواهد شد . اخیراً یک گروه هزار نفری از مستشاران نظامی روسی وارد بغداد شدند که اکثراً در واحدهای عملیاتی عراق در خط مقدم جنگ مشغول به کار خواهند شد . این در حالی است که صدام حسین در سفر خود به مسکو ، پاییز سال گذشته ، عاجزانه درخواست کمکهای تسلیحاتی اساسی تری از شوروی کرده بود . »^{۴۹}

بولتن محرمانه اکنومیست نیز پیروزی ایران را عامل افزایش نگرانی شوروی و تسریع ارسال تجهیزات به عراق ذکر کرده و می‌نویسد :

« این شکست (عراق در فاو) شوروی را نگران ساخت . در حال حاضر گفته می‌شود که این مسئله ، توجه و رسیدگی و سرعت بخشیدن به روند گند تحویل اسلحه از روسیه به عراق را سبب شده است . »^{۵۰}

در شرایطی که اخبار متفاوتی مبنی بر ناخشنودی شوروی از پیروزی جمهوری اسلامی و ادامه جنگ و همچنین گسترش روابط شوروی با ایران و عراق انتشار می‌یافت ، عراقی‌ها به طور ماهرانه‌ای به انتشار خبری مبنی بر استفاده از سلاحهای پیچیده و خطرناک دریافتی از شوروی ، مبادرت به تهدید ایران نمودند . متن خبر منتشره از رادیو عراق چنین است :

« عراق هنوز از سلاح پیچیده و خطرناک ساخت روسیه که در

اختیار این کشور است استفاده نموده و اگر استفاده کند نتیجه معلوم خواهد شد. ^{۵۱} «

عراق با انتشار این نوع اخبار درصدد بود که مانع از ایجاد ارتباط نزدیک بین ایران و شوروی شود. زیرا چنین رابطه‌ای را به زیان خود می‌دید. اما شوروی‌ها که نمی‌خواستند در این شرایط تهران را آزرده نمایند، بلافاصله واکنش نشان دادند. یک مقام روسی در تهران اظهار داشت:

« دولت شوروی قصد ندارد که سلاحهای جدیدی در اختیار عراق قرار دهد، زیرا یک چنین عملی موقعیت بیطرفانه شوروی در جنگ ایران و عراق را نقض خواهد کرد. ^{۵۲} «

در همین زمان القبس چاپ کویت اقدام به درج اخباری کرد که حاکی از افزایش ارسال سلاح توسط شوروی به عراق بود:

« شوروی یک پل هوایی برای حمل سلاح و مهمات به بغداد کرده است. گورباچف رهبر شوروی با ارسال نامه‌ای به برخی از سران عرب به آنان اطمینان داده است که شوروی اجازه نخواهد داد عراق در جنگ با ایران شکست بخورد. ^{۵۳} «

مناسبات عراق و شوروی متعاقب فتح فاو به شکل فزاینده‌ای رو به بهبود نهاد. در واقع روسها از سیاست جدید خود مبنی بر فشار به عراق برای جذب مجدد این کشور، موفقیت‌هایی را به دست آوردند. توسعه روابط عراق با شوروی اس. اس ۲۱ نشد لیکن در عین حال برای تقویت توان نظامی عراق و کسب حمایت سیاسی شوروی مفید بود. سفیر عراق در مسکو (سعید فیصل) طی مصاحبه‌ای اعلام کرد:

« روابط دوجانبه میان عراق و شوروی در مدت اخیر بویژه در سال جاری شاهد گسترش و رشد چشمگیری بوده است. دیدارهای متقابل دو

کشور در سال گذشته و بخصوص سفر صدام رئیس جمهوری عراق به مسکو روابط دوستانه دو کشور را ژرفتر ساخت. گسترش چشمگیر روابط در زمینه‌های اقتصادی، بازرگانی و پروژه‌های نفتی بود.^{۵۴}»

چند روز پس از اظهارات رضایت‌آمیز سفیر عراق در مسکو پیرامون روابط بغداد - مسکو، طارق عزیز طی سفر سه روزه به مسکو اقدام به انعقاد قرارداد با این کشور نمود. وی پس از مراجعت به بغداد طی مصاحبه‌ای با رادیو عراق گفت:

«سفرش به شوروی موفقیت‌آمیز و ثمربخش بوده و به امضای یک موافقتنامه همکاری گسترده و در همه زمینه‌ها انجامیده است به طوری که مرحله جدیدی در راه همکاری جدی بین دو کشور پدیدار خواهد شد.»^{۵۵}

به هر حال، با گرایش عراق به سوی شوروی پس از عملیات فاو، روسها با صرف هزینه‌ای گزاف و تامین منابع تسلیحاتی عراق، موقعیت خود را در منطقه بهبود بخشیدند و ضمن تجدید روابط نزدیک با عراق، زمینه‌های ایجاد مناسبات نزدیک با کشورهای عربی را نیز آماده می‌ساختند و همزمان با این اقدامات درصدد برآمدند که با تهران نیز روابط نزدیکی برقرار سازند.

منابع و ماخذ فصل اول

- ۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۴/۱۱/۲۹.
- ۲ - دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۱۳۶۴/۱۱/۲۶، رادیو آمریکا.
- ۳ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۶۷، ۱۳۶۴/۱۲/۲۶.
- ۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، رادیو آمریکا، ۱۳۶۴/۱۲/۳، (۱۳۶۴/۱۲/۲).
- ۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، رادیو آمریکا، ۱۳۶۴/۱۲/۱۸، (۱۳۶۴/۱۲/۱۷).
- ۶ - ستاد مشترک سپاه پاسداران، نشریه «تاریخ جنگ»، شماره ۴ و ۵، ص ۶۸.
- ۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۱/۲۱.
- ۸ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۹، ۱۳۶۵/۳/۱۳، زویچه سایتونگ (چاپ آلمان)، ۳۱ مارس ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۱/۱۱).
- ۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۴/۱۲/۸، واشنگتن پست.
- ۱۰ - روزنامه رسالت، ۱۳۶۴/۱۲/۱۱، السیاسه.
- ۱۱ - دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۱۳۶۴/۱۲/۴.
- ۱۲ - ماخذ شماره ۶.
- ۱۳ - ماخذ شماره ۶.
- ۱۴ - روزنامه ابرار، ۱۳۶۴/۱۲/۱۴.
- ۱۵ - ماخذ شماره ۳، به نقل از لوموند هفتگی (فوریه ۱۹۸۶).
- ۱۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵/۱/۳۱، رادیو اسرائیل (۱۳۶۵/۱/۳۰) به نقل از هفته‌نامه یواس نیواندورلد ریپورت «چاپ آمریکا».
- ۱۷ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۱۲/۱۷.
- ۱۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۴/۱۲/۱۵.
- ۱۹ - پیشین.
- ۲۰ - روزنامه اطلاعات، ۱۳۶۴/۱۲/۶.
- ۲۱ - ماخذ شماره ۱۷.
- ۲۲ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۹، ۱۳۶۵/۱/۲۰، لوکوتیدین دوپاری چاپ فرانسه، ۲۰ فوریه، ۱۹۸۶، (۱۳۶۴/۱۲/۱).
- ۲۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، روزنامه آمریکایی هرالد تریبیون.
- ۲۴ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۸، مورخ ۱۳۶۵/۱/۱۹، اکونومیست ۲۰ مارس ۱۹۸۶، (۱۳۶۴/۱۲/۲۹).
- ۲۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، روزنامه سوئدی تمپوس، ۱۳۶۵/۲/۲۵.
- ۲۶ - پیشین.
- ۲۷ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۸۵، وال استریت ژورنال چاپ آمریکا.
- ۲۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، رادیو آمریکا، ۱۳۶۴/۱۲/۲۷، (۱۳۶۴/۱۲/۲۶).

- ۲۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۴/۱۲/۲۷، رادیو آمریکا، روزنامه وال استریت ژورنال چاپ آمریکا (۱۳۶۴/۱۲/۲۶).
- ۳۰ - روزنامه واشنگتن پست (۱۳۶۵/۱/۷).
- ۳۱ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۹۶، ۱۳۶۵/۲/۹.
- ۳۲ - دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه» ۱۳۶۵/۲/۹، رادیو آمریکا.
- ۳۳ - دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره ۹۰، رادیو مسکو (۱۳۶۵/۱/۲۶).
- ۳۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۱/۱۹، رادیو آمریکا (۱۳۶۵/۱/۲۸).
- ۳۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۱/۲۳.
- ۳۶ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۱/۲۱، سمینار لیبیک به ندای امام خمینی در استان خراسان.
- ۳۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۱/۳۱.
- ۳۸ - روزنامه رسالت، ۶۵/۱/۲۵، خبرگزاری رویتر. پیشین.
- ۴۰ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۱۵، ۱۳۶۵/۲/۳۱، ادماتیه چاپ فرانسه ۲۴ آوریل ۱۹۸۶ (۱۳۶۵/۲/۴).
- ۴۱ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۵/۲/۶.
- ۴۲ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۶۶، ۶۵/۲/۲۵، المستقبل چاپ فرانسه ۲۲ فوریه ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۱۳).
- ۴۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۴/۱۲/۷، خبرگزاری فرانسه
- ۴۴ - وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، بولتن شماره ۳/۲۲۲، ۱۳۶۴/۱۲/۱۰.
- ۴۵ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۲، ۱۳۶۵/۱/۷، هفته نامه زاروبزوم چاپ شوروی ۶ مارس ۱۹۸۶ (۶۴/۱۲/۱۵).
- ۴۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۴/۱۲/۱۶، رادیو صوت جماهیر (۶۴/۱۲/۱۵). به نقل از شوروی در قاهره.
- ۴۷ - دفتر تبلیغات اسلامی واحد قم، بولتن «گزارش». شماره ۳۳، ۱۳۶۵/۱/۲۲، خبرگزاری رویتر، ۶۵/۱۲/۲۹، به نقل از ایزوسیتا چاپ شوروی.
- ۴۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵/۱/۳۱.
- ۴۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵/۱/۲۶، هفته نامه نیوزویک چاپ آمریکا.
- ۵۰ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۰۷۹، ۱۳۶۵/۱/۲۰، نشریه اکونومیست چاپ لندن، ۱۳ مارس ۱۹۸۶ (۱۳۶۴/۱۲/۲۳).
- ۵۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی (بوشهر)، ۱۳۶۴/۱۲/۶، رادیو عراق.
- ۵۲ - روزنامه کیهان، ۱۳۶۴/۱۲/۱۸، رادیو لندن.
- ۵۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، شماره ۱۳۶۴/۱۲/۲۰، القبس چاپ کویت.
- ۵۴ - روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۱/۲۰، خبرگزاری کویت.
- ۵۵ - روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۲/۱، واحد مرکزی خبر.

<http://www.ciw8.net>

فصل دوم

تشدید فشار به جمهوری اسلامی

- استراتژی دفاع متحرک
- افزایش حملات هوایی
- کاهش قیمت نفت

<http://www.ciw8.net>

تشدید فشار به جمهوری اسلامی

فتح فاو و نتایج ناشی از آن در تغییر موازنه سیاسی - نظامی به سود جمهوری اسلامی، موجب گردید تا تلاشهای گسترده‌ای از سوی عراق و غرب به منظور تحت‌الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران طراحی شود. اتخاذ استراتژی نظامی دفاع متحرک و افزایش حملات هوایی از سوی عراق و همچنین کاهش قیمت نفت بخشی از ابعاد گوناگون این طرح به شمار می‌رفت که به مرحله اجرا درآمد. تلاشهای عمده عراق و حامیانش در این مقطع به جلوگیری از شکست کامل عراق، بازگردان موقعیت از دست رفته آن کشور و حداقل، برقراری توازن بین دو کشور درگیر، با وادار نمودن جمهوری اسلامی به عدول از مواضع اصولی‌اش در نظر گرفته شده بود. تا آنجا که برژینسکی طی اشاره به تلاش غرب جهت جلوگیری از شکست عراق و ضرورت اعمال فشار به جمهوری اسلامی گفت:

«هدف غرب باید این باشد که از شکست عراق جلوگیری کند، ولی

نه به طریقی که ایران را فرسوده و بی‌نظام سازد. زیرا یک ایران متحد با

اهداف سیاسی میانه‌رو ، با منافع آمریکا در خلیج فارس مطابق است .^۱ X

به عبارت دیگر ، در حالی که فشارهای وارده به ایران می‌بایست تواناییها و قابلیت‌های نظامی ، اقتصادی و سیاسی ایران را تضعیف نماید ، لکن باید به گونه‌ای کنترل می‌شد تا جنگ بدون اینکه برنده یا بازنده‌ای داشته باشد ، پایان یابد .

بدین ترتیب به دنبال فتح فاو توسط جمهوری اسلامی ، سیاست اعمال فشار به ایران با هدف ایجاد « توازن سیاسی - نظامی » بین دو کشور در قدم اول ، و در نهایت تحمیل صلح به جمهوری اسلامی تدوین و به مرحله اجرا در آمد که در ذیل با بررسی فشارهای وارده به ایران ، چگونگی آن را مد نظر قرار می‌دهیم .

استراتژی دفاع متحرک

ناتوانی عراق در بازپس‌گیری فاو و تاثیرات منفی از دست دادن این منطقه از نظر روحی و سیاسی و نظامی ، مهمترین محرک عراق در اتخاذ « استراتژی دفاع متحرک » بود . تاکتیک نیروی زمینی سپاه برای عبور از رودخانه اروند و غافلگیری قوای عراقی موجب گردید که آنان در وضعیت دشواری قرار گرفته و برای بازپس‌گیری منطقه ناتوان شوند . در چنین شرایطی عراق دو راه مشکل در پیش رو داشت که انتخاب هر یک از آنها می‌توانست تاثیرات نامطلوبی را برای این کشور در پی داشته باشد ، بدین معنی که اگر از یکسو برای بازپس‌گیری فاو پافشاری می‌کرد ، می‌بایست به

X البته این نوع موضعگیری که ایران نباید فرسوده و بی‌نظام شود ، ناامیدی غرب را از اضمحلال و فروپاشی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد . برژینسکی به جای اعتراف به شکست استراتژی آمریکا در قبال انقلاب اسلامی ، به گونه‌ای سخن می‌گوید که گویا آمریکا اقدامی علیه نظام و ثبات ایران انجام نداده است !

تلفات سنگین تن در دهد. زیرا موقعیت و نحوه حضور رزمندگان اسلام و وضعیت رزمی نیروهای عراقی امیدی برای دشمن باقی نمی گذاشت. متقابلاً به خاطر اهمیت سیاسی - نظامی منطقه، چشم‌پوشی از آن و قبول تسلط ایران بر آنجا نیز برای عراق میسر نبود.

بدین ترتیب، عراق با بن‌بست سختی روبرو بود و برای خروج از این وضعیت می‌بایست الزاماً استراژی جدیدی اتخاذ می‌کرد. اظهارات صدام در آن زمان، بخشی از ابعاد وضعیتی را که عراق گرفتار آن شده بود بیان می‌کند:

«پاره‌ای از دوستان توصیه کرده‌اند که شما چه اصراری دارید در حالی که ایرانیها نیروهای خود را در (فاو) متمرکز ساخته‌اند به آن منطقه حمله کنید. اهداف دیگری را غیر از شهر فاو در طول مرز ۱۲۰۰ کیلومتری تعیین و به نیروهای ایران حمله کنید. حال ما به این نتیجه رسیده‌ایم که اگر ارتش ما حمله نکند، نیروهای ایران حمله می‌کنند و اگر در یک منطقه پدافند کنیم، پس از چند روز همان اندازه تلفات می‌دهیم که معمولاً در حمله می‌دهیم. بنابراین بهترین راه را در این یافتیم که فعلاً از فاو صرف‌نظر کنیم و در سایر جبهه‌ها به نیروهای ایرانی حمله کنیم.»^۲

اظهاریات صدام بیانگر سیاست جدید نظامی عراق و توضیح اهداف این کشور در اتخاذ استراتژی دفاع متحرک بود. در این شرایط عراق در نظر داشت که ابتدا از پیشروی رزمندگان اسلام ممانعت به عمل آورده و سپس مبادرت به عقب راندن آنها نماید. لذا پس از آنکه به این نتیجه رسید که پیشروی نیروهای ایرانی در منطقه متوقف شده است و تنها اقداماتی در جهت تثبیت مواضع صورت می‌گیرد، بدون نگرانی از ادامه پیشروی نیروهای خودی در فاو، «استراتژی دفاع متحرک» را در دستور کار خود قرار داد. تحلیل خبرگزاری رویتر در این باره چنین است:

«عراق پس از آنکه با ضد حملات مکرر نتوانست ایرانیها را از فاو

بیرون کند، استراتژی خود را تغییر داده و نیروهای آن برای اولین بار از زمان عقب‌نشینی از خاک ایران در سال ۱۹۸۲، از مرز ایران عبور کرده و بخشهایی از خاک ایران را به اشغال در آورده‌اند.^۳

عراقیها همچنین نسبت به این مسئله واقف بودند که در وضعیت موجود، عامل موثر در تغییر موازنه در جنگ، بازپس‌گیری فاو می‌باشد. بر این اساس، استراتژی دفاع متحرک نهایتاً بدین منظور طراحی شده بود که در مرحله بعد منجر به عقب‌راندن نیروهای ایران از فاو شود. اظهارات دولتمردان عراق در این زمینه می‌تواند بسیار گویا باشد:

«عراق راه حل نظامی برای آزادسازی فاو را حتی یک روز به تأخیر نخواهد انداخت.»^۴

معاون صدام، طه‌یاسین‌رمضان، نیز در این زمینه گفته است:

«عراق برای بازپس‌گرفتن فاو در موقعیتی مناسب، طرحی را تهیه کرده و نیروهای عراق از مرحله دفاع به مرحله تهاجم منتقل شده‌اند.»^۵

در تاریخ ۶۴/۱۲/۲۳ تحركات نظامی عراق[×] در چارچوب استراتژی دفاع متحرک با حمله به منطقه عملیاتی والفجر ۹ در منطقه چوارتا آغاز شد و به دنبال پیروزی نیروهای عراق در این منطقه و کسب روحیه حاصل از این موفقیت، تهاجم به سایر مناطق گسترش یافت. طی این مدت عراق به منطقه عمومی پنجویین (۶۴/۱۲/۲۹)، ارتفاعات دربندیخان (۶۵/۱/۱۰)، منطقه شهرهانی (۶۵/۱/۱۸) ارتفاعات سومار (۶۵/۱/۲۲)، ارتفاعات منطقه سیدکان (۶۵/۲/۴)، جزیره مجنون (۶۵/۲/۶)، منطقه فکه (۶۵/۲/۱۰)، منطقه پیچ‌انگیزه (۶۵/۲/۱۹) ارتفاعات حاج‌عمران (۶۵/۲/۲۴) و منطقه عمومی مهران (۶۵/۲/۲۷) حمله کرد.

× در این مورد به کتابهای «از خرمشهر تا فاو» و «جنگ در سال ۶۵»، از انتشارات مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه پاسداران مراجعه شود.

انتخاب این مناطق برای حمله از سوی عراق ، با این برداشت و درک نظامی طراحی شده بود که نیروهای ایران پس از عملیات فاو فاقد سازماندهی لازم می‌باشند و در صورتی که نیروهای عراق در جبهه‌های مختلف به صورت جداگانه مبادرت به تهاجم نمایند ، ایران توان لازم برای پاسخگویی نخواهد داشت . X البته تحركات عراق ، عملیات مهمی به حساب نمی‌آمد و به جز آخرین مرحله از این سلسله عملیات که به سقوط مهران انجامید ، بقیه عملیات دشمن قابل توجه نبود و نمی‌توانست فتح فاو را تحت تاثیر قرار دهد . ولی دشمن که ضربه شدیدی را در فاو متحمل شده بود ، برای جبران موقعیت از دست رفته ، حرکات نظامی محدود خود را با هیاهوی تبلیغاتی توأم می‌کرد . رادیو عراق که یکی از عوامل این هیاهو بود ، اعلام می‌داشت :

« ارتش ایران را در تمامی جبهه (از شمال گرفته تا جنوب) مورد حمله و سرکوب قرار می‌دهیم و بزرگترین خسارات و ضایعات را به آنها وارد می‌آوریم . هیچ تجمع و تراکمی را بدون ضربت و سرکوب باقی نخواهیم گذاشت . هرکسی را بخواهیم به اسارت خود درمی‌آوریم و با دلیل ملموس به رژیم ایران ثابت خواهیم کرد که این موضعگیری ما همان موضعگیری پیش است ، یعنی خودداری از تهاجم به داخل خاک ایران ، همچنان که در میدانهای جنگ به رژیم ایران ثابت کردیم که تمایل به صلح داریم و این بار قدرت نظامی ما با برگزیدن صلح به جای جنگ هماهنگی دارد و موضعگیری ثابت و نهایی ما است . »^۶

X فرمانده کل سپاه پاسداران در این زمینه اظهار داشت : به گفته یک سرهنگ پناهنده عراقی ، عقیده ارتش عراق این است که نیروهای ایران بعد از هر حمله نیاز به یکسال بازسازی دارند و نمی‌توانند سریع حمله کنند ؛ لذا ما باید از این مسئله به عنوان غافلگیری استفاده کرده و به آنها حمله کنیم .
(کتاب جنگ در سال ۶۵ ، ص ۷۰)

پس از فتح فاو مقامات عراقی قدرت مانور سیاسی خود را از دست داده بودند و دیگری نمی توانستند تظاهر به صلح طلبی کنند. اما بعد از شروع استراتژی دفاع متحرک و کسب چند موفقیت نسبی، مجدداً به مانورهای سیاسی - تبلیغاتی پرداختند.

چنانکه اشاره شد، دفاع متحرک عراق اهداف ارزشمندی را برای این کشور در پی نداشت، مگر آخرین مرحله آن که منجر به سقوط مهران شد. در پی این عملیات بود که عراق احساس کرد عقب ماندگی خود را در شکست فاو جبران کرده و به توازن نزدیک شده است. به همین دلیل، پس از سقوط مهران، سعدون حمادی رئیس وقت مجلس عراق طی نطقی اظهار داشت:

«سیاست جدید عراق، خاتمه دادن به جنگ، برقراری صلح، مبادله اسرا و زمینها، عقب نشینی نیروهای دو طرف به مرزهای بین المللی، ایجاد راه حل جامع و عادلانه بر اساس حفظ حقوق دو طرف و عدم دخالت در امور یکدیگر را تسریع خواهد بخشید.»^۷

همچنین رادیو عراق طی تحلیلی در خصوص آمادگی عراق برای تخلیه مهران گفت:

«عراق اقدام به تصرف مهران نمود تا ایران فکر نکند که ما ضعیف هستیم. اکنون اعلام می کنیم که در همین حال، حاضر به عقب نشینی از مهران هستیم در صورتی که:

۱ - عقب نشینی ایران و عراق به مرزهای بین المللی و عدم دخالت در مسائل داخلی یکدیگر صورت گیرد.

۲ - عقب نشینی ایران از فاو در مقابل عقب نشینی از مهران خواهد بود، در غیر این صورت، شهر مهران را در اشغال خود نگه می داریم.»^۸

ولی تبلیغات دشمن خللی در اراده جمهوری اسلامی مبنی بر ادامه جنگ وارد نیاورد، به طوری که صدام در جمع نظامیان و فرماندهان نظامی این کشور گفت:

«نیروهای مسلح عراق به عملیات اشغال اراضی ایران تا زمان قبول صلح از سوی رهبران ایران ادامه خواهند داد.»^۹

در هر صورت، عراق با «اتخاذ استراتژی دفاع متحرک»، با تحمل تلفات فراوان، توانست تا اندازه‌ای موقعیت خود را در مقایسه با شرایطی که پس از فاو با آن دست به گریبان بود، بهبود بخشد.

افزایش حملات هوایی

گسترش تهاجمات هوایی عراق بخش تکمیلی استراتژی دفاع متحرک به شمار می‌رفت. در واقع، عراق در این شرایط برای کسب روحیه و وادار کردن ایران به عدول از مواضع خود، سیاست تعرضی را در اشکال مختلف دنبال می‌کرد. تهدیدات هوایی عراق علیه ایران از فروردین ۶۵ آغاز شد. در تاریخ ۶۵/۱/۲۹ حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق اظهار داشت:

«نیروی هوایی عراق همچنان حملات آسیب رساننده شدید و غافلگیرکننده‌ای را در آینده نزدیک علیه نیروهای ایران و اهداف آنان صورت خواهد داد.»

حمید شعبان مدتی بعد نیز ضمن تأکید بر افزایش توان هوایی عراق گفت:

«ما توانایی دستیابی به هر هدفی را در داخل خاک ایران بدون توجه به بعد مسافت داریم و طی چند روز آینده این را ثابت خواهیم کرد. نیروی هوایی عراق امکاناتی جهت منهدم کردن تمامی هدفها در ایران دارد و در صورت عدم پذیرفتن مذاکرات صلح از سوی ایران، چنین خواهد کرد.»^{۱۰}

طی این مرحله، هواپیماهای عراق شهرها و روستاهای مناطق وسیعی از خاک جمهوری اسلامی را مورد تهاجم قرار دادند. فرمانده نیروی هوایی عراق با ارائه آماری از عملیات انجام شده توسط این نیرو در فروردین سال

۶۵ اعلام کرد که طی یک ماه ۱۴۶۸۶ ماموریت رزمی انجام داده است .
رادیو لندن در رابطه با این حملات هوایی اظهار داشت :

« از هنگامی که سرفرماندهی عراق دریافت که لااقل در زمان حاضر نمی‌تواند نیروی زمینی ایران را از شبه جزیره فاو بیرون براند ، به دنبال راههای دیگری برای به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ بوده است . از دیدگاه عراق بهترین راه کار ، بسیج هوایی برتر عراق برای حمله به هدفهای واجد اهمیت اقتصادی ایران است . »^{۱۱}

تتهاجمات نسبتاً وسیع عراق طی این مرحله ، در مقایسه با آنچه که بعدها عراقیها ، پس از افشای ماجرای مک فارلین انجام دادند ، بسیار ناچیز بود . به نظر می‌رسد که طرحهای عملیات هوایی عراق بنا به دلایلی در این مرحله به صورت کامل اجرا نشد ، لیکن زمینه لازم را برای تتهاجمات بعدی فراهم کرد .

کاهش قیمت نفت

هدف اصلی از کاهش قیمت نفت ، تأثیر گذاری بر منبع اصلی تامین ارز ایران ، کاهش قدرت اقتصادی کشور و نهایتاً متزلزل ساختن تامین هزینه جنگ بود . ناامیدی متحدین و حامیان عراق نسبت به عدم تأثیر کمکهای همه جانبه به آن کشور و تاثیرات اندک فشارهای فزاینده به جمهوری اسلامی ایران ، به منظور از پا درآوردن آن ، موجب شد تا نسبت به کاهش قیمت نفت تصمیماتی اتخاذ شود .

در این زمینه ویلیام فایر گفت :

« با ایران چه کنیم ؟ هرچه پول در رگهای عراق تزریق شده نتیجه نداده است . اگر عراق برود ، فردا کویت و پس فردا عربستان سهدودی نیز رفته است و تنها یک روزنه امید هست ؛ با سقوط قیمت نفت ، ایران ورشکست می‌شود و ماشین جنگی او از کار می‌افتد . شاید این درمان کارگر شود و

این آخرین شانس ماست .^{۱۲}»

همچنین ، روزنامه واشنگتن پست به نقل از سخنگوی وزارت خارجه آمریکا در مورد کاهش خرید نفت از ایران نوشت :

« یکی از سخنگویان وزارت خارجه آمریکا گفته بود که بخشی از کوششهای آمریکا در جهت خاتمه دادن به جنگ ایران و عراق ، سعی در بازداشتن شرکتهای خرید نفت ایران و تجارت با ایران بوده است تا در آمد ایران کاهش یابد .^{۱۳}»

روزنامه آلمانی زودویچه سایتونگ به همین نکته اشاره کرد و نوشت :

« ادامه جنگ با عراق بستگی به صادرات نفت ایران دارد و این در شرایطی است که حمله عراق به مراکز اقتصادی و نفتی ایران از دید ناظران نظامی غرب بسیار مهم تلقی می شود . آنها پیش بینی می کنند که این جریان موجبات کاهش شدید صادرات نفتی ایران را که منبع اصلی درآمد ارزی این کشور برای ادامه جنگ است ، فراهم خواهد ساخت .^{۱۴}»

بدین منظور ، عراق برای حمله به پایانه های نفتی ایران مورد تشویق و ترغیب قرار گرفت . رادیو آمریکا به نقل از برخی کارشناسان ، در مورد اثرات حملات عراق گفت :

« اگر عراق همانند گذشته تهاجم تازه ایرانیها (به فاو) را با بمباران شهرهای ایران و پایانه های نفتی پاسخ دهد ، ممکن است دوباره سروصدای خستگی و بیزاری از جنگ در ایران بلند شود .^{۱۵}»

در این سناریو افزایش تولید نفت عربستان نیز به منظور کاهش قیمت نفت در نظر گرفته شده بود . روزنامه ال پائیس در این مورد نوشت :

« از نقطه نظر سیاسی ، کشورهای نفتی و دولتهای محافظه کار خلیج فارس مانند عربستان سعودی ، کویت و امارات متحده عربی خواهان پایان یافتن جنگ طولانی میان ایران و عراق و تعدیل رژیم (امام) خمینی هستند کشورهای مذکور برای رسیدن به این هدف تلاش

می‌کنند تا از نظر مالی ایران را با کاهش فروش نفت خام و سقوط قیمت‌ها تحت فشار شدید قرار دهند و در این رابطه است که دریافته‌های ایران در مقایسه با دو سه سال قبل حدود ۸۰٪ کاهش یافته است.^{۱۶}»

با کاهش قیمت نفت و طبعاً کاهش قدرت خرید جمهوری اسلامی، علاوه بر بروز مشکلات فزاینده در خرید تجهیزات نظامی، نسبت به تامین مایحتاج عمومی مردم نیز تنگنانهایی به وجود آمد. تشکیل کمیته ویژه برای این وضعیت که بعدها نیز تداوم یافت، ناشی از فشارهای وارده و به عنوان بخشی از تلاشهای ایران به منظور مقابله با بحران جدید بود، ضمن آنکه در مورد صدور نفت نیز تدابیر جدیدی اتخاذ شد.

منابع و مأخذ بخش دوم

- ۱ - دفتر سیاسی سپاه پاسداران، کتاب «خط توطئه در ششمین و هفتمین سال جنگ»، (تهران: سپاه پاسداران)، ص ۷۸.
- ۲ - دفتر تبلیغات اسلامی، بولتن «گزارش»، شماره ۲۶، ۱۳۶۵/۳/۲.
- ۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۲/۶، رادیو کویت (۱۳۶۵/۲/۵)، مجله المدارت چاپ لندن.
- ۴ - روزنامه رسالت، ۱۳۶۵/۲/۱۰، روزنامه کویتی السیاسه.
- ۵ - پیشین.
- ۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۲/۱۹، رادیو بغداد (۶۵/۲/۱۷).
- ۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۲/۳۰، رادیو مسقط (۶۵/۲/۲۹) به نقل از سعدوی حمادی رئیس مجلس عراق.
- ۸ - رادیو عراق.
- ۹ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی، «بررسی مطبوعات جهان»، شماره ۱۱۴۲، ۱۳۶۵/۴/۱۶، به نقل از مجله چاپ انگلستان ۳ ژوئن ۱۹۸۶ (۱۳ خرداد ۱۳۶۵).
- ۱۰ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۶۵/۲/۱۹، خبرگزاری آلمان، ۶۵/۲/۱۸، حمید شعبان فرمانده نیروی هوایی عراق.
- ۱۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارشهای ویژه»، ۱۳۶۵/۲/۱۹، رادیو لندن، (۶۵/۲/۱۸).
- ۱۲ - مأخذ شماره ۱، ص ۷۶.
- ۱۳ - مأخذ شماره ۱، ص ۱۰۹.
- ۱۴ - مأخذ شماره ۱، ص ص ۱۰۳ - ۱۰۲.
- ۱۵ - دفتر مرکزی خبر، نشریه «رادیوهای بیگانه»، ۱۳۶۴/۱۱/۲۶، رادیو آمریکا (۶۵/۱۱/۲۵).
- ۱۶ - روزنامه کیهان، ۶۵/۲/۳۰.

فصل سوم

رویارویی با وضعیت جدید

- بسیج نیروها و امکانات
- طرحریزی و اجرای عملیات محدود
- طرحریزی عملیات سرنوشت ساز

<http://www.cjwg.net>

<http://www.ciw8.net>

رویارویی با وضعیت جدید

پس از فتح فاو ، افزایش فشار همه جانبه به جمهوری اسلامی عمدتاً بدین منظور طرحریزی و اجرا شد که علاوه بر تحت‌الشعاع قرار دادن موقعیت برتر ایران و پیروزیهای آن ، به ایران تفهیم و القا شود بهایی که برای هر پیروزی باید بپردازد ، بیش از آن چیزی است که به دست خواهد آورد . امام خمینی (ره) براساس این شرایط و با پیش‌بینی افزایش فشار به ایران ، علاوه بر اینکه سال ۶۵ را سال استقامت نام نهادند ، حضور در جبهه را به عنوان یک تکلیف مورد تاکید قرار دادند :

« امروز همه ما مکلف هستیم ، جوانهای ما باید این جبهه‌ها را پر کنند از انسانهای قوی ، که بحمدالله هم الان پر کرده‌اند ؛ لکن بیشتر لازم است . آقا قضیه ، قضیه از بین رفتن اسلام ، چه تشیع و چه تسنن است و قضیه اینکه ما قیام کنیم و نگذاریم بشود .^۱ »

در واقع امام در سخنانشان برای پاسخگویی به مخالفین ادامه جنگ ، مسأله اساسی دفاع را مورد توجه و تاکید قرار دادند . امام (ره) در حقیقت با اعلام بسیج عمومی و آمادگی بیشتر به منظور ادامه دفاع مقدس دو نکته

را در نظر داشتند. از یکسو با توجه به اینکه تلاشهای سیاسی که از مدت‌ها پیش برای برقراری آتش‌بس صورت می‌گرفت و در این زمان تشدید گردیده بود، ممکن بود برخی را در امر ادامه جنگ و دفاع از حقانیت جمهوری اسلامی دچار تردید کند و احیاناً احساس کنند که با فتح فاو و موقعیت برتر جمهوری اسلامی، قدرتهای حامی صدام، شرایط ایران را پذیرفته و امکان دستیابی به یک صلح شرافتمدانه و حقیقی، به وجود آمده است. در همین رابطه رادیو بی. بی. سی طی گزارشی اظهار داشت:

«در آخرین روزهای سال کهن در برخی محافل دیپلماتیک شایعاتی در جریان بود مبنی بر اینکه شاید توافق آتش‌بس صورت پذیرد. شایعه از این قرار بود که بعضی از دولتهای اروپایی غربی که می‌کوشند جنگ ایران و عراق را به پایان آورند، فرمول حزب بعث منتهای صدام حسین را در برابر ایران قرار داده و با واکنش مساعد روبرو گشته‌اند. گفته شده بود که بر اساس چنین فرمولی ایران حاضر شده است که در مذاکرات آتش‌بس با میانگیری دبیرکل سازمان ملل شرکت نماید، مشروط بر آنکه یک رهبر غیرنظامی حزب بعث عراق جانشین عراق صدام حسین شود.»^۲

موضعگیری امام (ره) در حقیقت پاسخی بود به این اندیشه و به تلاشهای سیاسی که در واقع فریبی بیش نبود. از سوی دیگر اتکاء به تلاشهای صلح، غفلت از امر دفاع و عدم هشیاری نسبت به عکس‌العمل دشمن را در پی داشت، زیرا موقعیت برتر جمهوری اسلامی برای غرب و کشورهای منطبق غیر قابل تحمل گردیده بود. لذا تنها راه حل موجود افزایش فشار به منظور خنثی سازی موقعیت برتر جمهوری اسلامی و در نتیجه تعدیل مواضع آن محسوب می‌شد. برخورد امام (ره) با مسئله جنگ و آینده‌نگری نسبت به اعمال فشار به ایران، علاوه بر بسیج عمومی نیرو و امکانات کشور، شرایط را برای مقابله با فشارها و حفظ موقعیت برتر جمهوری اسلامی فراهم ساخت.

در این روند، برنامه‌های گسترده‌ای از سوی جمهوری اسلامی طرحریزی و اجرا شد که در ادامه بحث تحت سه عنوان مورد بررسی قرار خواهد گرفت:

- ۱ - بسیج نیروها و امکانات کشور
- ۲ - طرحریزی و اجرای عملیات محدود
- ۳ - طرحریزی عملیات سرنوشت ساز

بسیج نیروها و امکانات

با توجه به سازمان سپاه، وسعت و میزان گستردگی طرحریزی عملیات از سوی فرماندهان آن در طول جنگ عمدتاً بستگی به میزان حضور نیروهای بسیجی و داوطلب داشته است. بدیهی است که افزایش تعداد رزمندگان می‌توانست طرحریزی عملیات متعدد در زمان واحد را امکانپذیر نماید.

با آغاز بهار سال ۶۵ و پس از فتح فاو، نظر به اوضاع و شرایطی که وجود داشت، امام (ره) حضور گسترده مردم در جبهه‌های نبرد را به عنوان تکلیف اعلام کردند. در شرایطی امام این سخنان را ایراد فرمودند که فصل حضور نیرو به صورت گسترده (که عمدتاً در زمستان بود) رو به پایان نهاده بود و بسیاری چنین می‌پنداشتند که با اتمام فصل زمستان و همچنین کسب پیروزی در فاو، حضور آنها در جبهه ضرورتی ندارد. دشمن نیز با کسب تجربه نسبت به نحوه حضور رزمندگان اسلام در جبهه‌ها، برای بازپس‌گیری فاو تلاش می‌کرد. بنابراین، تاکید حضرت امام (ره) که منجر به افزایش نیرو در جبهه‌های جنگ شد، بسیار تعیین‌کننده بود و نتایج قابل ملاحظه‌ای را به دنبال داشت. آقای هاشمی رفسنجانی ضمن استقبال از اظهارات امام، طی تحلیلی اشاره کرد:

«بنده به عنوان کسی که در مسائل جنگ صاحب‌نظر است فکر می‌کنم

که این پیام به موقع بود و شرایط جدیدی را به وجود آورده است. سخنان امام آنقدر جدی بود که ما لحظه‌ای فکر کردیم مجلس را رها کنیم و به جبهه برویم. امام حجت را تمام کرده و معمولاً وقتی امام اینطور سخن می‌گویند مسائلی هست که ما نمی‌فهمیم و لابد مسائل مهمتری را در نظر دارند که فرمودند تکلیف است، باید به جبهه رفت.^۳

همچنین نخست وزیر وقت آقای میرحسین موسوی در اولین جلسه هیأت دولت اظهار داشت:

«من فکر می‌کنم با سخنان حضرت امام یک بسیج عمومی در ادارات و در سطح جامعه برای کمک به جبهه لازم باشد که توان رزمندگان را چندین برابر خواهد کرد. در سال جدید، دولت جنگ را در اولویت می‌گذارد و باید تمام امکانات در اختیار جنگ قرار گیرد و برای این منظور لازم است کمیته‌های پشتیبانی جنگ در وزارتخانه‌ها تقویت شوند.»^۴

کشور تحت شرایط جدید و دنبال اظهارات امام، در آستانه بسیج عمومی برای جبهه‌های جنگ قرار گرفت. در تاریخ ۶۵/۱/۱۵ سمیناری تحت عنوان «لبیک یا خمینی» با حضور رئیس جمهور، رئیس مجلس شورای اسلامی، نخست وزیر و فرماندهان سپاه و ارتش و گروهی از مسئولین کشور آغاز به کار کرد. در این سمینار راههای استفاده هر چه بیشتر از کمکهای مردمی و امکانات کشور در پشتیبانی از جبهه‌های جنگ مورد بررسی قرار گرفت.

پاتکهای دشمن در فاو تا پایان فروردین ماه و حتی دهه اول اردیبهشت ماه ۱۳۶۵ ادامه داشت. طی این مدت، دشمن که از بازپس‌گیری فاو ناتوان و درمانده شده بود، از نیمه دوم فروردین مبادرت به تهاجم به برخی از خطوط کرد. این عملیات دشمن به «استراتژی دفاع متحرک» موسوم گردید.

با پیدایش این وضعیت، در شرایطی که تمام توان رزمندگان برای تصرف و تثبیت منطقه عملیاتی فاو متمرکز شده بود و بخشی از نیروها نیز پس از انجام عملیات در حال بازگشت به شهرهای خود بودند، ضرورت تأکید حضرت امام مبنی بر حضور مردم در جبهه‌های نبرد روشن شد. گرچه تلاشهای دشمن سرانجام با تصرف مجدد شهر مهران به پایان رسید، لیکن این اقدام دشمن و سایر تلاشهایی که صورت می‌گرفت نشانه‌ی عدم توجه به خواسته‌های ایران و افزایش فشار تلقی می‌شد. این درک و تصور مسئولین جمهوری اسلامی موجب گردید که آنها با استنباطی که از شرایط جاری و آینده داشتند، با بهره‌گیری از شرایط کشور و بسیج نیروها مبادرت به برنامه‌ریزی تعیین کننده‌ای در جهت مشخص ساختن سرنوشت جنگ در سال ۶۵ کنند. در همین زمینه برادر محسن رضایی فرمانده سپاه در یک مصاحبه مطبوعاتی اظهار داشت:

«تنها راهی که امروز برای خاتمه جنگ در پیش روی ما قرار دارد، بسیج کلیه نیروها و امکانات کشور در جبهه است.»^۵

وی سپس ضمن اشاره به تعداد نیروهای شرکت کننده در عملیات فاو و نتیجه آن اظهار داشت:

«ما در فاو با ۱۵۰ هزار نیرو در مقابل ۷۰۰ هزار نفر از ارتش عراق جنگیدیم و به آن پیروزی درخشان نائل آمدیم. آیا نمی‌توانیم با ده برابر این نیرو ارتش عراق را کاملاً منهدم کنیم؟»^۶

وی همچنین در مورد مردمی کردن جنگ اضافه کرد:

«ما تاکنون تنها از دو درصد از نیروهای مردمی و ۱۲ درصد از امکانات اقتصادی در جنگ استفاده کرده‌ایم و لازم است که براساس اطلاعیه قرارگاه خاتم‌الانبیاء جنگ کاملاً مردمی شود و از کلیه امکانات دولت و مردم برای پیشبرد جنگ استفاده کنیم.»^۷

آقای هاشمی رفسنجانی نیز در تاریخ ۶۵/۳/۱۵ در ستاد مرکزی سپاه در جمع فرماندهان و مسئولین سپاه اظهار داشت :

« در محاسباتی که تاکنون شده ، به نظر ما هیچ شرایطی بهتر از اینکه تسریع کنیم در پیشبرد کار جنگ به چشم نمی خورد منطقی ترین راه برای ما این است که زمان را از دست ندهیم . زمان امروز به نفع ما نیست که معطل بمانیم وضع عمومی کشور و شرایط اقتصادی کشور هم ایجاب می کند که ما این مسئله را اگر بتوانیم زودتر به نقطه ای برسانیم »

آقای هاشمی روز بعد در خطبه نماز جمعه تهران مجدداً ضرورت تسریع در خاتمه جنگ را یادآور شده و اظهار داشت :

« وضع جنگ الان به جایی رسیده که هر محاسبه ای نشان می دهد ما باید هر چه زودتر جنگ را به پایان برسانیم . زمان بیش از این نباید در اختیار دشمن قرار گیرد . امام در اول سال تاکید کردند که وظیفه همه است امکانات خود را در خدمت جنگ به کار گیرند . این واجب کفائی فقط به افراد تعلق نمی گیرد ، حتی به اموال و امکانات دولت ، نهادها و شرکتها نیز تعلق می گیرد . تا زمانی که جنگ به چیزی نیاز دارد ، مصرف کردن آن در غیر جنگ سزاوار نیست و همه باید همه چیز خود را در اولویت اول در خدمت جنگ قرار دهند . »^۸

وضعیت جدید علاوه بر تحولی که در جو عمومی کشور از نظر فرهنگی و تبلیغاتی و سیاسی فراهم کرد ، تأثیر قابل ملاحظه ای نیز بر تغییر اولویتهای کشور در امر بودجه یعنی تخصیص امکانات به جبهه های جنگ داشت ، چنانکه نخست وزیر وقت آقای میرحسین موسوی با تشریح طرح نوین اقتصادی کشور اظهار داشت :

« اولین هدفی که ما دنبال کردیم و اعلام نمودیم ، تامین کلیه نیازهای

جنگ تحمیلی بود. اعلام این هدف این معنا را دارد که بودجه تخصیص ارز، تخصیص منابع ملی و واگذاری کارخانه‌هایمان در خدمت جنگ، تاسیسات، ماشین‌آلات، و در همه چیز هیچ قیدی برای دادن امکانات در خدمت جنگ نداشته باشیم. بلافاصله اثرات این تصمیم‌گیری این شد که فرضاً وقتی ما آمدیم ۶۲ میلیارد تومان صرفه جویی در کشور اعلام کردیم در رابطه با بودجه جنگی، نه تنها آن بودجه را کم نکردیم، بلکه این زمینه را در ذهنیت برادران هیأت دولت می‌بینیم که بتوانیم از سایر بخشها به این زمینه کمک کنیم.^۹

آقای هاشمی نیز در مورد تامین نیروی انسانی اظهار داشت:

«همچنین در بخش نیروی انسانی علاوه بر بسیج نیروهای داوطلب مردمی، جذب نیروهای نظام وظیفه نیز به دو برابر افزایش یافت و شورای عالی دفاع طرحی را تصویب کرد که به موجب آن نیروهایی که در حال خدمت بودند، در صورت پایان خدمت، طبق این قانون ۲ ماه بر خدمتشان افزوده گردد.^{۱۰}»

در تیر ماه سال ۶۵ در ادامه تلاشهایی که به منظور بسیج نیرو و امکانات صورت می‌گرفت، دو سمینار یکی در یزد تحت عنوان (لبیک یا امام) و دیگری در تهران تحت عنوان (سمینار سراسری فرماندهان بسیجی طرح مالک اشتر) برگزار شد.

تامین کادر برای سازماندهی نیروهایی که در آن سال جذب می‌شدند عمده‌ترین هدف برگزاری سمینار طرح مالک اشتر بود. در این سمینار عمدتاً فرماندهان گردان، گروهان و دسته شرکت داشتند. در سمینار مزبور، آقای هاشمی با تأکید بر اینکه وضع جبهه‌ها و شرایط منطقه و شرایط کل دنیا یک آمادگی خیلی جدی را طلب می‌کند، اظهار داشت:

«تمام امکانات از جهت آموزش نیروهای بسیج تهیه شده است و ما

تدارک ۵۰۰ گردان را دیده‌ایم و اگر لازم باشد تا آخر سال ۱۰۰۰ گردان برای میدان جنگ تشکیل خواهیم داد. ^{۱۱}»

از این پس تدریجاً سازماندهی ۵۰۰ گردان نیرو مطرح و براساس آن امکانات و کادر مورد نیاز در نظر گرفته شده بود و چنین پیش‌بینی می‌شد که در صورت تامین ۵۰۰ گردان نیرو، ما می‌توانیم همزمان ۲ عملیات بزرگ را در دو منطقه طرح‌ریزی و اجرا کنیم و این به منزله تجزیه دشمن از نظر فرماندهی و نیرو خواهد بود و در هر صورتی که در یک منطقه با دشمن درگیر شویم، افزایش میزان نیروی انسانی موجب می‌گردد که در تداوم نبرد، سرانجام دشمن با درگیر کردن کلیه نیروهایش برای بازپس‌گیری منطقه متصرفه، منهدم شود.

مسئولین کشور همچنان ضمن تاکید بر شرایط سیاسی - نظامی جبهه‌های نبرد و با الهام از سخنان امام (ره)، بر اختصاص دادن امکانات به جبهه‌ها تاکید می‌کردند. در این میان، آقای هاشمی در خطبه‌های نماز جمعه اظهار داشت:

«به مسئولان دولت در سراسر کشور عرض می‌کنم براساس نظریه‌ای که امام ابراز فرمودند، آنهایی که در حال حاضر نیاز ندارید ولو اینکه همه چیز مورد نیاز است، اگر ستاد پشتیبانی جنگ تشخیص می‌دهد که برای پشتیبانی جنگ اینها را به جبهه بدهید، به دستور دولت که قبلاً صادر شد، اینها را به جبهه بدهید. ^{۱۲}»

طی این روند، در تبلیغات سیاسی کشور، شعار تعیین سرنوشت جنگ به منزله تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ تلقی می‌شد. آقای هاشمی نظر به تبعات نامطلوبی که این شعار داشت اظهار نمود:

«علیرغم تعبیرهای مختلف، این بدان معنا نیست که امسال جنگ پایان یابد، بلکه با برنامه‌هایی که داریم جنگ را به جایی خواهیم رساند که

پیروزی ایران مشخص شود، یکی از نموده‌های این پیروزی قطع حمایت حامیان صدام از این رژیم می‌باشد. ^{۱۳}»

طرح‌ریزی و اجرای عملیات محدود^x

در سال ۶۵ تحرکات نظامی سپاه تحت عنوان «عملیات محدود» اساساً پاسخ به تلاش‌های دشمن موسوم به «استراتژی دفاع متحرک» بود. گرچه ارتش عراق پس از اشغال مجدد مهران در تاریخ ۶۵/۲/۲۷ عملاً توان نظامی‌اش را از دست داد و در این دور از تهاجم به همان پیروزی‌های اندکی که به دست آورده بود بسنده کرد، ولی همچنان تهدیدات خود را تکرار می‌کرد، چنانکه صدام در تاریخ ۶۵/۴/۴ در جمع افسران ارتش عراق اظهار داشت:

«ارتش عراق پس از بازسازی مجدد، حملات خود را علیه جمهوری اسلامی آغاز خواهد کرد. ^{۱۴}»

امام (ره) نظر به ابعاد تهاجم دشمن در زمین، هوا و دریا و احتمالاتی که با توجه به تهدیدات دشمن وجود داشت، در تاریخ ۶۵/۴/۲۸ و در روز میلاد امام رضا (ع) سخنانی را مبنی بر ضرورت افزایش تحرک نظامی در جبهه‌های نبرد ابراز فرمودند:

«شما در جبهه‌ها هیچ نگذارید آرامش پیدا کند دشمن، اگر بگذارید آرامش پیدا کند می‌رود و تجهیز بیشتری می‌کند و شما را به زحمت می‌اندازد. باید نگذارید که او یک شب از اضطراب بیرون بیاید الان در اضطراب هستند نگذارید که از اضطراب بیرون بیایند. ^{۱۵}»

سپاه پاسداران ضمن آنکه پس از فتح فاو و تثبیت آن عمیقاً مشغول

^x برای مطالعه مشروح این بحث به کتاب جنگ در سال ۶۵ مراجعه شود.

طرحریزی عملیات گسترده بود ، لیکن در این چارچوب اقدامات وسیعی به شرح زیر انجام داد :

- ۱ - انجام عملیات کربلای ۱ در شهر مهران در تاریخ ۶۵/۴/۹ .
- ۲ - انجام عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج‌عمران در تاریخ ۶۵/۶/۱۰ .
- ۳ - انجام عملیات کربلای ۳ بر روی اسکله‌الامیه در تاریخ ۶۵/۶/۱۰ .
- ۴ - انجام عملیات انصار در جزیره جنوبی خیبر (مجنون) در تاریخ ۶۵/۶/۲۰ .
- ۵ - انجام سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق ، فتح ۱ در تاریخ ۶۵/۷/۹ .

در عین حال که هر یک از عملیات فوق با نتایج و تبعات خاص خود موجبات نگرانی عراق را فراهم کرد ، فتح مجدد مهران در تاریخ ۶۵/۴/۹ تمامی دستاوردهای عراق را در استراتژی موسوم به دفاع متحرک بر باد داد . صدام ، اشغال مجدد مهران را در برابر فتح فاو قرار داده بود . بنابراین ، روشن است که از دست دادن آن چه عواقب روحی - روانی را برای ارتش عراق در پی داشت . روزنامه تایمز لندن در همین زمینه نوشت :

« بازپس‌گیری مهران برای عراق نگران‌کننده است ، زیرا مهران شهری بود که بغداد را در برابر حملات ایرانیان محافظت می‌کرد . »^{۱۶}

در واقع ، در این تحلیل از دست دادن مهران و اشرف قوای نظامی ایران بر ارتفاعات منطقه مورد توجه قرار گرفته و مسئله ، فراتر از شکست عراق در تلاشهای جدیدش ، تحت عنوان (تهدید بغداد) مورد اشاره قرار گرفته بود ، چنانکه تایمز لندن در ادامه نوشت :

« اینک بغداد در مدار تهاجمات قرار گرفته است و ایرانیان می‌توانند با حمله از این محور ، بغداد را با خط یک حمله مستقیم روبرو کنند . »^{۱۷}

علاوه بر اهمیت عملیات کربلای ۱ ، عملیات کربلای ۳ بر روی

اسکله‌الامیه نیز به لحاظ ابعاد سیاسی، نظامی و اقتصادی آن که همزمان با برگزاری کنفرانس غیرمتعهدان در حراره انجام شد، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. فرماندهان سپاه علاوه بر استفاده از ابتکاراتی در طرح‌ریزی و اجرای این عملیات، همزمان با آغاز اجرای طرح سهمیه‌بندی فروش نفت از سوی سازمان اوپک، حضور خود را نیز در میان آبهای خلیج فارس به نمایش گذاشتند. تجارب حاصله از این عملیات بعدها در حضور گسترده‌تر رزمندگان اسلام در خلیج فارس و رویارویی با تهدیدات و اقدامات عراق و آمریکا در این منطقه بسیار موثر واقع شد.

اجرای سلسله عملیات فتح در عمق خاک عراق، بویژه عملیات در کرکوک نیز از اهمیت و بازتاب خاصی برخوردار بود. در واقع، کوهستانها و تاسیسات نفتی کرکوک میدان آزمایش جدیدی برای استفاده معارضین کرد عراقی در عمق خاک عراق محسوب می‌شد. این عملیات، مجموعاً با ضربات و خسارات بسیاری که بر تاسیسات نفتی و نظامی منطقه کرکوک وارد ساخت، به پایان رسید، لیکن امکانات و تجارب حاصله در سلسله عملیات فتح و گسترش سازمان قرارگاه رمضان توسط سپاه، نقش تعیین کننده‌ای را در اتخاذ استراتژی جدید ایران در سال ۶۶ و عملیاتی که در محور سلیمانیه تحت عنوان بیت‌المقدس و نیز والفجر ۱۰ در حلبچه صورت گرفت، داشت.

طرح‌ریزی عملیات سرنوشت ساز

تحرک مداوم دشمن در منطقه فاو، علاوه بر ایجاد زمینه برای انجام عملیات، موجب شد تا عراقیها در تاریخ ۶۵/۱/۳۱ از دو محور جاده ام‌القصر و کارخانه نمک به نیروهای ایران حمله کرده و به طور فزاینده‌ای بر آسیب پذیری خط افزوده شود. نیروهای سپاه سرانجام در تاریخ ۶۵/۲/۸

طرحی را به اجرا درآوردند تا با ترمیم خط خودی، علاوه بر رفع نواقص خط پدافندی و تثبیت پیروزی در فاو، نیروهای درگیر در خط فاو را نیز آزاد نمایند. بلافاصله پس از تثبیت خط فاو و پس از ۷۵ روز درگیری، فرماندهان سپاه از نیمه اردیبهشت برای تداوم عملیات شروع به طرحریزی عملیات سرنوشت ساز نمودند.

این اقدامات در شرایطی صورت گرفت که تلاش جدید دشمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک با بازپس‌گیری منطقه عملیاتی والفجر ۹ (چوارتا) در ۶۴/۱۲/۲۳ آغاز شده و در ۶۵/۲/۲۷ با اشغال مجدد مهران به اوج رسید

تحت چنین شرایطی سپاه لزوماً می‌بایست ضمن پاسخگویی به تلاشهای دشمن، مجدداً برای انجام عملیات گسترده آماده می‌شد.

- انتخاب منطقه عملیات

همزمان با عملیات فاو، با توجه به پیوستگی زمین آن به مناطق مهمی چون ام‌القصر و بصره، به نظر می‌رسید که توقف در این زمین و عدم توسعه وضعیت، به زیان نیروهای خودی می‌باشد. به عبارت دیگر، منطقه عملیات فاو به لحاظ وسعتی که داشت از این قابلیت برخوردار بود که سلسله عملیات بعدی در همین زمین انجام شود، در غیر اینصورت عملیات فاو تنها به عنوان یک حرکت نظامی عقیم تلقی می‌شد که برای حفظ منطقه، لزوماً می‌بایست نیروهای زیادی را در خط پدافندی مستقر کرد.

بر این اساس، همزمان با عملیات فاو، فرماندهی کل سپاه نسبت به تداوم عملیات در این منطقه نظریاتی داشت و یک قرارگاه را مامور به انجام عملیات در منطقه ام‌الرصاص کرد، ضمن آنکه همزمان با این عملیات، از سوی آقای هاشمی رفسنجانی فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) مقرر

گردید تا ارتش در منطقه شملچه نیز عملیاتی انجام دهد. لذا به نظر می‌رسید توسعه وضعیت در این منطقه، در عین حال که ضروری است، امکان‌پذیر نیز می‌باشد.

فشار سنگین عملیات فاو و ناکامی عملیات در مناطق شلمچه و ام‌الرصاص، امکان تحقق نظرات فرمانده سپاه را موقتاً به تعویق انداخت ضمن آنکه عملیات پاسخگویی به استراتژی دفاع متحرک عراق، تحت عنوان «عملیات محدود» سرعت عمل سپاه برای انجام عملیات گسترده را مخدوش کرد. بدیهی است که پشتیبانی از عملیات نیز لزوماً به امکانات گسترده‌ای نیاز داشت که تامین آن بدون بسیج عمومی در کشور مقدور نبود.

از لحاظ نظامی، منطقه عملیاتی کربلای ۴ آخرین تلاش جنگی در جنوب تلقی می‌شد، زیرا انتخاب این منطقه برای انجام عملیات با توجه به ارزش استراتژیک آن و انطباق با اهداف نظامی جنگ و همچنین تطابق آن با توان نظامی جمهوری اسلامی صورت گرفته و ظرافت و دقت نیز در آن ملحوظ گردیده بود. تجارب سه ساله عملیات آبی - خاکی سپاه از عملیات خیبر به بعد نیز به گونه‌ای بود که در صورت تغییر منطقه عملیات، عملاً منجر به تغییر سازمان رزم سپاه می‌شد، چنانکه فرمانده کل سپاه در همین زمینه اظهار داشت:

«در صورت ننگیدن ما در اینجا (جنوب) باید زمینهای دیگری

انتخاب کنیم و سازمان آبی و خاکی مان را تغییر دهیم.»^{۱۸}

براین اساس، طی مباحث و تلاشهایی که صورت گرفت و با در نظر گرفتن ابعاد سیاسی - نظامی، سرانجام منطقه عمومی عملیات در حد فاصل منطقه پنج ضلعی شکل در شمال شلمچه تا ۴ کیلومتری انتهای جنوبی جزیره مینو با دو محور شلمچه و ابوالخصیب و با هدف بصره انتخاب شد.

پیش از این تلاش قوای نظامی ایران در منطقه جنوب با هدف تصرف بصره، چندین بار از سمت شلمچه، طلائی، کوشک، هور و حتی فاو صورت

گرفته ، لیکن نتیجه لازم حاصل نشده بود . همین مسئله موجب گردیده بود تا ضمن انصرف از تصرف بصره ، نسبت به مواضع و استحکامات دفاعی شرق بصره نیز دیدگاه خاصی مبنی بر عدم شکسته شدن خط به وجود آید .

با توجه به سوابق پیشین این منطقه عملیاتی ، تاکتیک ویژه‌ای برای عملیات انتخاب شد . در واقع ، تاکتیک ویژه ، رمز موفقیت عملیات و عنصر اصلی در غافلگیر کردن دشمن از جهت درک سمت اصلی حمله تلقی می‌شد . دشمن در صورت مواجهه با حمله رزمندگان اسلام عملاً برای دفاع مستأصل می‌شد ، بدین معنا که در تشخیص و درک هدف اصلی دچار مشکل ، ابهام و تردید می‌گردید . سمت حمله از سویی به سمت ابوالخصیب و بصره بود و از سوی دیگر می‌توانست با هدف مسدود کردن عقبه لشکر هفتم عراق باشد . در این طرح ، نخلستانهای اطراف اروندرود به عنوان قلب منطقه تلقی می‌شد . لذا تأکید بر این بود که علاوه بر سرعت عمل ، حتی الامکان نیروها در داخل نخلستان حاشیه جنوبی اروند نفوذ نموده و گسترش یابند .

عوارض زمین منطقه در جهت تحقق تاکتیک ویژه و پیروزی عملیات امیدوار کننده بود ، چنانکه وجود نهرها و کانالهای کشاورزی و نخلستانها و از طرفی عدم وجود استحکامات دشمن در منطقه پتروشیمی تا بصره ، زمین را قابل تصرف و پدافند آن را آسان کرده بود . جناحین منطقه عملیاتی ، از شمال به آبگرفتگی شملچه و کانال ماهیگیری ، از جنوب به خور زبیر و زمینهای باتلاقی اطراف آن محدود شده بود و همین مطلب موجب می‌شد تا قدرت تحرک دشمن نیز ضعیف گردد . در این میان ، امیدواری زیادی وجود داشت که با اتکا به تاکتیک ویژه و عدم تحرک دشمن - به لحاظ وضعیت زمین منطقه و وجود نهرها - در موج اول عبور از اروند ، انتقال تجهیزات و وسایل پشتیبانی امکانپذیر و عدم سرعت عمل نیروها جبران شود . فرمانده کل سپاه در این زمینه چنین استدلال می‌کرد :

«اگر هدف بصره باشد، با گرفتن زمینی در جنوب و جنوب غربی خرمشهر، دشمن از سه جا مورد تهدید قرار می‌گیرد و مضطرب و نگران می‌شود و نمی‌تواند احتمال بدهد که تلاش اصلی از کدام سمت و برای چه هدفی است. پس (این حرکت) باعث تجزیه قوای دشمن می‌شود و ترجیح می‌دهد که از جناحین، تخلیه و یا در جلوی بصره راه ما را سد کند، در حالی که ما محور پیشروی را در قلب منطقه عملیاتی گذاشتیم.»^{۱۹}

با توجه به سمت اصلی حمله قوای نظامی ایران، ویژگی دیگر منطقه عملیاتی این بود که فلش اصلی تهاجم روی خط حدّ دو سپاه سوم و هفتم عراق قرار داشت که بین آنها رودخانه اروند واقع شده بود. در این میان، پیش بینی می‌شد که عبور از این معبر، یعنی برخورداری از امکان تهدید و حمله به جناحین دو سپاه عراق که در آنجا نیز خطوط پدافندی و استحکامات نداشتند، طبعاً موجب می‌شد یگانهای احتیاط دشمن نیز نتوانند به یکدیگر کمک کنند، چون هر دو سپاه به طور یکسان در معرض تهدید قرار می‌گرفتند.

براین اساس چنین تدبیر شده بود که نیروهای خط شکن موج اول باید از داخل تنگه (بین جزایر ام‌الرصاص و بوارین) عبور کنند و در طول اروند رود و در داخل آب به سمت کارخانه پتروشیمی بروند، سپس در سمت چپ و راست اروند وارد عمل شده و با شکستن خط پیشروی نمایند. این حرکت همان اصلی بود که از آن به عنوان تاکتیک ویژه یاد می‌شد.

چنین پیش‌بینی شده بود که خط در مراحل اول توسط غواصها شکسته شود، سپس در موج دوم با روشن شدن هوا، قایقها نیروها را انتقال دهند. نظر به اینکه حرکت موج اول با اتکا به نیروی غواص بود که در آب حرکت می‌کرد و فاقد سرعت لازم بود و انسجام کافی نداشت، به همین جهت در برابر حوادث غیر مترقبه و یا هوشیاری دشمن به سهولت سازماندهی و آرایش خود را از دست می‌داد. لذا این ویژگی و همچنین احتمالات و

فرضیات دیگر منجر به پیدایش ابهامات فراوانی شد، لیکن اساساً چیزی که می‌توانست کاستیها را جبران کند، غافلگیری دشمن از نظر « تاکتیک »، « زمان » و « مکان » بود. در صورت تحقق این اصل در شروع عملیات، کلیه ابهامات رفع و معضل اساسی حل می‌شد.

در عین حال، مشکلات دیگری نیز وجود داشت که حتی در مواقعی، به رغم ویژگیهای زمین منطقه و امیدواریهای مربوط به تاکتیک ویژه، تردید و ابهام به وجود می‌آورد. از جمله این مشکلات، « محدودیت در عقبه » بود. بویژه در روز اول عقبه کلیه یگانها متکی به رودخانه کارون بود و این علاوه بر مشکلات تردد، بر آسیب‌پذیری نیروها در برابر حملات هوایی دشمن می‌افزود. وابستگی محورها به یکدیگر نیز بخش دیگری از مشکلات بود. محور شلمچه کاملاً پیوسته به محور ابوالخصیب بود و در صورتی که هر دو محور با هماهنگی پیشروی نمی‌کردند، عملاً حضور دشمن در هر یک از این دو منطقه، می‌توانست پیشروی در محور دیگر را مختل و مخدوش نماید.

- مانور

از مهرماه ۶۵ در عین حال که نسبت به منطقه عملیات، با اتکا به اجرای تاکتیک ویژه، توافق کلی وجود داشت، به هنگام بحث پیرامون مانور عملیات مجدداً ابهاماتی به وجود آمد. سرانجام بعد از جلساتی که برگزار شد، با توجه به پیوستگی چهار زمین منطقه یعنی شلمچه، ابوالخصیب، منطقه مقابل ام‌الرصاص و جزیره مینو، اهداف واقع در آنها مورد بازبینی و تاکید قرار گرفت:

- ۱ - تصرف پنج‌ضلعی شلمچه به خاطر موقعیت لشکر ۱۹ فجر در اثر شناسایی.
- ۲ - تصرف جزیره بوارین برای نگهداری تنگه و درگیر کردن سپاه سوم

دشمن و کاهش فشار آن بر روی جزیره بوارین .

۳ - پیشروی در عمق جنوب اروند تا دژ اول (بین جاده اول و دوم) به منظور تهدید عقبه سپاه هفتم .

۴ - پیشروی در جناح چپ حداقل تا جزیره سهیل به منظور تعمیق عرض جبهه درگیری و پوشش لازم برای تامین عبور نیروها .

بر همین اساس ، اجرای عملیات با ۴ قرارگاه طرحریزی شد :

۱ - قرارگاه نجف : تامین منطقه پنج‌ضلعی شلمچه ، جزایر بوارین و ام‌الطویل .

۲ - قرارگاه قدس : عبور از تنگه (حرکت اصلی) و پیشروی به سمت پتروشیمی و ابوالخصیب .

۳ - قرارگاه کربلا : به منظور مقابله با پاتک دشمن از مقابل جزیره ام‌الرصاص و همچنین تامین کل منطقه عملیاتی . ضمناً قرارگاه کربلا پیشروی تا جاده دوم و سوم آنسوی اروند رود را برعهده داشت .

۴ - قرارگاه نوح : تامین جناح چپ و پیشروی در مقابل جزیره مینو .

نظر به حساسیت و ویژگی ماموریت هر یک از قرارگاهها ، یگانهای سپاه تحت امر قرارگاه مربوطه قرار گرفتند و پس از تعیین خط حد ، کارشناسایی و آماده‌سازی نیروها را شروع کردند .

بدین ترتیب ، طرحریزی عملیات سرنوشت ساز با اتکا به تاکتیک ویژه و امید به غافلگیری دشمن انجام گرفت . طی بسیج عمومی که از آغاز سال ۶۵ شروع شده بود ، امکانات کشور به سمت جبهه‌های نبرد معطوف شد . جو عمومی و تبلیغاتی کشور نیز که به « عملیات سرنوشت‌ساز » و بسیج کلی نیروها و امکانات متوجه گردیده بود ، القاگر تلاش برای پایان بخشیدن به جنگ بود .

منابع و مأخذ فصل سوم

- ۱ - وزارت ارشاد اسلامی ، صحیفه نور ، مجموعه رهنمودهای امام خمینی (ره) ، جلد ۱۹ (تهران ، مرکز مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی) ص ۲۹۰ .
- ۲ - دفتر مرکزی خبر ، نشریه « رادیوهای بیگانه » ، ۱۳۶۵/۱/۱۰ .
- ۳ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۱/۷ ، گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی از ملاقات آقای هاشمی با مجروحین شیمیایی .
- ۴ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۱/۷ ، خبرگزاری جمهوری اسلامی .
- ۵ - روزنامه کیهان ، ۱۳۶۵/۳/۱۱ .
- ۶ - پیشین .
- ۷ - مأخذ شماره ۵ .
- ۸ - روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۳/۱۷ .
- ۹ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۴/۵ .
- ۱۰ - روزنامه کیهان ، ۱۳۶۵/۳/۱۲ ، آقای هاشمی رفسنجانی در جمع فرماندهان سپاه .
- ۱۱ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۴/۱۹ .
- ۱۲ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۴/۲۹ .
- ۱۳ - روزنامه کیهان ، ۱۳۶۵/۵/۱۱ .
- ۱۴ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۴/۵ .
- ۱۵ - مأخذ شماره ۱۲ .
- ۱۶ - روزنامه اطلاعات ، ۱۳۶۵/۴/۲۹ .
- ۱۷ - پیشین .
- ۱۸ - سند شماره مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، گزارش عملیات کربلای ۴
- ۱۹ - پیشین .

فصل چهارم

افشای ماجرای مک فارلین

- تلاش برای برقراری روابط پنهانی
- عکس العمل شوروی
- موضعگیری عراق
- نتایج و پیامدها
- تنش در روابط عراق و آمریکا
- گسترش تهاجمات هوایی عراق

<http://www.ciw8.net>

افشای ماجرای مک فارلین

تلاشهای سیاسی ایران که از سال ۶۳ تدریجاً با پیدایش نوعی نگرش جدید از سیاست خارجی آغاز و در نیمه دوم سال ۶۳ وضعیت مشخص نزدیک شده بود، در سال ۶۵ متعاقب سفر مک فارلین به ایران وارد مرحله جدیدی گردید.

افشای ماجرای مک فارلین در ۱۳ آبان ۱۳۶۵، تأثیرات تعیین کننده‌ای بر روند سیاسی - نظامی جنگ، روابط خارجی عراق با آمریکا و نیز موقعیت آمریکا در سطح منطقه باقی گذاشت که بعدها نیز همچنان ادامه یافت، ضمن آنکه روسها نیز پس از افشای اقدامات آمریکا برای ایجاد روابط با ایران، عکس‌العمل نشان داده و درصد برآمدند تا از شرایط پیش آمده نهایت بهره‌برداری را بکنند.

نظر به اهمیت ماجرای مک فارلین و تأثیرات تعیین کننده آن و برای روشن شدن مباحثی که پس از افشای این ماجرا در نیمه دوم سال ۶۵ و در سالهای ۶۶ و ۶۷ مطرح شد، اجمالاً به تلاشهای پنهانی آمریکا برای برقراری روابط با ایران که در کشور ما به عنوان «ماجرای مک فارلین» و در

آمریکا به عنوان « ایران گیت » موسوم گشت ، اشاره خواهد شد . همچنین بازتاب و انعکاس افشاء روابط و نتایج و پیامدهای آن در نشریات ، مورد بررسی قرار خواهد گرفت .

تلاش برای برقراری روابط پنهانی

به دنبال پیروزیهای ایران در بیرون راندن دشمن از خاک خود و عدم دستیابی عراق و حیامیانش به اهداف مورد نظر ، تلاشهای سیاسی جدیدی از سوی آمریکا برای پایان دادن به جنگ طرحریزی شد که در حوزه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مورد بهره‌برداری قرار گرفت . به عبارت دیگر ، پیدایش وضعیت جدید منجر به توجه جدی ایران به تلاشهای سیاسی در کنار اقدامات نظامی گردید .

آمریکاییها متعاقب بروز بحران ناشی از تجاوز اسرائیل به جنوب لبنان و مواجهه با پدیده گروگانگیری غربیها ، به رغم کلیه تمهیداتی که برای مهار بحران و آزادی گروگانها انجام دادند ، به نتیجه روشنی نرسیدند . در این شرایط ، در ۲۴ خرداد سال ۶۴ ، هواپیمای تی . دیلیو . ای آمریکا نیز ربوده شد و این ماجرا تا ۸ تیر همان سال ادامه یافت . برخورداری ایران از امکان بالقوه در حال معضل هواپیما ربایی ، سرآغاز شکل‌گیری تمایل جدید آمریکا به برقراری روابط پنهان بود .

توانائی ایران در حل این بحران ، آمریکاییها را نسبت به امکان گشایشی در جهت آزادی گروگانهای غربی در لبنان ، امیدوارتر کرد و ضرورت تمایل هرچه بیشتر آمریکا را به ایران روشن ساخت . در این خصوص ، در مجله‌المستقبل چاپ فرانسه چنین آمده بود :

« شعار دولت ریگان از سال ۱۹۸۱ (۱۳۶۰) تا آوریل ۱۹۸۵

(فروردین ۱۳۶۴) این بود که زمینه‌ای برای تفاهم با رژیم ایران و

همکاری و هماهنگی با جمهوری اسلامی وجود ندارد. در آن فاصله، مقامات آمریکایی بارها به دوستان و هم‌پیمانان خویش ابلاغ نمودند که سه مانع اساسی از حصول تفاهم بین واشنگتن و تهران جلوگیری می‌نماید و آن سه عامل عبارتند از: تمایل رهبران ایران به صدور انقلاب، مخالفت رهبران ایران در پاسخگویی به فراخوانی برای پایان دادن به جنگ با عراق و حمایت مقامات ایرانی از فعالیتهای نیروها و سازمانهایی که قصد برهم زدن آرامش برخی از کشورهای خاورمیانه را دارند. مقامات آمریکا همچنین می‌گفتند: در تهران جناحی که بخواهد با واشنگتن وارد گفتگو شود و به این کشور گرایش داشته باشد سراغ ندارند.^۱

همچنین نشریه فارین ریپورت در مورد توجه مجدد آمریکا به ایران از سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) نوشت:

«سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) سال توجه آمریکا به ایران بود. در این سال دکتر هنری کیسینجر وزیر خارجه پیشین آمریکا یک گزارش سری در مورد ایران به ریگان تسلیم نمود و ضرورت گشودن کانالهای ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با ایران را به وی یادآور شد و ضمناً این حقیقت را به او گوشزد کرد که تا زمانی که یک جناح میانه‌رو قدرتمند مایل به گفتگو با آمریکا در بین رهبران آن کشور وجود نداشته باشد، هیچ‌گونه پیوند و یا مصالحه‌ای بین دو کشور صورت نخواهد گرفت.^۲»

در چارچوب ضرورت‌های یاد شده، آمریکا به دنبال یافتن کانالهای ارتباطی مطمئن بود تا بدین ترتیب علاوه بر حل مسئله گروگانها، آینده روابط خود با ایران را نیز به نقطه روشنی برساند. بهای اولیه‌ای که آمریکاییها مجبور به پرداخت آن شدند، ارسال اسلحه به ایران بود. در این زمینه، نشریه نیوزویک گزارشی را بدون ذکر منبع به چاپ رسانده بود که به بخشی

از آن اشاره می‌شود .

«ایده قاچاق اسلحه در مقابل آزادی گروگانها ، اولین بار در نیمه اول سال ۱۹۸۵ (۱۳۶۴) پیدا شد . نیوزویک کسب اطلاع کرده است که این ایده زمانی ایجاد شد که مشاوران کاخ سفید نسبت به کمک سوریه در زمینه آزادی گروگانهای غربی ناامید شدند . در عمل ثابت شد که سوریه به رغم کنترل بر قسمتی از خاک لبنان که سازمان جهاد اسلامی و گروههای بنیادگرای دیگر در آنجا بسر می‌برند ، قادر نیست در این زمینه کمک کند در جریان آزادی گروگانهای هواپیمای تی . دبلیو . ای . در ماه ژوئن ۱۹۸۵ (تیر ۱۳۶۴) که سوریه به خاطر ترتیب دادن سفر گروگانها از دمشق به وطنشان اعتبار می‌یافت ، در حقیقت این ایران بود که ریسمانها را پاره کرد .^۳»

سپس در ادامه گزارش نیوزویک آمده است که در پی ناامیدی آمریکا از سوریه و تلاش برای یافتن کمک از سوی ایران ، آمریکاییها به این نتیجه رسیدند که با تامین برخی از لوازم یدکی تجهیزات مورد نیاز ایران ، موجبات جلب نظر مسئولین ایران را فراهم کنند .

« آنها به لوازم یدکی برای هواپیماهای جنگی که توسط شاه از آمریکا خریداری شده بود ، اشاره داشتند . این تجهیزات اکنون توسط واشنگتن و براساس فرمان تحریم اسلحه به ایران بلوک شده بود .^۴»

به این صورت اولین محموله سلاح به ایران مهیا و ارسال شد و این آغاز معامله‌ای بود که از سوی آمریکا صورت گرفت . ارسال اسلحه به ایران ، با توجه به اعلام سیاست رسمی آمریکا مبنی بر تحریم فروش سلاح به جمهوری اسلامی ، اقدامی بود که پس از افشای آن بازتابی بسیار منفی به دنبال داشت . به طوری که بوش معاون رئیس جمهور آمریکا مجبور شد سیاست این کشور مبنی بر ضرورت ارسال اسلحه به ایران را توجیه کرده و

بر موقعیت ژئوپلیتیک ایران تأکید کند. به همین خاطر وی طی سخنانی گفت:

«ایران بین اتحاد شوروی و کشورهای نفت خیز خلیج فارس، بین شوروی و یک ساحل از آبهای گرم قرار گرفته است. ایران چه از هم گسیخته باشد و چه بیش از حد نیرومند، می‌توان ثبات تمامی خاورمیانه و بویژه آن کشورهای میانه‌رو عرب و دوستان ما را که ثبات و استقلالشان اهمیتی عمیق برای امنیت آمریکا دارد، تهدید کند.»^۵

بدین ترتیب، نیازمندی آمریکا به ایجاد ارتباط با ایران، با ارسال محدود سلاح به ایران از خرداد سال ۶۴ تا اسفند همان سال، شکل گرفت. پس از آن آمریکا کوشید ارتباط مسقیم با ایران برقرار کند و واسطه‌ها را حذف نماید. تلاش آمریکا برای حذف هرگونه واسطه و برداشتن گام بزرگتر موجب گردید تا سفر رابرت مک‌فارلین مشاور امنیتی رئیس‌جمهور آمریکا به ایران طرحریزی شود. سرانجام در ۴ خرداد سال ۶۵، هواپیمای حامل مک‌فارلین و همراهانش در تهران به زمین نشست.

طی سه روز اقامت مک‌فارلین و همراهانش در ایران مذاکراتی صورت گرفت، لیکن نتیجه روشنی در پی نداشت. لذا مک‌فارلین با درک عدم موفقیت، تأسف خود را اظهار داشت و با بیان آن به طرف ایرانی مذاکره کننده مبنی بر اینکه فرصت گرانبهایی از دست رفت، ناموفق به آمریکا مراجعت نمود.

در تاریخ ۶۵/۸/۱۱ خبر سفر مک‌فارلین به ایران از سوی نشریه لبنانی الشراع و سپس با اعلام رسمی از سوی مقامات ایران، منتشر شد. اظهارات ریاست مجلس شورای اسلامی ایران در مورد سفر مک‌فارلین به تهران و نتایج این سفر، بازتاب بسیار گسترده‌ای در محافل داخلی و خارجی داشت و بحران عمیقی را در آمریکا و منطقه ایجاد نمود.

با توجه به ماهیت این روابط، آمریکاییها عمیقاً نسبت به عدم انتشار خبر

مذکرات ، قبل از حصول نتیجه قطعی ، تأکید می‌کردند . سرانجام ، مقامات وقت آمریکا در برابر اتهامات وارده به آنها از طرف جناحهای مقابل مبنی بر « تضعیف متحدان آمریکا در منطقه » ، « نادیده گرفتن منافع اعراب و چرخش به سمت ایران » ، « نقض سیاست آمریکا مبنی بر تحریم فروش سلاح به ایران » و « پرداخت باج سبیل به ایران برای آزادی گروگانها » ، مجبور به واکنش شدند و رئیس‌جمهور وقت آمریکا (رونالد ریگان) ، طی نطق تلویزیونی ضمن تایید اقدامات پنهانی ، به تشریح و توجیه علل این روابط و اتهامات وارده به آمریکا پرداخت . وی در این سخنرانی مایوسانه خود در حالی که سعی می‌کرد دلائلی را به نفع آمریکا برشمارد ، اظهار داشت :

« اکنون هجده ماه است که طی یک ابتکار سیاسی محرمانه ، ارتباط با ایران را در جریان کار خود قرار داده‌ایم . برای استفاده از این ابتکار ساده‌ترین و بهترین دلائل را در اختیار داریم :

- ۱ - تجدید روابط با ایران .
- ۲ - اقدامی شرافتمندانه برای خاتمه‌دادن به جنگ شش‌ساله بین ایران و عراق .
- ۳ - محو کردن تروریسم دولتی و خرابکاری .
- ۴ - تاثیر بخشیدن به روند بازگشت تمامی گروگانها .

.... بدون همکاری ایران ما قادر به خاتمه بخشیدن به جنگ خلیج فارس نیستیم و بدون ایران امکان برقراری صلح بادوام در خاورمیانه وجود ندارد .^۶

سپس ریگان با اشاره به اتهامات وارده به دولت آمریکا مبنی بر پرداخت « باج سبیل به ایران » و نیز « از بین بردن اعتبار متحدان آمریکا » با ارسال مخفیانه سلاح به ایران ، ضمن تکذیب برخی خبرها مبنی بر نحوه ارسال اسلحه به ایران با کشتی دانمارکی ، از بنادر اسپانیا و ایتالیا ، گفت :

« در مذاکرات محرمانه‌ای که داشتیم ، من اجازه انتقال تعداد کمی از تسلیحات و قطعات یدکی برای سیستم دفاعی ایران را دادم . هدف من متقاعد کردن تهران به این امر بود که مقامات مذاکره کننده آمریکایی با اجازه من عمل می‌کنند و هدف این بود که تا به ایران علامت دهیم که ایالات متحده آماده است تا خصومت بین ما ، جای خود را به یک روابط و مناسبات جدید بدهد . »^۷

ریگان همچنین در مورد اهداف آمریکا در خاورمیانه و ضرورت برقراری رابطه با ایران و موانعی که وجود داشت ، گفت :

« اهداف درازمدت آمریکا در خاورمیانه این بوده است که به استقلال ایران در قبال سلطه شوروی یاری نماید و خاتمه شرافتمندانه‌ای را برای جنگ خونین ایران و عراق تحقق بخشد و صدور خرابکاری و تروریسم به منطقه را متوقف سازد . یک مانع بر سر راه این اهداف ، عدم مذاکره و قطع ارتباط بین ما بود . به خاطر اهمیت استراتژیک ایران و نفوذ این کشور در جهان اسلام است که ما در جستجوی یک رابطه بهتر بین کشورهای خود برآمدیم . »^۸

عکس‌العمل شوروی

شوروی‌ها که در انتظار بهره‌برداری سیاسی - نظامی از کاستیها و نقائص سیاست آمریکا در منطقه بودند .^x بلافاصله پس از افشای ارسال

x مجله المستقبل چاپ فرانسه در این مورد نوشت : برخی از مسئولین کشورهای عربی معتقدند که میخائیل گورباچف رهبر پرتحرک شوروی که در بهره‌گیری از خطاها و نقاط ضعف سیاست آمریکا مهارت دارد ، سعی خواهد کرد از نتایج (ضربه بزرگی) که سیاست آمریکا در خاورمیانه در دوره زمامداری ریگان متحمل گردیده است ، منتهای بهره‌برداری را بنماید و در نظر این مسئولین سال ۱۹۸۷ سال تحرک فزاینده اتحاد شوروی در خاورمیانه خواهد بود .

(اداره کل مطبوعات خارجی ، وزارت ارشاد اسلامی ، نشریه ۱۲۰۸ ، ۶۵/۱۰/۲)

تسلیمات از سوی آمریکا به ایران، بر کمکهای نظامی خود به عراق افزودند و روند جدیدی را در سیاست منطقه‌ای خود بویژه برخورد با دو کشور ایران و عراق و جنگ آغاز کردند. بهبود موقعیت شوروی در منطقه، یکی از ثمرات آسیب‌دیدگی آمریکا در برابر افشای ماجرای مک‌فارلین بود. با متزلزل شدن موقعیت آمریکا در منطقه، موقعیت شوروی رو به بهبود گذاشت و این وضعیت تا زمان فروپاشی اتحاد شوروی ادامه یافت. روابط عراق و شوروی طی این دوره به سطح مطلوب و مناسبی ارتقاء یافت که به هیچ وجه قابل مقایسه با زمان پیش از آن نبود.

روزنامه پراودا ارگان رسمی حزب کمونیست شوروی در اولین عکس‌العمل خود آمریکا را در برخورد با جنگ ایران و عراق به نفاق متهم کرد و نوشت:

«ماموریت سری رابرت مک‌فارلین مشاور سابق رئیس‌جمهور آمریکا در ایران بار دیگر دورویی و اشنگتن را نسبت به آنچه در ارتباط با جنگ ایران و عراق است، تأکید می‌کند.»^x

واشنگتن علناً اظهار می‌دارد که خواستار پایان جنگ ایران و عراق است، لیکن در واقع ضمن تضمین دادن به یک طرف در مورد درخواست

x آقای هاشمی رفسنجانی در نماز جمعه تهران طی سخنانی ضمن حمله به موضع روسها در برخورد با جنگ و تشبیه آن با مواضع آمریکا گفت:

«روسها از این قضیه (فروش اسلحه آمریکایی به ایران) سوءاستفاده کردند و گفتند آمریکا با فروش اسلحه به ایران نمی‌خواهند جنگ تمام شود و این در شرایطی است که ما معتقدیم آمریکا و شوروی هر دو نمی‌خواهند جنگ تمام بشود. آنها صلح تحمیلی و یا حالت نه جنگ و نه صلح را می‌خواهند. اما باید به روسها گفت: شما که می‌گوئید آمریکا نمی‌خواهد جنگ تمام شود چرا به عراق این همه سلاحهای پیشرفته و مدرن می‌دهید؟ آیا شما می‌خواهید جنگ تمام شود؟

(روزنامه رسالت ۶۵/۹/۸)

خود مبنی بر پایان جنگ ، به طرف دیگر سلاح می دهد .^۹ «

شوروی در ادامه موضعگیری نسبت به روابط پنهانی آمریکا با ایران ، موضع شدیدی را علیه ایران اتخاذ کرد ، چنانکه روزنامه ایزوستیا ارگان دولت شوروی نوشت :

« تهران مبارزه‌ای خصمانه را بر علیه شوروی در قبال حمایت مسکو از دولت افغانستان به راه انداخته است رابطه‌ای میان سیاست ایران در قبال کابل و مسکو و تحویل اسلحه آمریکا به ایران در یک عملیات پنهانی که با مشارکت اسرائیل انجام شده وجود دارد و بخشی از تسلیحات مزبور با توافق ایران برای چریکهای افغان در نظر گرفته شده بود تهران در حرف پیرو اهداف ضد امپریالیستی است ، اما در واقع با نیروهای امپریالیستی در اجرای یک جنگ اعلام نشده بر علیه جمهوری دمکراتیک افغانستان مشارکت می کند . »^{۱۰} X

تاثیرات ناشی از افشای ماجرای مک‌فارلین همچنان تا مدت‌ها بر مناسبات ایران و شوروی سایه افکند و به میزانی که موقعیت شوروی مستحکم می شد ، فشار روسها به ایران با حمایت از عراق افزایش می یافت .

شوروی‌ها در اعمال فشار به ایران دو منظور را به طور همزمان دنبال می کردند ، از سویی اندیشه استقلال در تصمیم‌گیری نظامی جمهوری اسلامی را هدف قرار داده و درصدد بودند بینش عدم اتکاء به ابرقدرتها ، مبنی بر عدم واگذاری تعیین سرنوشت جنگ را مخدوش ساخته و قدرت تصمیم‌گیری را برای تعیین چگونگی پایان جنگ از ایران سلب کرده و خود

X روسها پس از تجاوز به افغانستان و شکست در برابر مقاومت مردم آن همواره سعی می کردند که برای توجیه شکست خود عوامل خارجی از جمله ایران را در تبلیغات خود مورد تهاجم قرار دهند . بنابراین ، افشای ماجرای مک‌فارلین فرصت مناسبی را در اختیار روسها قرار داد تا اقدام به موضعگیری نمایند .

در اختیار بگیرند تا با اعمال تدابیر خویش جنگ را در راستای منافع منطقه‌ای و جهانی خود هدایت کنند. از سوی دیگر، ایران را در برابر حضور نظامی خود در افغانستان منعطف سازند. به عبارت دیگر، بازگرداندن ایران انقلابی به نظام دو قطبی بین‌المللی را که هدف اصلی آمریکا از شروع جنگ بود و طی ۷ - ۶ سال به آن نرسید، شوروی با استفاده از شرایط پیش آمده در دستور کار خود قرار داد. اگر جمهوری اسلامی که بنای جدیدی را در جهان دو قطبی گذاشته بود و با در دست گرفتن سرنوشت جنگ هر دو قطب را مستأصل کرده بود، در برابر فشار شوروی‌ها انعطاف نشان می‌داد، نه تنها جوهره اصلی انقلاب خود را که همانا بهم‌زدن سیستم دو قطبی در جهان بود از دست می‌داد بلکه مسلماً نمی‌توانست زمینه‌ساز فروپاشی ابرقدرت شرق باشد. به عبارت دیگر، جمهوری اسلامی با افشای ماجرای مک‌فارلین ضمن اینکه بحران بزرگی برای غرب و هم‌پیمانان منطقه‌ای‌اش ایجاد کرد برای مقابله با سوءاستفاده ابرقدرت شرق از این ماجرا نیز تاوان سنگینی پس داد و مقاومت سرسختانه‌ای کرد.

موضعگیری عراق

افشای ماجرای مک‌فارلین ضمن آن که واشنگتن را دست‌خوش بحران کرده بود، هم‌پیمانان عرب آمریکا را نیز بحران زده کرد. در میان کشورهای عربی، موضعگیری عراق به لحاظ تاثیرات ارتباط آمریکا و ایران و ارسال سلاح به جمهوری اسلامی، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بود. عراق در بیانیه‌ای رسمی، ضمن اظهار تاسف از کوشش‌های آمریکا، این عمل را به شدت محکوم کرد. در بیانیه مزبور آمده بود:

« پذیرش ارسال اسلحه به ایران از سوی رونالد ریگان با سیاستهای

اعلام شده آمریکا به شدت در تناقض است. تفاوت بین گفتار و رفتار

حکومت آمریکا، اعتبار سیاستهای اعلام شده این کشور را مورد سؤال قرار داده و تعهدات این کشور را به عنوان ابرقدرتی که برای حفظ صلاح و امنیت جهانی مسئولیت دارد، مورد تردید قرار داده است. «

در این بیانیه تاکید شده بود:

«اسلحه‌ای که ایران دریافت می‌کند علیه عراق به کارگیری می‌شود و طبعاً ارسال اسلحه آمریکایی به ایران، بر عراق بیش از هر کشور دیگری تاثیر گذاشته است.»^{۱۱}

نزار حمدون، سفیر عراق در واشنگتن نیز ضمن آنکه هرگونه حمایت تسلیحاتی از ایران را موجب طولانی‌تر شدن جنگ قلمداد کرد، یادآور شد:

«این حق آمریکاست که کانالهای دیپلماتیک خود را با تهران بگشاید، لیکن تحویل سلاح و مهمات به آن کشور شک و تردیدهای خطرناکی را در رابطه با مواضع اعلام شده‌اش مبنی بر بی‌طرف بودن در جنگ پدید می‌آورد.»^{۱۲}

وی سپس به نتایج اقدام آمریکا مبنی بر تشویق دیگران به ارسال اسلحه به ایران اشاره نمود و در مورد پیامدهای آن در سطح منطقه، در صورت تغییر موازنه نیروها، گفت:

«بروز تغییر احتمالی در موازنه نیروهای سیاسی و نظامی خاورمیانه منجر به افزایش قیمت نفت شده و بالاخره به منافع ملت آمریکا ضربه خواهد زد.»^{۱۳}

نزار حمدون طی مصاحبه‌ای با روزنامه نیویورک تایمز مطالبی را بیان داشت که به نظر می‌رسید علاوه بر تهدید آمریکا، نقطه آغاز چرخش عراق به سمت شوروی بود. وی گفت:

«گرمی مجدد روابط ایران و آمریکا هیچ‌گونه ضرر و زیانی برای عراق ندارد.»^{۱۴}

در واقع در مقایسه با اظهارات قبلی نزارحمدون مبنی بر تأثیرات زیان بخش تقویت تجهیزات ایران برای عراق، این موضعگیری نشانه آن بود که دیگر عراق به لحاظ بی‌اعتمادی به مواضع آمریکا، به این کشور متکی نخواهد بود. وی در ادامه اظهاراتش گفت:

«فروش مخفیانه اسلحه آمریکا به ایران، اصول از سرگیری مناسبات دیپلماتیک میان عراق و آمریکا را زیر سؤال می‌برد.»^{۱۵}

وی در عین حال در اظهاراتش ضمن توجیه شکست عراقیها در فاو، ادامه از سرگیری روابط با آمریکا را مشروط به جبران خسارتهای عراق نمود و گفت:

«آینده به این مطلب بستگی دارد که دولت آمریکا در مورد این مسئله مهم ارزش و اعتبار خود را در برابر عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه جبران کند.»^{۱۶}

نتایج و پیامدها

تشتت در سیاست خارجی آمریکا در منطقه و مخدوش شدن اعتبار این کشور نزد متحدینش، همراه با افزایش تنش در میان نهادهای و مراکز مختلف در آمریکا،^{۱۷} مهمترین بخش از بحرانی بود که آمریکاییها در گرداب آن گرفتار آمدند.^x

✗ روزنامه نیویورک تایمز ضمن انتقاد از شورای امنیت آمریکا، در مورد اهداف آن کشور و نقائص و کاستیهای آن نوشت:

«یک مقام بلند پایه دولت آمریکا می‌گوید: هدف اصلی از این گونه تفکر استراتژیک کاخ سفید، مقابله با تهدید شوروی بدون توجه به دیگر مشکلات بوده است. یک مقام کاخ سفید نیز گفت: ویلیام کیسی، جان یونید کستر و دانت فورتی، طرفدار این نظریه بودند که یک سلسله عملیات سری منظم می‌تواند به تغییرات ژئوپولتیکی عمده‌ای در منطقه، چون گشایش راهی برای ارتباط با -

این وضعیت، از سوی محافل مختلف و کارشناسان به عنوان یک پیروزی دیپلماتیک و تبلیغاتی برای ایران تلقی شد.^{۱۸} متحدین آمریکا در اروپا با توجه به عمق و وسعت بحران در کاخ سفید، نسبت به تداوم آن تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا در سال ۱۹۸۸ (۱۳۶۷) و تاثیرات آن بر روابط آمریکا و کشورهای منطقه خاورمیانه، عمیقاً نگران و مضطرب بودند.^{۱۹}

شوروی‌ها ضمن استفاده از پیدایش وضعیت جدید، به نحو آشکاری حوزه فعالیت‌های خود را برای ارتقاء موقعیتشان در برابر آمریکا گسترش دادند.^{۲۰} بهبود مناسبات با کشورهای منطقه و ارتقاء سطح روابط، در شرایطی که این کشورها عمیقاً نسبت به آمریکا بی‌اعتماد شده بود، تنها بخشی از بهره‌برداری روسها بود. عمده‌ترین قسمت آن نیز گسترش روابط با عراق محسوب می‌شد.

در این میان، آمریکاییها برای به دست گرفتن ابتکار عمل و جبران کاستیها و شکستهای ناشی از افشای ماجرای مک فارلین، بر تلاشها و اقدامات خود افزودند.^x چنانکه مک فارلین از دولت آمریکا درخواست

← ایران بیانجامد. این عملیات تا حدود زیادی بدون مشورت با کارشناسان منطقه در وزارت دفاع ایالات متحده، وزارت امور خارجه و حتی برخی از اعضای شورای امنیت ملی طرحریزی شد»

(نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی، ۶۵/۱۰/۲۳، به نقل از رادیو آمریکا)

x در پی بروز حوادث مزبور، وزارت خارجه آمریکا به تلاش افتاد و ریچارد مورفی را به منطقه اعزام کرد. رادیو آمریکا در تاریخ ۶۵/۱۰/۱۶ در حالی که سعی می‌کرد مسئله اصلی ماجرا را فروش تسلیحات به ایران جلوه دهد، در مورد سفر مورفی گفت:

«مدیر کل وزارت خارجه آمریکا در سفرش به خاورمیانه خواهد کوشید به دوستان آمریکا اطمینان دهد که فروش تسلیحات از آمریکا به رژیم اسلامی ایران، انحرافی در سیاست ایالات متحده بود که دیگر تکرار نخواهد شد. مقامات امریکایی می‌گویند: ریچارد مورفی سه مسئله اصلی

را با رهبران اردن و مصر در میان خواهد گذاشت: ←

کرد که : « یک برنامه چهار ماده‌ای را جهت به دست گرفتن ابتکار عمل در سیاست خارجی خود آغاز کند . »^{۲۱}

محور اصلی اقدامات آمریکا ، علاوه بر تلاشهای سیاسی و تبلیغاتی ، افزایش کمک به عراق به منظور (تشدید فشار به ایران) و ممانعت از پیروزی ایران در جنگ بود .^x

تشدید فشار به ایران در واقع برای جبران ماجرای مک فارلین و نشان دادن حسن نیت آمریکا به متحدین آن کشور به منظور پایان دادن به جنگ انجام می‌گرفت . وزیر خارجه آمریکا در چارچوب همین سیاست اعلام داشت :

« کاستن از توان نظامی ایران که طرف سرکش این جنگ است ، می‌تواند به دستیابی یک راه حل از طریق مذاکره کمک کند . »^{۲۲}

همچنین پس از آن که آمریکاییها از سوی عراق متهم به ارائه اطلاعات غلط به این کشور شدند ، اجباراً برای خنثی کردن جو ناشی از آن به بخشی از کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق در طول جنگ اعتراف کردند . آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه نماز جمعه ، با اشاره به علت افشای کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق ، اظهار داشت :

« افشای تلاش آمریکا در برقراری روابط با ایران ، کشورهای غربی

← ۱ - مسائل منطقه‌ای که شامل جنگ خلیج فارس ، اوضاع لبنان و مشکل فلسطینیان است .

۲ - درک موقعیت کنونی خاورمیانه و دورنمای احیای آن .

۳ - روابط دوجانبه میان کشورهای خاورمیانه به ایالات متحده از جمله کمکهای خارجی .

(بولتن رویدادها ، دفتر سیاسی سپاه ، شماره ۱۲۸ ، ۶۵/۱۰/۲۴)

x جورج شولتز وزیر خارجه آمریکا طی یک موضعگیری رسمی اعلام کرد :

« آمریکا می‌کوشد تا از پیروزی جمهوری اسلامی ایران در جنگ خارجی جلوگیری کند . »

(روزنامه رسالت ۶۵/۹/۲۶)

را سرخورده کرد و برای اینکه آنها بیشتر از آمریکا ناامید نشوند ،
آمریکاییها مجبور به اعتراف به اعطای کمکهای اطلاعاتی به عراق در
رابطه با هدف قرار دادن تاسیسات حیاتی ما شدند .^{۲۳} «

در واقع ، موقعیت سیاسی - نظامی ایران پس از فتح فاو ، بویژه متعاقب
افشای ماجرای مک فارلین به گونه‌ای بود که آمریکاییها تداوم آن را ، با توجه
به تبلیغات ایران مبنی بر انجام عملیات سرنوشت ساز ، به زیان خود تلقی
می‌کردند . بنابراین ، با هدف کاهش توان نظامی ایران و قبولاندن ضرورت
مذاکره به عنوان تنها راه حل در پایان بخشیدن به جنگ ، اقداماتی را آغاز
کردند که بخش مهم آن ارائه کمکهای اطلاعاتی و مستشاری به عراق برای
حمله به مراکز حیاتی صنعتی و اقتصادی ایران بود . در این زمینه ، خبرنگار
شبکه سی . بی . اس آمریکا طی گزارشی گفت :

« دولت ریگان به یک مقاطعه‌کار نظامی چراغ سبز داده که با عقد
قراردادی با عراق ، این کشور را در توسعه یک استراتژی جهت
جلوگیری از پیروزی ایران در جنگ یاری نماید . قرار است شرکت
آی . بی . ام که مقامات آن را افسران نظامی بازنشسته آمریکا تشکیل
می‌دهند ، طی همکاری مستقیم با وزارت دفاع عراق طرحی را برای این
کشور ابداع نماید که براساس آن عراق بتواند از برتری نیروی هوایی
خود استفاده کند . بنابراین گزارش ، قرارداد پیشنهادی شامل ابداع
طرحهایی است جهت تهاجم هوایی به خطوط حیاتی ارتباطات دفاعی
ایران ، انبار مهمات مملو از گلوله‌های توپ ایران که از بازار سیاه
خریداری نموده ، پالایشگاهها و ایستگاههای پمپ نفت که منبع اصلی
درآمد ایران است و نیز کاروانه‌هایی که از شهرها برای امواج انسانی
ایران نیرو و آذوقه می‌آورند .^{۲۴} «

همچنین نشریه میدل ایست اینترنشنال به نقل از خبرگزار بی . بی . سی

نوشت :

« یک افسر عالی‌رتبه آمریکایی که در بغداد اقامت دارد به نیروی هوایی رژیم عراق کمک اطلاعاتی می‌دهد. حمایت آمریکا از عراق تنها به مسائل سیاسی محدود نمی‌شود و مسائل نظامی را نیز در برمی‌گیرد. از جمله باید از اطلاعات کسب شده از هواپیماهای آواکس و ماهواره‌های آمریکایی که مستقیماً در اختیار مقامات رژیم عراق قرار می‌گیرد نام برد. »^{۲۵}

تنش در روابط عراق و آمریکا

در این میان، تلاشها و اقدامات آمریکا نتوانست اعتماد عراق به آمریکا را مجدداً جلب نموده و تنش موجود در روابط آنها را کاهش دهد. تحت چنین شرایطی، افشای ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق توسط روزنامه نیویورک تایمز که تحت تاثیر تنشهای داخلی آمریکا انجام گرفت، بر تیرگی روابط افزود. نیویورک تایمز به نقل از مقامات وزارت خارجه^x آمریکا نوشت:

« مقامات وزارت امور خارجه آمریکا ماه گذشته گفتند که ایالات متحده ظرف دو سال گذشته گهگاه اطلاعاتی نظامی در اختیار عراق قرار می‌داد، اما هیچ نشانه‌ای در مورد نادرست بودن آن اطلاعات بروز نمی‌داد. هدف از دادن این اطلاعات نظامی جلوگیری از پیشروی قطعی ایران در جنگ خلیج فارس بود. »^{۲۶}

x نشریه نیویورک تایمز ارائه کننده نظریات وزارت خارجه آمریکا است. از آنجا که ماجرای مک فارلین تحت رهبری شورای امنیت آمریکا صورت می‌گرفت، این اقدام نشریه نیویورک تایمز انتقادی از سوی وزارت خارجه نسبت به شورای امنیت آمریکا تلقی می‌شد.

سخنگوی کاخ سفید بلافاصله طی مصاحبه‌ای، ضمن تکذیب مطالب مندرج در نشریه نیویورک تایمز، سیاست جدید آمریکا را چنین بیان کرد:

«سیاست آمریکا در حال حاضر این نیست که اطلاعات گمراه کننده‌ای در اختیار ایران و عراق قرار دهد. در این زمینه که آیا آمریکا در گذشته چنین اقدامی به عمل می‌آورد، اطلاعی ندارد. ایالات متحده خواستار طولانی شدن جنگ نیست و برعکس خواهان پایان صلح‌آمیزی است که در آن بازنده یا برنده‌ای در کار نباشد و ثبات را در منطقه خلیج فارس برقرار سازد.»^{۲۷}

طه‌یاسین رمضان مرد شماره ۲ عراق نیز طی مصاحبه‌ای ضمن موضعگیری نسبت به آمریکا، در مورد ماهیت و نتایج ارائه اطلاعات غلط به عراق اظهار داشت:

«اطلاعات نادرستی و مخدوشی که ایالات متحده عمداً در اختیار ارتش عراق قرار داده به قیمت جان هزاران سرباز عراقی تمام شده است... عراق نخستین بار در فوریه گذشته (بهمن سال ۶۴) به درستی اطلاعات دریافت شده مضمون شد و آن هنگامی بود که ایالات متحده تاکید می‌کرد که ایران به منطقه‌ای در مرکز جبهه مرزی ایران و عراق حمله خواهد کرد، در صورتی که ایران به فاو در گوشه جنوبی عراق حمله برد.»^{۲۸}

اظهارات طه‌یاسین رمضان و ابعاد این ماجرا مورد توجه محافل سیاسی و خبری قرار گرفت. روزنامه وال استریت ژورنال در تفسیر این اظهارات نوشت:

«اگر اظهارات طه‌یاسین رمضان درست باشد و اطلاعات نادرست در اختیار اردن و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز گذاشته شده باشد، به نظر می‌رسد که ایالات متحده نه فقط به ایران و عراق بلکه به

چند کشور اطلاعات نادرست داده و مسلماً بیش از پیش به اعتبار ایالات متحده در خاورمیانه لطمه خواهد خورد. ^{۲۹} «

در بخش دیگری از تفسیر این نشریه آمده بود :

« مقامات اردنی هفته پیش کوشیدند عراق را قانع سازند که شاید تجزیه و تحلیل ایالات متحده از آن اطلاعات نادرست بوده و آمریکا واقعاً قصد نداشته عراق را فریب دهد. ^{۳۰} «

تبعات اقدام آمریکا و بی‌اعتمادی حاصله از آن مورد تاکید نویسنده وال استریت ژورنال قرار گرفته بود :

« ظن و شکی که آقای رمضان نسبت به ایالات متحده ابراز کرد ، نشانه‌ای از عدم اعتماد عمیق عراق و دیگر کشورهای خاورمیانه نسبت به آمریکا است و از افشای این امر ناشی می‌شود که ایالات متحده با فروش اسلحه به ایران جهان را فریب داد. ^{۳۱} «

در پی این وضعیت ، آمریکاییها کوشش وسیعی را برای جبران کاستیها و نواقص سیاستهای پیشین خود به عمل آورده و با ارائه اطلاعات از مراکز اقتصادی ایران ، مساعدتهای لازم را نسبت به حملات هوایی عراق به مراکز اقتصادی و صنعتی ایران اعمال نمودند ، چنانکه نشریه ساندی تلگراف پس از حمله هوایی عراق به نیروگاه نکا نوشت :

« دیپلماتها در بغداد معتقدند که کمک اطلاعاتی آمریکا به عراق ، این کشور را قادر ساخت تا به تاسیسات اقتصادی ایران مثل نیروگاه نکا ضربه وارد کند. ^{۳۲} «

در واقع ، آمریکاییها در وضعیتی انفعالی کوشیدند تا با افزایش ارائه اطلاعات به عراق ، تبعات ناشی از ناخشنودی از آمریکا را جبران نمایند چنانکه در ابتدا عراقیها نیز همین انتظار را از آمریکا داشتند . با اقدامات جدید آمریکا روند مناسبات این کشور با عراق مجدداً رو به بهبود نهاد ، هر

چند عراق می‌کوشید با وضعیت پیش آمده بیشترین امتیازات را از آمریکا دریافت دارد. پس از شکست عملیات کربلای ۴ وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت :

« ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می‌کنیم. اما به آنان خاطر نشان می‌سازیم که در مقایسه با برخوردشان با ایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است. »^{۳۳}

بلافاصله پس از آغاز عملیات کربلای ۵ و پیروزی بزرگ ایران در این عملیات، عراق که بار دیگر فریب‌خورده بود بنا به استنباط گذشته مبنی بر ارائه اطلاعات غلط از سوی آمریکا به عراق، مجدداً مناسبات دو کشور رو به تیرگی نهاد.

پذیرش اتهامات عراق برای آمریکا، نظر به عواقب آن، غیرقابل تحمل بود. چون آمریکاییها با کمک اطلاعاتی مجدد به عراق و سایر اقدامات در نظر داشتند تا ضمن زدودن آثار افشای ماجرای مک فارلین از چهره سیاست خارجی متشکست آمریکا، مجدداً ابتکار عمل را در منطقه به دست گیرند. بنابراین، روزنامه واشنگتن پست که نماینده محافل دست راستی آمریکا محسوب می‌شود، ضمن پاسخ به اظهارات طه یاسین رمضان، اتهامات وی مبنی بر اینکه عامل شکست نیروهای عراق در جبهه‌های جنگ بویژه جزیره فاو، آمریکا بوده است را به نقل از دپیلماتها و مقامات غربی رد نموده و نوشت :

« تحلیلگران غربی معتقدند که نبرد فاو بهترین نمونه بهره‌برداری نیروهای مهاجم از ضعف خطوط دفاعی دشمن بود و رمضان با چنین ادعایی سعی دارد تقصیر شکستهای نظامی خود را به گردن آمریکا بیندازد. »^{۳۴}

همچنین روزنامه واشنگتن پست به نقل از یک مقام عالی‌رتبه غربی نوشت :

« بدون تردید آبروی رمضان رفته بود ، زیرا این نیروهای جیش‌الشعبی بودند که در فاو خطوط دفاعی را لو داده و شکست خوردند .^{۳۵} »
 از سوی دیگر ، این روزنامه از قول شولتز وزیر خارجه آمریکا نوشت :
 « این ادعا که ما عملاً اطلاعات غلط در اختیار عراقیها گذاشته‌ایم کاملاً نادرست است . »

واشنگتن‌پست در ادامه همین مطلب افزود :

« در آن هنگام (نبرد فاو) عکسهای ماهواره‌ای آمریکا نشان می‌داد که بیشترین تمرکز سلاحهای سنگین ایران بسیار بالاتر از فاو ، در حوالی منطقه باتلاقی هویزه ، در تقاطع رودهای دجله و فرات واقع شده و همه فکر می‌کردند که تهاجم عمده ایران در منطقه هویزه است . آمریکا همچنان به عراق اطلاعات جاسوسی می‌دهد و فرماندهی نظامی عراق تا به حال هیچگونه گله و شکایتی در مورد کیفیت اطلاعات دریافتی در مورد تهاجم جاری ایران[×] نکرده است .^{۳۶} »

به رغم تلاشها و اقداماتی که از سوی محافل خبری برای توجیه سیاست اطلاعاتی آمریکا در برخورد با ایران و عراق صورت گرفت ، جناحهای رقیب داخلی ، بیش از پیش دولت ریگان را تحت فشار قرار می‌دادند . چنانکه واینبرگر وزیر دفاع وقت آمریکا طی مصاحبه‌ای با خبرنگاری فرانسه گفت :

« به من گفته شد که حداقل یکبار برخی اطلاعات در اختیار ایران قرار گرفته است .^{۳۷} »

پس از اظهارات فوق واشنگتن‌پست بلافاصله نوشت :

× اشاره به اطلاعات دقیقی است که در مورد عملیات کربلای ۴ از سوی آمریکا در اختیار عراق قرار گرفت .

« سرهنگ الیورنورث به تهران اطلاعات فوق محرمانه داده بود . پیامهای الکترونیک مخابره شده توسط نورث نشان می‌دهد که وی اطلاعات طبقه بندی شده‌ای را تحت نام نوفورم به ایران داده است . این علامت نشان می‌دهد که اطلاعات یاد شده نمی‌بایست توسط هیچ قدرت خارجی رویت شود . نورث حداقل دو بار اطلاعاتی را در اختیار واسطه‌های ایران قرار داده است . »^{۳۸}

بنابراین ، بدیهی به نظر می‌رسید که این‌گونه اظهارات از سوی مقامات رسمی آمریکا ، عراق را به طور مضاعف دچار تردید و ابهام نماید ، لذا برتنش روابط عراق و آمریکا افزوده‌شد و همچنانادامه‌یافت . این وضعیت علاوه بر آنکه موجب ناتوانی بیشتر آمریکا در به دست گرفتن ابتکار عمل در جنگ گردید ، متقابلاً عراق را بیش از پیش به سمت شوروی برای یافتن نقطه اتکاء جدید سوق داد و آمریکا در برخورد با عراق در وضعیت بسیار دشوار و پیچیده‌ای قرار گرفت . در این شرایط متحدان اروپای آمریکا ، با اقدامات خود ، از بازگشت کامل عراق به دامن شوروی جلوگیری کردند . فرانسه ، آلمان ، انگلیس و سایر کشورهای اروپای غربی بیش‌ازپیش به تقویت بنیه نظامی عراق پرداختند تا ضمن ممانعت از بهره‌برداری شوروی ، موفقیهای ایران را ، خصوصاً در عملیات والفجر ۸ و کربلای ۵ ، خنثی نمایند .

گسترش تهاجمات هوایی عراق

در شرایطی که سیل کمکهای تجهیزاتی و اطلاعاتی به عراق شروع شده بود ، حملات هوایی به مناطق غیرنظامی به نحوه گسترده‌ای آغاز شد . دشمن در مرحله اول منابع تامین برق کشور را هدف قرار داد و به دنبال آن سایر مراکز صنعتی و اقتصادی کشور را زیر بمباران گرفت . تهاجم هوایی جدید با طرح و کمکهای اطلاعاتی آمریکا و بمب‌افکن‌های شوروی انجام می‌شد .

شوروی‌ها نگران از اقدامات آمریکا و با اندیشه به تسلیم کشاندن تهران ، عراق را در جنگ هوایی بشدت تقویت کردند . تفسیر نشریه ساندی تایمز از این جریان ، دلیلی بر صحت این مدعاست :

« به نظر می‌رسد افشای حمایت تسلیحاتی ایران از سوی آمریکا و اسرائیل ، ماشه حملات ناگهانی و سنگین عراق به منابع و مراکز صنعتی و نظامی ایران را چکانده باشد . »^{۳۹}

همچنین ، برداشت عراق از توافقات احتمالی ایران و آمریکا در چارچوب پایان بخشیدن به جنگ که ممکن بود به حذف صدام بیانجامد ، موجب گردید تا رژیم عراق نسبت به این جریان عکس‌العمل نشان دهد . نشریه ساندی تایمز نوشت :

« تماسهای آمریکا و ایران و ارسال تجهیزات آمریکایی به ایران ، آینده صدام حسین را زیر سؤال برده است . تشدید حملات هوایی عراق به ایران در واقع تلاش صدام حسین برای قدرت‌نمایی است . »^{۴۰}

در عین حال ، شواهد و قرائن دیگری وجود داشت که نشان می‌داد علاوه بر اهداف جدید شوروی و انگیزه‌های عراق از حملات گسترده هوایی از مدتها قبل از عملیات هوایی علیه ایران ، توسط آمریکا طرح‌ریزی شده است . بعدها روزنامه نیویورک تایمز در این مورد نوشت :

« در سال ۱۹۸۶ (۱۳۶۵) کیسی طرحی را تنظیم کرده بود که صدام را تشویق به فشار به تهران کند .

در تابستان همین سال بوش طی دیدار از خاورمیانه از شاه حسین و حتی مبارک خواست تا پیام این طرح را به صدام حسین منتقل کنند .

براساس این طرح تهران مجبور می‌شد برای خرید موشک و سایر سلاحهای دفاعی به واشنگتن روی آورد و در نتیجه به آمریکا برای آزادی گروگانها در لبنان امتیاز بدهد .

بعد از انتقال پیام ، عراق ۳۵۹ ماموریت بر فراز جمهوری اسلامی انجام داد و تاسیسات مهم نفتی ایران را منهدم کرد .^{۴۱}

در واقع ، آمریکاییها قبل از سفر مک فارلین به ایران مایل بودند موقعیت برتر سیاسی و نظامی ایران را تضعیف کرده و به هنگام انجام مذاکرات در تهران ، از موقعیت بهتری برخوردار باشند . عراقیها نیز با توجه به وضعیت رو به تزلزل روحی - روانی خود که ناشی از شکست در فاو بود ، چنین می پنداشتند که وارد ساختن فشار نظامی به ایران ، علاوه بر تامین نظریات آمریکاییها ، منافع عراقیها را نیز می تواند تامین نماید . بر همین اساس ، عراقیها به اجرای « استراتژی دفاع متحرک » مبادرت ورزیدند . لیکن شکست این طرح از یکسو و ناکامی مک فارلین در سفر به تهران از سوی دیگر ، طرح از پیش تعیین شده دیگری را مبنی بر « انهدام امکانات نظامی ایران با حمله به هدفهای حیاتی » در دستور کار قرار داد . اظهارات حمیدشعبان فرمانده نیروی هوایی عراق دلالت بر صحت این نظر دارد . وی در این خصوص گفته بود :

« انهدام امکانات نظامی و هدفهای حیاتی ایران براساس نقشه‌هایی که قبلاً توسط نیروی هوایی عراق تهیه و آماده شده است ، انجام خواهد گرفت . »^{۴۲}

همچنین فرمانده نیروی هوایی عراق در مصاحبه‌ای با مجله الدستور ، با اشاره به اهداف عراق از حملات هوایی و طرحریزی عراق برای مراحل بعدی اظهار داشت :

« ضرباتی که هواپیماهای عراقی بر هدفهایشان در ایران وارد ساختند ، براساس انهدام سریع تکیه‌گاههای دشمن ایرانی بود . اجرای نخستین مرحله از این طرح چند مرحله‌ای با موفقیت انجام گرفت و ما مدتی است که در مورد اجرای مرحله دوم این طرح به بررسی پرداخته‌ایم

تا باقیمانده امکانات انسانی و اقتصادی و نظامی دشمن ایرانی را تحلیل دهیم و دشمن در هر مرحله شاهد انجام عملیات شدیدتری خواهد بود. ما در روزهای آینده به اجرای کامل این طرح خواهیم پرداخت و بی‌وقفه به آن ادامه خواهیم داد. ^{۴۳}»

کمکها و مساعدتهای آمریکا نیز در این زمینه بی‌تاثیر نبود. آمریکاییها برای جلب مجدد اعتماد عراقیها و رفع تنش در روابط بغداد - واشنگتن و همچنین تشدید فشار به ایران، کمکهای اطلاعاتی گسترده‌ای را در اختیار عراق قرار دادند.

روزنامه وال استریت ژورنال ضمن تفسیر اظهارات طه یاسین رمضان مبنی بر ارائه اطلاعات نادرست از سوی آمریکا به عراق و نقش آن در روابط دو کشور نوشت:

«به‌رغم تمامی این تحولات، عراق هنوز هم از ایالات متحده اطلاعاتی دریافت می‌کند که دیپلماتهای غربی، با توجه به موفقیت شدیداً روبه‌افزایش حملات هوایی اواخر سال گذشته عراق علیه هدفهای اقتصادی و تاسیسات نفتی و نیروگاههای برقی ایران، برای آن اعتبار قائلند. ^{۴۴}»

روزنامه میدل ایست اینترنشنال نیز اعتراف کرد که کمکهای اطلاعاتی آمریکا به عراق، توسط یک افسر عالی‌رتبه در بغداد صورت می‌گیرد:

«یک افسر عالی‌رتبه آمریکا در بغداد، در انتخاب اهدافی که هواپیماهای عراق باید در ایران بمباران کنند، به طراحان کمک می‌کند. ^{۴۵}»

آمریکاییها که به خاطر تاثیرات پیروزی نظامی ایران در افزایش تشنّت سیاست خارجی آمریکا در منطقه، عمیقاً نگران و مضطرب بودند، از هرگونه اعمال فشار به ایران استقبال می‌کردند، زیرا این امر علاوه بر تضعیف موقعیت سیاسی - نظامی ایران، بخشی از بحرانهای ناشی از شکست سیاست آمریکا را جبران می‌کرد.

منابع و مأخذ فصل چهارم

- ۱ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی ، « بررسی مطبوعات جهان » ، شماره ۱۱۹۸ و ۱۳۶۵/۹/۱۹ .
- ۲ - پیشین ، نشریه ریپورت ، لندن .
- ۳ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۴/۲۳ ، نشریه نیوزویک .
- ۴ - پیشین .
- ۵ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » .
- ۶ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۸/۲۴ .
- ۷ - پیشین .
- ۸ - روزنامه ابرار ، ۱۳۶۵/۸/۲۴ .
- ۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۸/۱۹ ، مسکو ، خبرگزاری فرانسه (۱۳۶۵/۸/۱۸) .
- ۱۰ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، شماره ۵۷ ، ۱۳۶۵/۹/۱۰ .
- ۱۱ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۸/۲۶ ، رادیو بی . بی . سی ، ۱۳۶۵/۹/۲۵ .
- ۱۲ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۸/۲۹ ، رادیو مسقط .
- ۱۳ - پیشین .
- ۱۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۹/۲ .
- ۱۵ - پیشین .
- ۱۶ - مأخذ شماره ۱۴ .
- ۱۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۹/۵ ، به نقل از سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا .
- ۱۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۹/۹ ، واشنگتن ، خبرگزاری جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۹/۸ .
- ۱۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۹/۲۴ ، لوکتیدین دوپاری .
- ۲۰ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، رادیو آمریکا ، ۱۳۶۵/۹/۲۴ ، به نقل از روزنامه کریستین ساینس مانیتور .
- ۲۱ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۹/۲۴ ، واحد مرکزی خبر ، ۱۳۶۵/۹/۲۳ .
- ۲۲ - روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۹/۲۷ .
- ۲۳ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۹/۲۹ .
- ۲۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۸/۲۴ .
- ۲۵ - روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۳۶۵/۹/۲۲ .
- ۲۶ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ ، رادیو آمریکا ، ۱۳۶۵/۱۰/۲۲ .
- ۲۷ - پیشین .
- ۲۸ - روزنامه کیهان ، ۱۳۶۵/۱۰/۲۴ ، رادیو آمریکا .
- ۲۹ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۱۰/۲۴ ، وال استریت ژورنال .
- ۳۰ - پیشین .
- ۳۱ - مأخذ شماره ۲۹ .
- ۳۲ - معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، بولتن « بررسی » ، شماره ۱ ، اسفند ۱۳۶۶ .
- ۳۳ - پیشین .
- ۳۴ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۱۱/۶ ، به نقل از خبرگزاری جمهوری اسلامی .
- ۳۵ - پیشین .
- ۳۶ - مأخذ شماره ۳۴ .
- ۳۷ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۱۲/۱ .
- ۳۸ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشهای ویژه » ، ۱۳۶۵/۱۲/۳ ، روزنامه واشنگتن پست (۶۵/۱۲/۲) .

- ۳۹ - مأخذ شماره ۳۲ .
- ۴۰ - مأخذ شماره ۳۲ .
- ۴۱ - روزنامه جمهوری اسلامی ، ۱۳۷۱/۸/۴ .
- ۴۲ - پیشین .
- ۴۳ - اداره کل مطبوعات وزارت ارشاد اسلامی ،
- « بررسی مطبوعات جهان ، شماره ۱۲۱۱ ،
- ۶۵/۱۱/۲ .
- ۴۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، ۶۵/۱۰/۲۴ .
- ۴۵ - دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ،
- بولتن « رویدادها » ، شماره ۱۲۴ ، ۶۵/۹/۲۶ .

<http://www.ciw8.net>

فصل پنجم

عملیات کربلای ۴

□ نگاهی به عملیات

□ علل عدم موفقیت عملیات

□ بازتاب عملیات

<http://www.civno.net>

<http://www.ciw8.net>

عملیات کربلای ۴

نگاهی به عملیات

پس از ده ماه بسیج امکانات و مقدمات کشور و استفاده از تبلیغات گسترده و وسیع مبنی بر « تعیین سرنوشت جنگ » در شرایطی که منابع صنعتی و اقتصادی و مراکز آب و برق کشور هدف بمباران شدید و گسترده دشمن قرار داشت ، عملیات کربلای ۴ در تاریخ ۶۵/۱۰/۳ با چهار قرارگاه به نامهای نجف ، قدس ، کربلا و نوح آغاز شد .

البته به عللی ، نیروهای خودی برخلاف پیش‌بینی‌های قبلی در همان شب اول تنها توانستند در جزایر سهیل ، قطعه ، ام‌الرصاص ، ام‌البابی و بلجانیه نفوذ کنند و در بعضی مناطق به صورت موضعی رخنه نمایند .

دشمن علاوه بر استفاده از اطلاعاتی که توسط آمریکا (به جبران حادثه ایران گیت) در اختیارش گذاشته شده بود ، از هوشیاری کامل برخوردار بود . لذا با استفاده از تاکتیکهای ضد غواص و شناور ، مانع از انجام عملیات براساس پیش‌بینی‌های قبلی شد . دشمن از همان شب عملیات با

استفاده از منوره‌های پیاپی و اجرای چند مورد بمباران کنار نهر عرایض (عقبه برخی از یگانها) و همچنین اجرای آتش مؤثر بر روی رودخانه اروند ، عملاً سازمان نیروهای غواص و موج دوم و سوم را به هم زد ، به طوری که نیروهای یگانهای مجاور بعضاً پراکنده شده و عمدتاً نمی‌توانستند به طور دقیق روی هدف عمل نمایند .

یکی از مناطق حساس عملیات ، جزیره ام‌الرصاص و نوک بوارین بود که به رغم کوششهای بسیاری که برای تصرف آن صورت گرفت ، به خاطر هوشیاری دشمن امکان ادامه درگیری از میان رفت . دشمن با شلیک آتش تیربار روی آب به صورت ضربدري و با حجم زیاد ، مانع عبور نیروها از تنگه ام‌الرصاص - بوارین شد . ضمناً دشمن بنا به حساسیتی که نسبت به جزیره ام‌الرصاص داشت ، در پدافند آن از ۹ رده مانع طبیعی و مصنوعی بهره‌گیری می‌کرد ، به طوری که از هر خط عقب رانده می‌شد در خط بعدی که نسبت به خط قبلی اشرف و تسلط داشت مقاومت می‌کرد . به رغم کوششهای بسیار ، به خاطر هوشیاری دشمن ، عملاً ادامه نبرد بدون اینکه چشم انداز روشنی داشته باشد با مشکلات عدیده‌ای توأم شد ، لذا به منظور حفظ قوا و طراحی مجدد عملیات آتی ، از ادامه نبرد اجتناب شد .

علل عدم موفقیت عملیات

در میان عوامل متعددی که سرنوشت عملیات کربلای ۴ را رقم زد دو عامل بیش از بقیه تعیین کننده بود :

الف : افشا شدن عملیات

نحوه برخورد نظامی عراق با عملیات کربلای ۴ و اظهارات بعدی مقامات نظامی این کشور دلالت بر این داشت که وسیله هوشیاری دشمن

صرفاً مشاهده تحرکات نیروهای ایرانی نبود، بلکه آنها عمدتاً بر اطلاعات واصله از دستگاه جاسوسی آمریکا تکیه داشتند.^x

چنانکه قبلاً اشاره شد، در آن مقطع ارائه اطلاعات نظامی به عراق و مقابله با هرگونه پیروزی جمهوری اسلامی، به عنوان یک مسئله اساسی و اصولی برای آمریکا مطرح بود چون با تزلزل حاکمیت عراق، روسها از موقعیت به دست آمده نهایت بهره‌برداری را می‌نمودند.

اظهارات بعدی برخی از مقامات عراقی در مورد اهداف عملیات و نتایج آن حاکی از آن است که اطلاعات ارسالی به عراق حاوی نکات قابل ملاحظه‌ای بوده است:

«هدف ایران شهر بصره بوده و هست..... ایرانیها اگر موفق می‌شدند هدفهای خود را تحقق بخشند، ارتباط میان سپاه سوم و هفتم را قطع می‌کردند و تمام فاو و خور عبدالله و شمال بصره را به اشغال خود در می‌آوردند. علت شکست کنونی این است که ما آماده بودیم و نقشه‌های لازم را طرح کردیم.... و از درسهای فاو استفاده نمودیم.»^۱

نکته قابل توجه در اظهارات بعدی عدنان خیرالله، اشاره مستقیم وی به اطلاعات واصله از آمریکا بود.

وزیر دفاع عراق ضمن تشکر از آمریکا اظهار داشت:

«ما به خاطر این اطلاعات از آنان تشکر می‌کنیم. اما به آنان خاطر نشان می‌کنیم که در مقایسه با برخوردشان با ایران، در این مورد تعادل برقرار نبوده است.»^۲

x دشمن با استفاده از اطلاعات استراتژیک که از سوی آمریکا در اختیارش گذاشته شد، توانست از اطلاعات تاکتیکی نیز بهره‌گیرد و با در نظر گرفتن اقدامات نیروهای ایرانی در منطقه، تحرکات خودی را تعقیب کند.

ب : استفاده از تجارب عملیات فاو توسط عراق

اتخاذ استراتژی دفاع متحرک علاوه بر اهداف اصلی ، ناظر بر این امر بود که دشمن با ایجاد تأخیر در عملیات بعدی جمهوری اسلامی که مرتباً تبلیغات آن نیز در سطح کشور صورت می گرفت ، تلاش کرد تا از یکسو زمین عمومی منطقه فاو تا بصره را مسلح نماید و امکان ادامه عملیات فاو را در این منطقه از بین ببرد و از سوی دیگر تدبیری برای مقابله با تاکتیکهای ویژه آن عملیات بیندیشد .

عراقیها طی فرصت حاصله توانستند با توجه به تاکتیک نیروهای سپاه برای عبور از رودخانه که عمدتاً متکی به نیروهای غواص بود و با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت جزر و مد آب ، تاکتیکهای جدیدی را برای مقابله با نیروی غواص اتخاذ کنند . بنابراین ، در آستانه عملیات کربلای ۴ دشمن با استفاده از یک فرصت ده ماهه با مسلح کردن زمین منطقه ، ایجاد مواضع و استحکامات در ساحل رودخانه و همچنین آرایش سلاح برای پوشاندن سطح آب جهت ممانعت از حرکت نیروهای غواص و سایر اقدامات ، از آمادگی لازم برای مقابله با تهاجم رزمندگان اسلام برخوردار شده بود .

بازتاب عملیات کربلای ۴

عراقیها که از مدتها قبل نسبت به اجرای عملیات گسترده و سرنوشت ساز از سوی ایران ، در اضطراب و نگرانی بودند ، بلافاصله پس از عدم حصول نتیجه مطلوب ایران از عملیات مزبور ، تبلیغات وسیعی را مبنی بر شکست نبرد سرنوشت ساز

آغاز کردند . عراقیها با تاکید برگسترده‌گی این عملیات با هدف تصرف بصره ، در نظر داشتند بر پیروزی عراق تاکید نمایند . فرمانده سپاه هفتم عراق طی مصاحبه‌ای ، در مورد عملیات اظهار داشت :

« هدف ایران از حمله اخیر به خاک عراق ، اشغال منطقه بصره و یکسره کردن جنگ به نفع خود بود حمله اخیر ایران یک حمله گسترده و وسیع بود و شکست آن موجب متلاشی شدن نیروهای ایران گردید . اما این بدان معنا نیست که ایران بار دیگر نیروهای خود را جمع‌آوری نکرده و به عراق حمله نکند . »

فرمانده سپاه سوم عراق نیز طی مصاحبه‌ای ، با اشاره به تاکتیک عملیات و عواقب زیان‌آور آن برای عراق در صورت پیروزی ایران ، گفت :

« ایرانیان در حمله اخیر خود تلاش کرده‌اند سپاه هفتم را از سپاه سوم عراق جدا کنند و سپس از دو محور شلمچه و تنومه ، در نخلستانهای منطقه بصره نفوذ کنند در صورتی که ایرانیان موفق می‌شدند از نخلستانهای شلمچه و تنومه به سوی بصره راه یابند ، برتری هوایی و زرهی عراق در این منطقه فلج می‌شد ، زیرا منطقه خاکی و پراز نخلستان می‌باشد . »

وی سپس قطع ارتباط سپاههای سوم و هفتم را یک وضعیت خطرناک برای ارتش عراق توصیف کرد و گفت :

« خطرناکترین محور عملیاتی جنوب ، حدّ فاصل مرزهای مشترک میان سپاههای هفتم و سوم می‌باشد ، زیرا از طریق سپاه سوم می‌توان به منطقه شلمچه نفوذ کرد و از آنجا به ابوالخصیب و سپس به بصره راه یافت و از منطقه سپاه هفتم می‌توان با نفوذ به عمق آن ، به پشت سپاه هفتم رسید . »^۳

در میان عکس‌العمل‌هایی که به دنبال عملیات کربلای ۴ در محافل سیاسی - نظامی و رسانه‌های عمومی جهان به وجود آمد، هیاهوی تبلیغاتی عراق مبنی بر شکست عملیات سرنوشت ساز، بیش از سایر مسائل مورد توجه قرار گرفته و اظهارات گوناگونی را سبب گردید. در مرحله اول، برخی از رسانه‌ها سر و صدای زیاد عراق را بنا به وضعیت خاص سیاسی حاکمان عراق، تلاش در جهت افزایش ثبات سیاسی - نظامی و تقویت روحیه ارتش عراق تلقی کردند، چنانکه روزنامه دی ولت نوشت:

« سروصدای زیاد عراق مبنی بر کست پیروزی، برای دامن زدن به جنگ روانی است. این گونه اعمال برای تقویت روحیه مردم عراق خود دلیلی برخسته بودن مردم این کشور از جنگ می‌باشد. »^۴

در همین زمینه، روزنامه تایمز مالی اقدامات تبلیغاتی عراق را به عنوان کودتای تبلیغاتی برای صدام ذکر کرده، نوشت:

« دیپلماتها در بغداد و مقامات واشنگتن این عملیات را کوچکتر از آنچه که ادعا شده، دانسته‌اند. دیپلماتها معتقدند که این پیروزی عراق یک کودتای تبلیغاتی به موقع برای صدام، در پایان سالی که در آن عراق فاو را از دست داده بود به حساب می‌آید. »^۵

علاوه بر مطالبی که نسبت به ناباوری صاحب‌نظران سیاسی - نظامی در خصوص تبلیغات عراق ذکر شد، عامل اساسی‌تر، عدم مشابهت عملیات کربلای ۴ با خصوصیات یک عملیات گسترده، در مقایسه با گذشته جنگ بود. زیرا همیشه علاوه بر اهداف عملیات، ملاک‌های ارزیابی گستردگی یا محدودیت عملیات متکی به میزان تداوم و سماجت نیروها در ادامه نبرد، در صورت شرایط مساعد می‌بود.

بر این اساس، هر چند عملیات کربلای ۴ از نظر هدف در چارچوب یک عملیات گسترده قرار می‌گرفت، لیکن به خاطر آنکه زمان درگیری محدود

بود ، از سوی بسیاری از محافل سیاسی - نظامی به عنوان عملیات گسترده نهایی ایران تلقی نشد . تنها روزنامه ایندپیندنت در این زمینه نوشت :

« شکی نیست که این عملیات یک حمله گسترده و عمده به شمار می آید ، ولی به هیچ وجه نمی توان آن را حمله نهایی دانست . ایران در این منطقه تعداد زیادی نیرو مستقر کرده است که در حمله اخیر ، عمده آنها شرکت نداشتند . »^۶

گذشته از اینها تحلیلهای دیگری براساس نتیجه عملیات کربلای ۴ ارائه شد که بعضاً آمادگی و قوت عراق را در خصوص رویارویی با تهاجمات قوای نظامی ایران خاطر نشان می ساخت . در این زمینه روزنامه ساندی تلگراف نوشت :

« پیروزی عراق ، آن حماسه نظامی که عدنان خیرالله ادعا کرده ، نبود . اما ثابت کرد که مراکز دفاعی عراق می تواند در مقابل ایران مقاومت کند . »^۷

روزنامه مزبور ضمن تفسیر خود تلویحاً در نظر داشت تا تصرف فاو از سوی ایران را یک استثناء تلقی نموده ، بر توانایی عراق برای پدافند و مهار تهاجمات ایران تأکید نماید . لیکن در تحلیل رسانه های خبری اساساً نوعی ابهام و سردرگمی نسبت به سرانجام عملیات و انتظارات برآورده نشده وجود داشت و چنین برمی آمد که به رغم تبلیغات عراق هنوز همه چیز پایان نیافته و امکان وقوع حوادث دیگر محتمل است .

منابع و مأخذ فصل پنجم

- ۱- خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، شماره ۲۸۷، ۱۳۶۵/۱۰/۱۱، رادیومونت کارلو (۱۳۶۵/۱۰/۹).
- ۲- پیشین، خبرگزاری فرانسه از بغداد.
- ۳- دفتر سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «رویدادها»، شماره ۱۲۷، ۱۳۶۵/۱۰/۱۷.
- ۴- خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۱۳۶۵/۱۰/۱۳، روزنامه دی ولت چاپ آلمان (۱۳۶۵/۱۰/۱۲).
- ۵- معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، بولتن «بررسی» شماره ۱، اسفند ۱۳۶۶.
- ۶- پیشین.
- ۷- مأخذ شماره ۵.

<http://www.civildocs.com>

فصل ششم

عملیات کربلای ۵

- ضرورت انجام عملیات
- انتخاب منطقه
- طرحریزی عملیات
- آغاز تهاجم به دشمن
- تحرکات دشمن
- هشت روز نبرد در شرق نهر جاسم
- توقف عملیات
- بازتاب عملیات

<http://www.ciw8.net>

عملیات کربلای ۵^{*}

ضرورت انجام عملیات

موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران که در فتح فاو توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی حاصل شد، به رغم تلاشهای دشمن در چارچوب استراتژی دفاع متحرک، حملات هوایی به مراکز صنعتی، حمله به منابع نفتی و نفتکشهای ایران و سایر اقدامات تبلیغاتی و روانی، همچنان به سود جمهوری اسلامی حفظ شد.

عملیات کربلای ۴ از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بدین منظور طرحریزی و اجراء شد که ایران با بهره‌گیری از موقعیت برتر سیاسی - نظامی، با افزایش فشار به حامیان جهانی و منطقه‌ای عراق، شرایط را برای کسب پیروزی سیاسی در جنگ با اتکا به پیروزی نظامی فراهم سازد. در

^{*} بررسی عملیات کربلای ۵ تحت عنوان (نبرد در شرق بصره) در کتاب جداگانه‌ای آماده انتشار است.

واقع می‌توان گفت که فتح فاو به رغم ابعاد و جوانب مختلف آن، نتوانست شرایط و خواسته‌های ایران را تامین نماید. طبیعتاً در چنین شرایطی پیش‌بینی می‌شد که اجرای یک عملیات پیروز دیگر، امکان تحقق خواسته‌های جمهوری اسلامی را فراهم خواهد آورد.

عدم حصول نتیجه مطلوب در عملیات کربلای ۴، با توجه به مقاصد عملیات و پیامدهای تعیین کننده آن در روند تحولات سیاسی - نظامی جنگ، جمهوری اسلامی را در وضعیت دشواری قرار داد. چون کلیه دستاوردهای جنگ پس از آزادسازی مناطق اشغالی و بویژه پس از فتح فاو که نهایتاً موازنه سیاسی - نظامی جنگ را به سود جمهوری اسلامی تغییر داده بود، در معرض تهدید قرار گرفت. عراق که از مدت‌ها قبل به رغم کلیه اقدامات و تلاش‌هایش، در تغییر روند کلی جنگ به سود خود ناکام مانده بود، تحت شرایط جدید مترصد بهره‌برداری از اوضاع برای حمله به منطقه فاو و بازپس‌گیری این منطقه و نهایتاً تغییر اوضاع سیاسی - نظامی به نفع خود بود. از سوی دیگر، در ایران، شرایط سیاسی حاکم بر کشور و روند تبلیغات تحت شعار «تعیین سرنوشت جنگ» و نیرو و امکاناتی که به همین منظور به جبهه سرازیر شده بود، از جمله عواملی بود که بر پیچیدگی اوضاع برای پاسخگویی به انتظارات پدید آمده در جامعه می‌افزود. در واقع، در افکار عمومی جامعه چنین تصوّر می‌شد که با توجه به فراهم سازی کلیه شرایط از جمله بسیج نیرو و امکانات به جبهه‌ها، موقعیت برای وارد ساختن ضربه تعیین کننده بردشمن فراهم آمده و برای کسب پیروزی هیچگونه مانعی وجود ندارد.

در سایه پیدایش چنین وضعیت دشوار، اتخاذ هرگونه تصمیم با توجه به تأثیرات و پیامدهای تعیین کننده آن بسیار پیچیده و سخت می‌نمود. ولی در عین حال پس از قطعی شدن مسئله افشای تاکتیک ویژه عملیات و عدم امکان

حصول پیروزی، دستور توقف عملیات کربلای ۴ به کلیه قرارگاهها و فرماندهان یگانها صادر شد. این تصمیم زمانی اتخاذ و ابلاغ شد که تنها ۲۰٪ از توان نیروهای خودی با دشمن درگیر شده بود و طبعاً در اختیار داشتن نیروی کافی و نیز ضرورت‌های گوناگونی که انجام عملیات و کسب پیروزی را ایجاب می‌کرد، بر روند تصمیم‌گیریها سایه افکنده بود.

«حفظ برتری سیاسی - نظامی جنگ» به سود جمهوری اسلامی و مقابله با ایجاد هرگونه «رکود در جبهه‌های نبرد» از مهمترین عواملی بود که ضرورت انجام عملیات با شرط کسب پیروزی را ایجاب می‌کرد. در واقع، تجارب جنگ پس از فتح خرمشهر به مدت چهار سال بر این مسئله تأکید داشت که هرگونه تعلل و اتخاذ تصمیم نامناسب برای «انجام عملیات پیروز» روند تحولات جنگ را به گونه‌ای غیرقابل اجتناب به زیان جمهوری اسلامی تغییر خواهد داد.

جو حاکم بر کشور و انتظارات مردم و همچنین احتمال حمله دشمن به فاو، از جمله عواملی بود که ضمن تأکید بر ضرورت انجام عملیات، شرایط را نیز برای انجام آن تسهیل می‌کرد.

انتخاب منطقه

جبران ناکامی در عملیات کربلای ۴ و حفظ اوضاع کلی جنگ به سود جمهوری اسلامی و سایر مسائلی که در بحث ضرورت انجام عملیات مورد اشاره و تجزیه و تحلیل قرار گرفت، از عواملی بودند که در انتخاب منطقه عملیات مؤثر واقع شدند.

چیزی که اوضاع را به هنگام انتخاب منطقه عملیات پیچیده و دشوار می‌ساخت، این مسئله بود که در چنین شرایطی تنها انجام یک عملیات نمی‌توانست راهگشا باشد، بلکه در عین حال عملیات می‌بایست از شرط

تضمین پیروزی و همچنین شرایط و ویژگیهای لازم در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی نیز برخوردار باشد .

علاوه بر اینها ، عوامل دیگری مانند « سرعت عمل » نیز نقش تعیین کننده داشت ، بدین معنا که هر گونه عملیاتی علیه دشمن در جهت حفظ اوضاع به سود جمهوری اسلامی در شرایطی قابل تحقق و امکان پذیر به نظر می رسید که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ به مورد اجرا گذاشته می شد . در غیر اینصورت ، جمهوری اسلامی زیانهای غیرقابل جبرانی را در مقابل این تأخیر متحمل می شد .

در چارچوب عوامل و شرایط یادشده ، نظر به موفقیت لشکر ۱۹ فجر و تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل در منطقه پنج ضلعی^x و نزدیکی زمین این منطقه به منطقه عملیات کربلای ۴ و سهولت نقل و انتقال نیروها و امکانات و علاوه بر اینها ارزش سیاسی - نظامی آن و ویژگیهایی که این منطقه در صورت کسب پیروزی در حفظ برتری اوضاع به سود جمهوری اسلامی می توانست داشته باشد ، منطقه شلمچه در همان نگاه اول مورد توجه قرار گرفت . به عبارت دیگر ، گرچه به هنگام انتخاب منطقه نوعی اضطرار بر تصمیمات سایه افکنده بود ، ولی این مسئله مانع از توجه به برخی از ابعاد

x قابل توجه است که علیرغم هوشیاری دشمن در عملیات کربلای ۴ رزمندگان اسلام موفقیت های قابل توجهی را کسب کردند ، از جمله شکستن خطوط دفاعی دشمن در منطقه پنج ضلعی شلمچه بود . به عبارت دیگر در حالی که دشمن نسبت به تاکتیک ویژه عملیات که مهم ترین مسئله در غافلگیری به حساب می آمد ، هوشیار شده بود ولی رزمندگان توانستند نسبت به نقاطی که دشمن هوشیار نبود موفقیت کسب کنند مانند جبهه های شلمچه و جزیره قطعه ، ضمن آنکه علیرغم بسته شدن تنگه و اخلاص در اجرای تاکتیک ویژه ، گروههایی از رزمندگان از آتش دشمن عبور کرده و خود را به ساحل بلجانبه در جنوب اروند رساندند . ولی به علت اتکا عقبه عملیات به آب و عبور از تنگه و نیز به خاطر بروز جنگ سخت در جزایر ام الرصاص و بوارین ، تصمیم به توقف عملیات گرفته شد .

ارزشمند زمین منطقه و تأثیرات قابل ملاحظه آن بر روند کلی جنگ به سود جمهوری اسلامی نبود، ضمن آنکه در هر صورت، کسب پیروزی به منظور جبران عملیات کربلای ۴ مورد نظر بود و این مهم با انجام یک عملیات محدود و یا در هر منطقه‌ای قابل تأمین نبود.

در اولین جلسه‌ای که در حضور فرماندهی عالی جنگ حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی برای تصمیم‌گیری در مورد انتخاب منطقه شلمچه برگزار شد، فرماندهان و طراحان نظامی سپاه بر عوامل زیر تأکید ورزیدند:

۱- پس از عملیات رمضان، تاکنون در این زمین با دشمن جنگ گسترده‌ای انجام نداده‌ایم و لذا دشمن با توجه به ایجاد مستحکمترین مواضع پدافندی در این منطقه، در پیش‌بینی عملیاتی با این ابعاد ناتوان و در نتیجه آسیب‌پذیر خواهد بود.

۲- مواضع و استحکامات دشمن در شرق کانال ماهی جدیدالاحداث است و لذا در هم شکستن آن و رخنه به سایر مواضع مستحکم دشمن امکان‌پذیر به نظر می‌رسد.

۳- تلاش نیروهای خودی در عملیات کربلای ۴ در منطقه پنج‌ضلعی با موفقیت همراه بوده است و قبل از ترمیم سنگرها و جاگیرشدن دشمن در این منطقه، کسب موفقیت امکان‌پذیر به نظر می‌رسد.

تأکید بر عوامل فوق به منظور اطمینان از کسب پیروزی و جبران گذشته نیز صورت می‌گرفت و این مسئله عمدتاً متأثر از سابقه چند عملیات انجام شده در منطقه شلمچه در حد فاصل فتح خرمشهر تا عملیات کربلای ۵ بود که هیچ کدام موفقیت چندانی به همراه نداشت.

نظر به اهمیت منطقه بصره و نقش این ناحیه در اهداف سیاسی - نظامی جمهوری اسلامی پس از فتح خرمشهر، دشمن زمین شرق بصره را کاملاً مسلح به انواع موانع و استحکامات کرده بود، چنانکه به وجود تلاشهای

گوناگون در چند عملیات گذشته ، هیچگونه پیشروی قابل ملاحظه‌ای در عمق استحکامات دشمن حاصل نشد . بنابراین ، سوابق یاد شده و تردیدهای حاصله به گونه‌ای بود که ضرورتاً تأکید بر جوانب مثبت چنین عملیاتی را ایجاب می‌کرد .

طرحریزی عملیات

در پی بحث‌هایی که پیرامون مانور عملیات صورت گرفت ، با توجه به ۲۰۰ گردان نیروئی که سپاه در اختیار داشت ، سرانجام کلیات طرح اولیه مانور مزبور به این شکل مشخص شد که یک تیپ در جناح شمالی عملیات بر روی پل[×] عمل کند و یکی دیگر از یگانهای سپاه که از ناتوانی قابل توجهی برخوردار است بر روی جاده پاسگاه بوبیان وارد عمل شود تا بتواند با عبور از کانال پرورش ماهی ، در غرب کانال به تصرف سرپل مبادرت نماید . در منطقه پنج‌ضلعی نیز چنین مقرر شد که با توجه به تجربه حاصله از عملیات کربلای ۴ ، سه یگان وارد عمل شدند .

تاکتیک ویژه در این عملیات حاصل طرحریزی و تأکید فرماندهی کل عملیات برادر محسن رضائی بود ، بدین شکل که حرکت یگانها می‌بایستی از شمال به جنوب و قرار گرفتن در جهت مخالفت مواضع و استحکامات دشمن انجام می‌شد . دشمن در این منطقه سمت اصلی هر نوع تحرک نظامی را عمدتاً تک جبهه‌ای با اتکا به جاده شلمچه و از سمت شرق به غرب پیش‌بینی می‌کرد ، به همین دلیل کلیه استحکامات دشمن به سمت شرق گسترش یافته بود . لیکن تجربه عملیات کربلای ۴ و موفقیت لشکرهای ۱۹ فجر و ۵۷ ابوالفضل (ع) که از شمال به جنوب پیشروی کرده و در پشت

× پل یاد شده بر روی کانال پرورش ماهی ، در شمال منطقه عملیات واقع شده بود .

استحکامات دشمن قرار گرفتند ، موجب گردید در تدبیرکلی عملیات ، بر عبور از کانال پرورش ماهی و پیشروی از شمال به جنوب ، در پشت مواضع و استحکامات دشمن ، تأکید شود .

در چارچوب این ابتکار عمل ، استفاده از نفربر و خشایار برای ترابری نیرو و عبور از کانال پرورش ماهی و همچنین پاکسازی خطوط دشمن مورد تأکید قرار گرفت و اقدامات وسیعی برای استفاده از نفربر و نقل و انتقال آن به منطقه و نیز برگزاری مانور در کانال سلمان ، انجام شد . درعین حال ، ابهاماتی وجود داشت که طی جلسات متعددی با حضور فرماندهی عالی جنگ برطرف شد X و سرانجام تصمیم قطعی نسبت به انجام عملیات گسترده در شلمچه توسط سپاه پاسداران و عملیات محدودی در منطقه غرب کشور توسط ارتش اتخاذ گردید . XX

با طرحریزی‌های به عمل آمده ، سه قرارگاه مأمور اجرای عملیات شدند . قرارگاه کربلا مأموریت اصلی را با تصرف « جای پا » و فراهم سازی مقدمات عبور قرارگاههای قدس و نجف برعهده داشت . یگانهای تحت امر قرارگاه شامل تیپ ۱۸ الغدیر در جناح شمالی منطقه ، مأموریت داشت با ایجاد بریدگی برروی سیلبندها و تامین پل ، جناح راست عملیات را تامین نماید . لشکر ۳۳ المهدی (ع) مأموریت انجام عملیات برروی پد بوبیان و پاسگاه بوبیان را برعهده گرفت . در واقع تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ علاوه بر تامین جناح راست عملیات ، مأموریت تامین عقبه کلی منطقه عملیاتی را برای عبور یگانها برعهده داشتند .

X به کتاب نبرد در شرق بصره رجوع شود .

XX چنانکه پیش از این اشاره شد ، ارتش و سپاه بعد از عملیات بدر در سال ۶۳ برابر تدبیر شورای عالی دفاع و نیز فرمانده عالی جنگ هر یک به طور جداگانه منطقه مورد نظر را انتخاب و برای تصویب پیشنهاد می‌کردند .

لشکر ۴۱ ثارالله مأموریت داشت تا بعد از پاکسازی جاده و پل دشمن ، یک سرپل در غرب کانال ماهی ایجاد نماید . لشکر ۲۵ کربلا پس از تامین سرپل از سوی لشکر ۴۱ ثارالله می‌بایست با عبور یگان از یگان (از طریق لشکر ۴۱ ثارالله ۳۱) از داخل منطقه پنج‌ضلعی به سمت راست و پشت کانال ماهی رفته و سرپل را تامین نماید . همچنین تصرف جای‌پا در پوزه کانال ماهیگیری - معروف به مثلثی - مأموریت مشترک لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۳۱ عاشورا بود . این امر به عنوان یک مسئله اساسی در باز شدن عقبه خشکی و عبور قرارگاه‌های قدس و نجف و نیز تثبیت سرپل غرب کانال پرورش ماهی ، بخش اصلی مأموریت قرارگاه کربلا را تشکیل می‌داد . بنابراین قرارگاه کربلا با شش لشکر و دو تیپ سپاه مأموریت تصرف ، پاکسازی و تامین منطقه پنج‌ضلعی و غرب کانال پرورش ماهی را بر عهده داشت .

قرارگاه قدس مأموریت داشت پس از تصرف و تامین جای‌پای اولیه توسط قرارگاه کربلا ، با تحویل گرفتن خط ، ابتدا با لشکر ۱۴ امام‌حسین (ع) و لشکر ۸ نجف‌اشرف به پشت نهر دوعیجی پیشروی نماید و پس از آن لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) و لشکر ۷ ولیعصر (ع) و تیپ ۴۴ قمرینی‌هاشم (ع) به سمت کانال زوجی پیشروی نمایند .

قرارگاه نجف نیز مأموریت داشت پس از تصرف و تامین جای‌پای اولیه توسط قرارگاه کربلا ، با تحویل خط در حدفاصل جنوب جاده شلمچه تا جزیره بوارین وارد عمل شده و جناح چپ منطقه را پاکسازی و تامین نماید . در مرحله اول عملیات قرار بود قرارگاه نجف همزمان با قرارگاه کربلا توسط لشکر ۲۱ امام‌رضا (ع) در قسمت شرقی بوارین وارد عمل شود و تیپ ۱۱۰ خاتم‌الانبیاء (ص) نیز به عنوان کمک پشتیبان آن عمل نماید .

در مرحله دوم نیز مقرر شد تا لشکرهای ۵ نصر و ۱۷

علی ابن ابیطالب (ع) و تیپ ۱۲ قائم همزمان با قرارگاه قدس در حد فاصل دژ کانال کوثر به قصد تصرف جنوب جاده شلمچه و جزیره بوارین وارد عمل شوند.

لشکر ۱۵۵ شهدا، لشکر ۱۰۵ قدس و تیپهای ۵۷ حضرت ابوالفضل و ۲۹ نبی اکرم در احتیاط قرارگاه نجف قرار داشتند.

قرارگاه نجف پس از مرحله دوم می‌بایستی جناح جنوبی عملیات را تامین نماید تا قرارگاه قدس بتواند در عمق پیشروی نماید.

نظر به پیچیدگی مسئله عبور یگان از یگان و وابستگی پیشروی و موفقیت قرارگاهها و یگانها به یکدیگر، در مورد هماهنگی قرارگاهها بحثهای قابل ملاحظه‌ای صورت گرفت. همچنین در مورد «عبور و پشتیبانی» با توجه به «محدودیت عقبه» و احتمال هوشیاری دشمن و عدم موفقیت در شکستن خط، بحث و بررسی مفصّلی صورت گرفت که سرانجام به تمرکز امکانات و ایجاد مدیریت متمرکز برای «تعیین ترتیب اولویت عبور گردانها» منتهی شد.

اقدامات مهندسی عملیات شامل احداث پد برای توپخانه، احداث و ترمیم و شن‌ریزی جاده‌ها، احداث سنگر و سوله و غیره نیز به طور جداگانه توسط قرارگاهها پیگیری می‌شد. نظر به ضرورت سرعت عمل، کلیه دستگاهها و ابزار و آلات مهندسی از کلیه مناطق جمع‌آوری و به طور متمرکز در این منطقه به کار گرفته شد.

به رغم تلاشهایی که بلافاصله پس از عملیات کربلای ۴ آغاز و طی یک هفته به طور گسترده و جدی انجام شده بود، مجدداً طی مباحثی که در حضور فرماندهی عالی جنگ صورت گرفت، ابهاماتی که همچنان نسبت به میزان هوشیاری دشمن، مشکلات و پیچیدگیهای زمین منطقه و دشواریهای شکستن خط و پاکسازی و تصرف و تامین منطقه وجود داشت، مورد بررسی قرار گرفت.

سرانجام پس از برگزاری یک جلسه پنج ساعته با کلیه مسئولین و فرماندهان قرارگاهها و یگانهای سپاه ، تصمیم نهائی برای انجام عملیات در ۲۴ ساعت بعد اتخاذ و ابلاغ شد . سپس برادر رضائی در آخرین جلسه با فرماندهان قرارگاهها ، علاوه بر تذکر برخی از مسائل ، در مورد اجرای عملیات اظهار داشت :

« ما الان در وضعیتی هستیم که باید به سرعت بر خودمان غلبه کنیم تا از این وسوسه‌های جانبی خود را نجات بدهیم . اگر بخواهیم از خسارات بیشتر جلوگیری کنیم ، فقط بایستی با تمام قدرت و با تمام قوا و قبول هر مسئله‌ای ، خلجان‌هایی را که در فکر و افکارمان هست بیرون بریزیم . تنها راه حلی که برادران باید در نظر داشته باشند این است که با یک روحیه ایثارگرانه‌ای هم صداقتمان را به امام نشان بدهیم و هم انشاءالله به خداوند متعال نشان بدهیم و ثابت کنیم که ما واقعاً برای آخرتمان می‌جنگیم و نه برای هیچ مسئله دیگر ، و این را باید در عمل نشان بدهیم و شاید این میدان آزمایش بتواند ما را از بوته آزمایش سربلند بیرون بیاورد . »^۱

بدین ترتیب سپاه که از مهر ۶۴ به طرحریزی عملیات فاو مبادرت ورزیده و از بهمن ماه همان سال ضمن انجام پیچیده‌ترین و برجسته‌ترین عملیات نظامی در تاریخ جنگ ، مهمترین پیروزی سیاسی - نظامی را برای جمهوری اسلامی به ارمغان آورده بود و از آغاز سال ۶۵ نیز ضمن نبرد در فاو برای تثبیت منطقه ، با استراتژی دفاع متحرک عراق نیز مقابله گسترده نموده و سلسله عملیات کربلای ۱ ، ۲ ، ۳ و ۴ را طرحریزی و انجام داده بود ، اکنون نظر به شرایط سیاسی - نظامی حاکم بر کشور و تدبیر حضرت امام مبنی بر « انجام و تداوم عملیات » ، با تمام قدرت و با توکل به خداوند تبارک و تعالی برای انجام عملیات کربلای ۵ آماده شد . در واقع ، در طول جنگ

تحمیلی برای اولین بار چنین عملیات گسترده و پیچیده‌ای به این نحو و با این زمان کوتاه (۱۲ روز) توسط سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و برای انجام آماده شده بود .

آغاز تهاجم به دشمن

در آستانه شروع عملیات ، با توجه به محدودیت زمان ، آخرین اقدامات شامل جابجائی و نقل و انتقالات نیروها و امکانات ، تکمیل بحث مانور عملیات و غیره انجام گرفت و توپخانه و زرهی نسبت به مأموریت اصلی و گره‌های مواصلاتی برای اجرای آتش و مانور توجیه شدند .

در این شرایط با توجه به تجارب عملیات کربلای ۴ ، ابهام نسبت به میزان هوشیاری دشمن موجب گردیده بود که کلیه تحرکات دشمن تا قبل از آغاز درگیری کنترل شود . اجرای آتش کاتیوشا در داخل حوضچه^x لشکر ۴۱ ثارالله و صدمات وارده منجر به افزایش حساسیتها شد . از سوی دیگر ، افزایش تردد خودروهای دشمن به سمت منطقه فاو ، این تصور را که دشمن قصد حمله به فاو را دارد ، تقویت کرد ، ولی همچنان نسبت به میزان هوشیاری دشمن در منطقه شلمچه ابهام و تردید وجود داشت و هیچ‌گونه نتیجه مشخص ارائه نمی‌شد .

در این حالت ، نیروهای عمل‌کننده در انتظار صدور فرمان حمله از سوی فرماندهی کلّ صحنه نبرد در شرق بصره بودند . با توجه به نور مهتاب ، ساعت درگیری با دشمن ۲ بامداد روز ۶۵/۱۰/۱۸ تعیین شده بود ، لیکن نظر به محدودیت زمان برای شکستن خط و پاکسازی و تثبیت آن ، چنین مقرر شد که نیروها با استفاده از نور مهتاب حرکت کنند و در پشت مواضع دشمن در

^x محل استقرار قایقها در پشت دژ دشمن واقع در آبگرفتگی .

انتظار صدور فرمان حمله باشند .

پس از نیمه شب ، درحالی که نور مهتاب کاملاً منطقه را روشن کرده بود ، درگیری در برخی محورها آغاز شد . پیدایش این وضعیت بر اضطراب و نگرانی مبنی بر هوشیاری دشمن افزود ، با اینکه تا غروب نور مهتاب هنوز زمان زیادی باقیمانده بود ، از سوی فرمانده صحنه نبرد ، برادر محسن رضائی ، در ساعت ۱/۳۵ بامداد فرمان حمله صادر شد و بدین ترتیب رزمندگان بسیج و سپاه یورش خود را به عظیم‌ترین و پیچیده‌ترین استحکامات دشمن در شرق بصره آغاز کردند .

خبرهای واصله به قرارگاه که حاکی از پیشروی یگانها در محورهای مختلف و شکسته شدن خط دشمن بود ، اطمینان لازم را نسبت به غافلگیری دشمن به وجود آورد و کلیه ابهامات مبنی بر عدم امکان شکسته شدن خطوط دشمن را نیز برطرف کرد .

متعاقب کسب اطمینان از درهم شکسته شدن خطوط دشمن ، تلاش برای « پاکسازی » ، « الحاق » و « تثبیت » آغاز شد ، در این میان چون الحاق لشکر ۲۵ کربلا به لشکر ۳۱ عاشورا نقش تعیین کننده‌ای در تصرف پوزه کانال پرورش ماهی و باز شدن عقبه خشکی نیروهای عبور کننده از کانال داشت ، مورد تأکید قرار گرفت . همچنین الحاق لشکر ۱۹ فجر و لشکر ۳۱ عاشورا در منطقه پنج‌ضلعی نیز حائز اهمیت بوده و مورد توجه قرار داشت و ضرورت پاکسازی قرارگاه تیپ دشمن در منطقه پنج‌ضلعی ، همواره به یگانهای عمل کننده در منطقه گوشزد می‌شد .

در واقع الحاق یگانهای محور پنج‌ضلعی و محور کانال ماهی و نیز شکستن مقاومت دشمن در مقرر فرمانده تیپ در پنج‌ضلعی دو مسئله اساسی بود که فرمانده قرارگاه کربلا می‌بایست تدابیر لازم را برای حل آن اتخاذ می‌کرد . علاوه بر آن ، منطقه جناح راست عملیات نیز می‌بایست تثبیت گردد .

تحرکات دشمن

متعاقب آغاز درگیری و درهم شکستن خطوط دشمن ، قطعی و مسجّل شد که دشمن نسبت به زمان ، مکان و تاکتیک حمله غافلگیر شده است . البته دشمن در منطقه پنج‌ضلعی و بوارین به خاطر تهاجم نیروهای اسلام در عملیات کربلای ۴ به این منطقه ، به طور نسبی هوشیار بود .

در واقع دشمن پس از عملیات کربلای ۴ براساس این تحلیل که جمهوری اسلامی فعلاً قادر به انجام عملیات نمی‌باشد ، اساساً توجه خود را به بازپس‌گیری فاو معطوف کرده بود . عراقیها چنین تصور می‌کردند که علاوه بر اینکه جمهوری اسلامی تحت شرایط روحی و روانی حاصله از ناکامی عملیات کربلای ۴ فاقد توانایی برای انجام عملیات می‌باشد ، در برابر یک تهاجم سنگین در منطقه فاو نیز قادر به مقاومت نخواهد بود . در چارچوب این تحلیل ، تلاشهای گسترده دشمن بویژه جابه‌جائی و انتقال نیرو و توپخانه‌اش به فاو ، تماماً نشانه آمادگی آن برای حمله بود . لیکن آغاز عملیات در منطقه کربلای ۵ در مقیاس گسترده و موفقیت در شکستن خطوط و استحکامات دشمن موجب گردید عملیات در فاو منتفی و تدریجاً نیرو و امکانات دشمن به منطقه شرق بصره منتقل شود .

در واقع دشمن ضمن غافلگیری شدن نسبت به عملیات خودی در شرق بصره از نظر زمان و مکان ، در مورد تاکتیک ویژه عملیات که عمدتاً معطوف به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی و حرکت از شمال به جنوب در پشت مواضع‌اش بود ، غافلگیر شد .

بنابراین ، دشمن از نظر زمان دچار عقب ماندگی شد و همین وضعیت نهایتاً موقعیتی را فراهم آورد که ادامه نبرد در منطقه شرق نهر جاسم و پنج‌ضلعی را برایش دشوار کرد و انهدام قوای نظامی آن را به دنبال داشت .

هشت روز نبرد در شرق نهر جاسم

(شرق بصره منطقه عمومی شلمچه و تنومه)

محورهای اصلی تلاشهای قرارگاه کربلا، برای تصرف منطقه مورد نظر و تامین جای پا و فراهم کردن شرایط برای تثبیت منطقه و همچنین تحویل خط به قرارگاههای قدس و نجف اشرف، شامل خروج از منطقه پنج‌ضلعی، تثبیت سرپل غرب کانال پرورش ماهی و باز نمودن جاده شلمچه بود.

تلاشها و تدابیر قرارگاه معطوف بر این بود که جناح راست منطقه عملیات توسط تیپ ۱۸ الغدیر و لشکر ۳۳ المهدی (ع ج) تثبیت شود و سرپل غرب کانال پرورش ماهی با الحاق لشکر ۴۱ ثارالله و لشکر ۲۵ کربلا تامین گردد. همچنین برای خروج از پنج‌ضلعی، علاوه بر تلاش برای پاکسازی مقر تیپ دشمن در منطقه و الحاق لشکر ۱۹ فجر و ۳۱ عاشورا، نسبت به الحاق لشکر ۳۱ با لشکر ۲۵ در مثلی پوزه کانال پرورش ماهی، نیز تأکید می‌شد، زیرا این مسأله می‌توانست علاوه بر باز شدن عقبه خشکی نیروهای غرب کانال پرورش ماهی، شرایط را برای پیشروی در عمق توسط قرارگاه قدس با تامین جناح راست این قرارگاه فراهم نماید. همچنین باز نمودن جاده شلمچه توسط لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) که شرایط را برای عبور دو قرارگاه قدس و نجف فراهم می‌کرد، از سوی فرماندهی سپاه که فرمانده عملیات بود و سایر فرماندهان دنبال می‌شد. فشارهای دشمن ابتدا معطوف به بازپس‌گیری منطقه سرپل غرب کانال پرورش ماهی با تأکید به جناح راست منطقه عملیات و به منطقه سرپل بود. مقاومت مقر تیپ دشمن در منطقه پنج‌ضلعی و مقابله با الحاق لشکرهای ۳۱ عاشورا و ۲۵ کربلا در پوزه کانال پرورش ماهی نیز بدین منظور انجام می‌گرفت که دشمن با ایجاد تأخیر در این الحاق در پوزه کانال بتواند با پاکسازی منطقه سرپل و عقب

راندن نیروها از این منطقه ، گسترش عملیات را مهار نماید .

مرحله دوم عملیات با وارد کردن قرارگاه قدس و نجف به منظور تشدید فشار به دشمن برای باز شدن جاده شلمچه و توسعه عملیات آغاز شد . در این مرحله دشمن برخلاف مرحله اول عملیات که نسبت به تاکتیک و زمان و مکان غافلگیر شده بود ، کاملاً نسبت به سمت اصلی تک هوشیار بود و علاوه بر این نیروهای خودی نیز طی ۲۴ ساعت درگیری مداوم با دشمن تا اندازه‌ای خسته به نظر می‌رسیدند . به همین دلیل ، اهداف مورد نظر تامین نشد . همچنین افزایش فشار دشمن در روز دوم و ناکامی در مرحله دوم موجب گردید تا نسبت به پشتیبانی عملیات توسط نیروی هوایی و هوانیروز اقدام شود .

ادامه مقاومت در غرب کانال پرورش ماهی و تلاش برای خروج از پنج‌ضلعی و باز شدن جاده شلمچه ، همچنان در تدبیر و تداوم عملیات مورد نظر بود . در این شرایط فشار دشمن در غرب کانال پرورش ماهی شدیداً افزایش پیدا کرده بود ، زیرا دشمن امیدوار بود که با عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سرپل ، از توسعه و تعمیق عملیات ممانعت کند . از روز دوم عملیات به بعد ، با انتقال امکانات و نیروهای دشمن از منطقه فاو و هوشیاری نسبت به سمت تک رزمندگان اسلام ، فشار عراقیها روی عقبه‌ها با افزایش بمباران شدید شد ، به گونه‌ای که مرتباً از سوی فرماندهی قرارگاه خاتم‌الانبیاء (ص) نسبت به تامین پدافند منطقه پیگیری و تلاش می‌شد .

در واقع ، تشدید فشارهای دشمن و عدم پیشروی به سمت اهداف مورد نظر کلیه دستاوردهای مرحله اول عملیات را نیز در معرض تهدید قرار داده بود . در شب سوم ، عملیات در شرایط حساس و سرنوشت سازی قرار گرفت .

خبرهای واصله به قرارگاه تا اندازه‌ای امیدوارکننده به نظر می‌رسید ،

چنانکه الحاق لشکر ۲۵ کربلا و لشکر ۲۷ حضرت رسول (ص) در غرب کانال پرورش ماهی، این امیدواری را به وجود آورد که با توجه به موفقیت یگانهای یاد شده در غرب کانال، سرپل در برابر فشارهای دشمن تثبیت شود.

باز شدن جاده شلمچه و فراهم شدن زمینه ورود قرارگاه قدس و نجف به منطقه، بویژه پیشروی لشکر ۸ نجف و لشکر ۱۴ امام حسین (ع) از قرارگاه قدس نیز این امکان را به وجود آورد که با توسعه وضعیت از تمرکز فشار دشمن در برخی محورها از جمله در منطقه سرپل غرب کانال پرورش ماهی کاسته شود.

پیشروی در منطقه قرارگاه نجف گرچه با کندی صورت می‌گرفت، ولی این امکان را به وجود آورد که با پیشروی تدریجی در منطقه جنوب عملیات، جناح چپ قرارگاه قدس تامین شود.

همچنین جناح راست منطقه عملیات توسط قرارگاه کربلا تثبیت و چنین تدبیر شد که با اقدامات مهندسی از هرگونه پیشروی دشمن ممانعت به عمل آید تا عقبه یگانهای مستقر در غرب کانال پرورش ماهی از هرگونه تهدید مصون و درامان باشند.

درعین حال در شب چهارم مجدداً به منظور تکمیل اهداف عملیات شب سوم، همان مانور دنبال شد. از این پس با توجه به وضعیت کلی عملیات، تلاش اصلی بر روی قرارگاههای قدس و نجف متمرکز گردید. ورود لشکر ۵ نصر به جزیره بوارین و درهم شکستن استحکامات و مواضع دشمن بخشی از موفقیت‌های حاصله بود.

افزایش حضور نیروهای دشمن در منطقه قابل توجه بود:

۱ - ۴۱ الی ۴۷ گردان پیاده کماندوئی نیروهای مخصوص (جمعاً حدود

۳۰۰۰۰ نیروی پیاده)

۲ - ۲۵ الی ۲۸ گردان زرهی و مکانیزه (در حدود ۱۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر)

۳ - ۲۰ الی ۲۵ گردان توپخانه (جمعاً ۳۶۰ قبضه توپ)

با افزایش نیروی دشمن در منطقه و تشدید فشار روی عقبه‌ها توسط حملات گسترده هوایی و شیمیایی ، فرماندهی کل عملیات برادر رضائی طی تماس با حجت‌الاسلام هاشمی رفسنجانی فرمانده عالی جنگ ، ضمن درخواست مجدد در مورد افزایش پشتیبانی عملیات توسط برادران نیروی هوایی و هوانیروز ارتش ، نسبت به انجام عملیات توسط ارتش در غرب کشور^x به منظور بازداشتن دشمن از انتقال نیرو به جنوب نیز تاکید شد .

طی درگیریهای شب و روز پنجم ، گرچه اهداف مورد نظر کاملاً تحقق نیافت ، لیکن ناتوانی دشمن از عقب راندن نیروهای اسلام از منطقه سرپل غرب کانال پرورش ماهی و ممانعت از پیشروی درجاده شلمچه ، نشانه‌ای از امیدواری نسبت به تثبیت منطقه بود .

« اقدامات مهندسی » و « آتش » دو مسئله‌ای بود که برای تثبیت منطقه متصرفه و پیشروی مورد نیاز بود . پیچیدگی زمین ، وجود موانع طبیعی ، مقاومت دشمن و سایر عوامل موجب گردیده بود تا پیشروی در محورهای مختلف با کندی همراه باشد . بنابراین ، در تدبیر کلی عملیات تاکید بر اقدامات مهندسی به منظور تثبیت منطقه و همچنین استفاده از آتش برای درهم کوبیدن مقاومت دشمن ، مورد توجه قرار گرفت ، بدین صورت که آتش

x برادران ارتش قرار بود ۳ روز پس از عملیات کربلای ۴ توسط سپاه در منطقه جنوب ، در منطقه سومار واقع در غرب کشور مبادرت به حمله نماید که توقف عملیات کربلای ۴ ، مانع از انجام آن شد . با انتخاب منطقه شلمچه مجدداً قرار شد ۳ روز پس از آغاز عملیات کربلای ۵ توسط سپاه در منطقه شلمچه واقع در جنوب کشور ، برادران ارتش همان عملیات قبلی را شروع کنند که متأسفانه این عملیات در موعد مقرر انجام شد .

به طور متمرکز برای تطبیق ، تحت امر مسئول توپخانه سپاه قرار گرفت تا مأموریت واگذاری مبنی بر تمرکز آتش در جناح راست عملیات ، مناطق کلیدی و حساس و عمل کلی برای جوابگوئی به آتش دشمن را به نحو مطلوب اجرا نماید . از این پس تلاش اصلی در محور قرارگاه نجف بود که پس از تصرف جزیره بوارین به علت عدم پاکسازی کامل هنوز تثبیت نشده بود . در واقع ، تامین این جزیره به منزلهٔ تامین جناح چپ منطقه عملیات محسوب می‌شد .

طی شب و روز ششم و هفتم علاوه بر پیشروی در برخی محورها ، تلاش قابل ملاحظه‌ای نسبت به دفع حملات دشمن در غرب کانال پرورش ماهی انجام گرفت . تشدید فشار دشمن و خبرهای واصله مبنی بر برگزاری جلسه فرماندهان ارتش عراق ، این شایعه را تقویت کرد که دشمن در آستانه « تصمیم‌گیری اساسی » می‌باشد . در واقع تلاشهای دشمن طی چند روز گذشته و ناکامی در عقب زدن نیروهای اسلام و یا متوقف نمودن آنها نشانهٔ ناتوانی دشمن ارزیابی می‌شد . در چنین شرایطی رژیم عراق می‌بایستی با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین منطقه ، نسبت به بازپس‌گیری آن تلاش نموده ، تلفات انبوه را متحمل شود و یا اینکه « حفظ نیرو » را بر « حفظ زمین » ترجیح داده و مبادرت به عقب‌نشینی نماید .

سرانجام پس از هشت شبانه‌روز نبرد در منطقه شرق نهر جاسم ، دشمن به لحاظ ناتوانی از مقابله با تهاجمات نیروهای اسلام و تلفات وارده ، به خاطر حفظ نیروهایش از منطقه شرق نهر جاسم عقب‌نشینی کرد . X با پیدایش شرایط

X برادر رشید (معاونت عملیات قرارگاه خاتم‌الانبیاء) طی تحلیلی در مورد حرکت دشمن اظهار داشت : عراق بین « زمین » و « نیرو » ، حفظ نیرو را انتخاب کرده است .

(گزارش قرارگاه خاتم‌الانبیاء ، فروردین ۶۶ ، اسناد مرکز تحقیقات جنگ سپاه پاسداران)

جدید برادر رضائی فرمانده کل عملیات به خاطر تسریع در پیشروی نیروها و تعقیب دشمن ، پیام حضرت امام (قدس سره) را توسط بیسیم برای نیروها قرائت نمود :

« از خداوند متعال پیروزی نهائی رزمندگان عزیز را خواستارم ، عزیزان من بکوشید خداوند تعالی با شماست و اینجانب دست و بازوی شما را می‌بوسم . والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته . »^۲

توقف عملیات

ضرورت تعقیب دشمن و پیشروی در عمق منطقه شرق بصره ، تداوم عملیات را به عنوان یک اصل اساسی مورد تأکید قرار می‌داد . ادامه فشار نظامی بر عراق می‌توانست بردستاوردهای عملیات و کسب امتیاز و پیروزی سیاسی جمهوری اسلامی در جنگ بیفزاید .

لازمه ادامه عملیات پشتیبانی فوق‌العاده سپاه پاسداران بود ، زیرا سه ماه درگیری مداوم با دشمن (از زمان آمادگی برای عملیات کربلای ۴) سپاه را در امر نیروی انسانی ، آتش پشتیبانی ، پدافند هوایی و سایر لوازم و تجهیزات دچار مشکلاتی کرده بود . با توجه به امکان تامین برخی از نیازمندیها توسط ارتش X ناچار پیشنهاداتی به حضور فرماندهی کل قوا ارائه گردید که مورد موافقت قرار گرفت و حضرت امام (ره) دستورات لازم مبنی بر واگذاری امکانات به سپاه را صادر فرمودند .

عدم تامین امکانات و تجهیزات مورد نیاز برای ادامه عملیات از یکسو

X قابل ذکر است که عملیات کربلای ۶ ، روز ۶۵/۱۰/۲۳ در منطقه سومار توسط ارتش آغاز شد و در همین روز پایان یافت که با توجه به عدم الفتح این عملیات و آزاد شدن یگانها و امکانات ارتش ، سپاه پیشنهاد فوق را ارائه داد .

عکس‌العمل شدید دشمن از شب دهم عملیات به بعد، ازسوی دیگر، باعث شد با وجود یک هفته درگیری در غرب نهر جاسم و تصرف سرپل در این قسمت، تصمیم به توقف عملیات گرفته شود تا یگانهای سپاه پس از بازسازی و تهیه و جایگزینی امکانات مورد نیاز به ادامه نبرد مبادرت نمایند. ^x

بازتاب عملیات کربلای ۵

زمان آغاز عملیات کربلای ۵، زمین با ارزش شرق بصره و پیشروی در عمق استحکامات دشمن، مجموعه عواملی بودند که عمیقاً بر اهمیت عملیات کربلای ۵ در ابعاد سیاسی، نظامی و تبلیغاتی افزودند. در شرایطی که عراق تبلیغات نسبتاً وسیع و گسترده‌ای را مبنی بر شکست ایران، سازماندهی و اجرا می‌کرد و از سوی دیگر برای بازپس‌گیری فاو آماده می‌شد، انجام عملیات کربلای ۵ به منزله وارد ساختن یک شوک بر پیکر ارتش عراق و رژیم این کشور بود. مهمتر از همه اینکه، زمین منطقه عملیات با توجه به نزدیکی آن به شهر بصره، از امتیازات و ویژگیهای قابل ملاحظه برای کسب برتری ایران و خاتمه بخشیدن به جنگ برخوردار بود، ضمن اینکه استحکامات دشمن در منطقه از سال ۶۱ و پس از فتح خرمشهر کاملاً تقویت شده بود، به گونه‌ای که عبور از آنها غیرممکن به نظر می‌رسید.

بنابراین، شکستن خطوط و استحکامات دشمن و پیشروی در زمین شرق بصره، تواناییها و قابلیت‌های نظامی عراق را مجدداً پس از فتح فاو زیر سؤال قرار داد، چنانکه روزنامه آبزور چاپ پاریس به نقل از کارشناسان غربی چنین نوشت:

x تداوم عملیات در شرق بصره در فصل بعد بررسی خواهد شد.

« برای اولین بار از آغاز جنگ تاکنون ، ناظران و کارشناسان غربی

در مورد امکانات دفاعی عراق دچار تردید شده‌اند . »^۳

همچنین تأکید بر قابلیت نظامی ایران ، بخش دیگری از تحلیل‌های ارائه شده در رسانه‌های خبری بود ، چنانکه رادیو بی . بی . سی طی تحلیلی در همین زمینه ، با توجه به تجربه سپاه در عملیات فاو و عبور از رودخانه اروندر ، ضمن اشاره به عبور از منطقه آبگرفتگی و کانال پرورش ماهی در عملیات کربلای ۵ گفت :

« موفقیت ایران در عبور از دریاچه ماهی ، یکبار دیگر توانایی ایران

در عبور از آبراهها را نشان می‌دهد . »^۴

هفته‌نامه نیوزویک نیز با توجه به ابعاد عملیات ، ضمن تأکید بر پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵ ، بر شرایط پیروزی ایران بر عراق اشاره کرد :

« تهاجم ایرانیها در نزدیکی بصره ، حداقل یک چیز را در خصوص

جنگ ایران و عراق تغییر داده و آن این مسئله است که برای اولین بار طی

این چند سال ، این احتمال را که یک طرف حقیقتاً بر دیگری پیروز شود ،

مطرح ساخته است . »^۵

هفته نامه اکسپرس با توجه به احتمال سقوط صدام ، به نقل از یک

کارشناس انگلیسی در امور خاورمیانه نوشت :

« اگر ایرانیان به بصره نزدیک شوند ، وقوع سقوط روحی و روانی در

بغداد دور از احتمال نیست . »^۶

به لحاظ اهمیت زمین شرق بصره ، کارشناسان محافل سیاسی - نظامی

علاوه بر تأیید پیروزی ایران ، ضمن تأکید بر تاثیر روحی و روانی ناشی از

این پیروزی بر رژیم عراق ، احتمال سقوط صدام در صورت تداوم پیشروی

در این زمینه را نیز مورد اشاره و تاکید قرار دادند .

در واقع ، با توجه به ارزش سیاسی - نظامی زمین شرق بصره و قابلیت زمین این منطقه برای تداوم عملیات ، به نظر می‌رسید آنچه که به عنوان عملیات سرنوشت ساز مطرح می‌شد با تداوم عملیات در شرق بصره تحقق یابد . در چارچوب همین تحلیل ، تداوم عملیات در غرب نهر جاسم طرح‌ریزی و اجرا شد .

منابع و مآخذ فصل ششم

- ۱ - معاونت سیاسی ستاد کل سپاه پاسداران ، « بولتن بررسی » شماره ۱ ، اسفند ۶۶ ، ص ۱۱۴ و ۱۱۳ .
- ۲ - سند شماره ۶۶۱/گ مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ ، گزارش عملیات کربلای ۵ ، قرارگاه خاتم‌الانبیاء
- ۳ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۱۱/۴ .
- ۴ - خبرگزاری جمهوری اسلامی ، « گزارشیهای
- ویژه » ، ۱۳۶۵/۱۰/۲۸ ، رادیو بی . بی . سی (۱۳۶۵/۱۰/۲۶) .
- ۵ - اداره کل مطبوعات خارجی وزارت ارشاد اسلامی ، « بررسی مطبوعات جهان » ، شماره ۱۲۲۰ ، ۱۳۶۵/۱۲/۴ ، نیوزویک چاپ سوئیس .
- ۶ - روزنامه رسالت ، ۱۳۶۵/۱۰/۲۸ ، خبرگزاری جمهوری اسلامی .

فصل هفتم

آخرین تحرک نظامی در جنوب

- عملیات کربلای ۸
- وضعیت خودی و دشمن
- کلیات طرح مانور
- شرح عملیات
- پاتک گسترده دشمن
- ارزیابی و جمع‌بندی
- تلفات دشمن
- بازتاب عملیات

<http://www.ciw8.net>

آخرین تحرک نظامی در جنوب

(عملیات کربلای ۸)

گرچه عملیات کربلای ۵ و آثار و نتایج آن توانست موقعیت مطلوبی را پس از عملیات کربلای ۴ به وجود آورد، لیکن به دلیل عدم انهدام کامل قوای نظامی عراق در منطقه شرق بصره، مجدداً انجام عملیات و انتخاب منطقه مناسب، در دستور کار قرار گرفت.

نظر به شرایطی که سرانجام منتهی به طرحریزی و اجرای عملیات کربلای ۴ و پس از آن عملیات کربلای ۵ شد «انتخاب منطقه عملیات» تا اندازه‌ای دشوار و پیچیده بود، زیرا برخورداری از ابتکار عمل در جنگ و «رعایت اصل غافلگیری» در تاکتیک و زمان و مکان به عنوان بخشی از عوامل اساسی در کسب پیروزی، تدریجاً صعب و دشوار می‌نماید. چنانکه طی یک روند طولانی، ابتکار عمل در منطقه هور با انجام عملیات خیبر و بدر به پایان رسید و پس از آن ابتکار عمل در منطقه فاو پس از عبور از رودخانه اروندر و انجام عملیات والفجر ۸ و کربلای ۴ به پایان آمد. عملیات کربلای ۵ در شرایطی انجام گرفت که عملاً سپاه برای انتخاب منطقه

عملیات با توجه به شرایط سیاسی - نظامی حاکم بر جنگ و ضرورت دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی تعیین کننده ، وضعیت دشواری را فرا روی خود داشت ، بدین معنا که با توجه به ضرورت انجام عملیات می‌بایستی « منطقه انتخابی » و ابعاد عملیات و دستاوردهای آن از ویژگی‌های تامین اهداف سیاسی و نظامی جنگ ، در آن مقطع زمانی ، برخوردار می‌بود .

سرانجام پس از بحث و بررسی‌هایی که صورت گرفت ، منطقه شرق بصره که دارای ارزش استراتژیک بود ، با توجه به ضرورت تعجیل در انجام عملیات ، انتخاب گردید . چون یگانهای خودی پای کار بودند و نیاز به نقل و انتقال گسترده وجود نداشت و در ضمن عمده مواضع و استحکامات دشمن در شرق نهر جاسم نیز درهم کوبیده شده بود .

در چارچوب تدبیر جدید ، سپاه پاسداران تلاش‌های گسترده‌ای را به منظور تامین نیازمندیهای مورد نظر آغاز کرد در حالی که پس از سه ماه سازماندهی ، درگیری و اجرای دو عملیات کربلای ۴ و ۵ ، امکانات عملیات بزرگ را از دست داده بود . چنین پیش‌بینی می‌شد که در این منطقه با توجه به استحکامات و هوشیاری نسبی دشمن نسبت به سمت تک رزمندگان ، لازمه هرگونه پیشروی ، برخورداری از « نیروی زرهی » ، « آتش » و همچنین « پدافند هوایی » می‌باشد . به هر صورت ، متعاقب پیگیری‌هایی که انجام گرفت بخشی از نیازمندیهای سپاه پاسداران برای اجرای عملیات تامین شد .

عملیات کربلای ۸

وضعیت خودی و دشمن

سپاه ابتدا در نظر داشت طی چند عملیات محدود ، به صورت تدریجی خطوط منطقه متصرفه را با رسیدن به کانال زوجی اصلاح و تکمیل نماید ،

لیکن با توجه به موانعی که وجود داشت ، عملیات کربلای ۸ طرحریزی شد . در توضیح وضعیت کلی قبل از این عملیات ، ذکر چند مساله ضروریست که ذیلاً به ترتیب به آنها اشاره می شود .

۱ - مشکل نیرو

علیرغم نیاز مبرمی که به جذب و سازماندهی نیرو برای عملیات وجود داشت ، طرح اعزام سپاه یکصد هزار نفری حضرت مهدی (عج) با موفقیت مورد انتظار مواجه نشد . در این میان عوامل موثری در پیدایش وضعیت یاد شده دخیل بود ، از جمله :

- فاصله نزدیک زمان بسیج سپاه یکصد هزار نفری حضرت محمد (ص) و همچنین انجام دو عملیات کربلای ۴ و ۵ تقریباً بدون فاصله و در نتیجه پراکندگی نیروهای عملیاتی .

- فرا رسیدن تعطیلات طولانی نوروز بویژه پس از یک سلسله عملیات طولانی .

- تغییر فصل : قشر وسیعی از نیروهای داوطلب کشاورزان بودند که عمدتاً در فصل پائیز و زمستان جذب جبهه های نبرد می شدند . تغییر فصل و فرا رسیدن زمان کشت و کار نیز از موانع جذب نیروی کافی در این مقطع شمرده می شد .

- تغییر شعارها : تاثیر روانی عدم تعیین سرنوشت جنگ و تغییر شعار « جنگ سرنوشت » در کربلای ۵ و ایجاد ابهاماتی ناشی از عدم تحقق شعارهای سال ۶۵ و ادامه جنگ در سال ۶۶ موجب گردید قسمتی از نیروها توجه لازم را به جبهه ها ننمایند .

۲ - تلاشهای مهندسی

در حد فاصل زمانی ۶۵/۱۲/۳ تا ۶۶/۱/۱۷ به رغم آنکه آتش حجیم

و گسترده دشمن مانع از کار مهندسی بود ، لیکن تلاشهای قابل توجهی صورت گرفت که عبارت بودند از :

- دو جداره کردن جاده‌ها برای مصونیت از آتش دشمن .
- احداث دو پل بر روی کانال ماهی (در قسمت انتهائی آن) .
- احداث دو جاده در عقبه منتهی به جاده شلمچه .
- استقرار یگانها و تحکیم مواضع و احداث سنگرهای انفرادی و اجتماعی .

البته اقدامات یاده شده در مقایسه با فعالیت‌های دشمن چشمگیر نبود ، لیکن با توجه به آتش دشمن و نیز کمبود وسایل و امکانات مهندسی قابل توجه بود .

۳ - تسلیح زمین

برخلاف تدابیر قبلی مبنی بر آنکه با تداوم عملیات به دشمن فرصت لازم برای افزایش استحکامات و بازسازی نیرو داده نشود ، دشمن به لحاظ اهمیت زمین منطقه و احساس تهدید نسبت به پیشروی نیروهای خودی به سمت کانال زوجی ، طی فرصتی که به طور طبیعی به دست آورد ، در کمترین زمان بیشترین استحکامات را به شرح زیر در منطقه ایجاد کرد :

- بین خط نهرجاسم تا کانال زوجی را که حدود ۵ کیلومتر می‌باشد به خطوط متوالی پدافندی مجهز نمود ، به نحوی که از نهرجاسم تا کانال زوجی ۷ تا ۱۰ خط پدافندی متوالی تشکیل داد . هر یک از این خطوط مستقلاً دارای سیلند یا خاکریز ، جاده تدارکاتی ، سنگرهای پدافندی و استراحت نیرو ، موانع مختط متشکل از سیمهای خاردار و میادین مین ضدنفر و ضدتانک و کانالهای مواصلاتی نفرات پیاده ، سکوهای تانک و سلاحهای پدافندی بود که در صورت احتمال حمله رزمندگان اسلام ، این خطوط از

نیروهای پدافندی پر می‌شدند .

- احداث یک پل جدید روی کانال زوجی .

- احداث جاده‌های جدید و ترمیم کلیه جاده‌های عقبه جهت تدارک

بیشتر نیروهای خود .

- احداث سیلبندهای جدید در کانال ماهی و منطقه آبگرفتگی بین پاسگاه

بویان تا زید .

با توجه به تجارب گذشته جنگ ، خاکریزهایی که دشمن در منطقه احداث

کرد ظاهراً نامعقول به نظر می‌رسید ، بدین معنی که دشمن همزمان با عملیات

رمضان و پس از آن عمدتاً سعی می‌کرد عارضه‌ای در زمین ایجاد نکند که

نیروهای اسلام قادر به بهره‌گیری از آن برای پدافند باشند . لذا از آن به بعد ،

احداث کانال از عمده‌ترین اقدامات مهندسی دشمن بود ، چنانکه در مناطق

عملیاتی والفجر مقدماتی و والفجر ۱ و سپس در منطقه رمضان ، با به

کارگیری این تجربه توانست به طور موثری از پیشروی نیروهای اسلام

جلوگیری به عمل آورد .

دشمن با نزدیک ساختن خاکریز خط تماس خود با خاکریز قوای مقابل ،

عملاً تحرکات رزمندگان را زیر نظر داشت و با ایجاد خطوط متوالی ، از

برداشتن گامهای بلند در پیشروی و نیز مانور زرهی ممانعت می‌کرد . علاوه

بر این ، مواضع نیم‌دایره شکلی که دشمن در پشت خاکریز بر روی گره‌های

مواصلاتی ایجاد کرده بود ، امکان اجرای آتش مناسب برای حفظ خود را به

دشمن می‌داد . همچنین در صورت تصرف خاکریز توسط نیروهای اسلام ،

دشمن از امکان مناسبی برای پاتک و بازپس‌گیری مجدد خط برخوردار بود

و از سمتهای مختلف از نیروی مهاجم جناح می‌گرفت . در نتیجه برای این

نیروها که به علت حجم گسترده آتش دشمن فاقد امکان کار مهندسی بودند ،

بهره‌گیری کامل از خاکریزهای دشمن ، وجود نداشت و این مسأله نگهداری

خط را پس از تصرف با مشکل مواجه می کرد .

۴ - بازسازی نیرو

اهمیت بازسازی نیرو برای دشمن در صورتی مشخص می شود که علاوه بر بیان میزان انهدام ارتش عراق در دو عملیات کربلای ۴ و ۵ ، به احساس خطری هم که دشمن نسبت به تهاجم رزمندگان داشت ، اشاره شود .

در دو عملیات کربلای ۴ و ۵ ، ۶۰ تیپ دشمن به طور کامل و بیش از ۷۰ تیپ بیشتر از ۵۰٪ منهدم شدند . دشمن بنا به وضع موجود ، از هفته دوم عملیات کربلای ۵ ، پس از عقب نشینی به غرب نهر جاسم تلاش قابل توجهی را برای بازسازی یگانها و جایگزینی امکانات منهدم شده آغاز کرد .

در زمینه کادر ، با انتقال افسران از عقبه ها و پادگانها به مناطق عملیاتی و کوتاه کردن آموزشها ، نسبت به جایگزینی افسران اقدام نمود . در مورد درجه داران و سربازان نیز با احضار متولدین ۱۹۶۹ (۱۳۴۸ ش) و باقیمانندگان ۱۹۶۸ (۱۳۴۷ ش) و آموزش سریع ۴۵ روزه آنها و گرفتن نیرو از شهربانی و همچنین یگانهای غیردرگیر ، نسبت به جایگزینی نیروهای مزبور اقدام نمود .

ارتش عراق در مورد امکانات هم با بازسازی تجهیزاتاتی که قابل بازسازی و تعمیر بودند و هم با ارسال وسایل جدید ، نسبت به جایگزینی تقریبی تمام چیزهایی که یگانهایش از دست داده بودند ، اقدام نمود . مجموعاً در آغاز عملیات کربلای ۸ ، دشمن در بازسازی کمی یگانهای ضربه دیده تا حدود ۷۰٪ موفق بود .

۵ - استعداد و آرایش دشمن در منطقه عملیاتی

دشمن در منطقه عملیاتی به شرح زیر گسترش داشت :

- لشکر ۸ پیاده (شامل تیپهای ۴۱۸ و ۴۳۱ پیاده) در منطقه شرق کانال ماهی تا بوبیان .
- لشکر ۲۸ پیاده (شامل تیپهای ۷۹ و ۴۳۸ پیاده) در غرب کانال ماهی و غرب کانال زوجی .
- لشکر ۵ مکنیزه (شامل تیپهای ۱۰۸ ، ۲۹ ، ۱۱۷ و ۱۰۳ پیاده ، ۲۷ مکنیزه ، تیپ کماندویی سپاه ۷ و یک گردان تانک از تیپ ۲۶) در غرب کانال ماهی و شرق کانال زوجی تا سیلند شاهد . X
- لشکر ۱۹ پیاده (شامل تیپهای ۲ ، ۱۰۶ ، ۱۴ ، ۵۰۵ ، ۹۳ ، ۴۴۳ ، ۴۲۱ و ۴۲۸ پیاده و یک تیپ زرهی مختلط) از سیلند صوئیب تا شمال جاده شلمچه به بصره .
- لشکر ۱۱ پیاده (شامل تیپهای ۴۳۵ ، ۵۰۳ ، ۴۵ ، ۴۷ ، ۲۳ و ۲۲ پیاده) از جاده شلمچه تا ارونند صغیر .
- لشکر ۳۲ پیاده (شامل تیپهای ۵ ، ۸۰۵ ، ۱۱۹ پیاده) در جزایر صالحیه در مجموع دشمن با استقرار ۲۸ تیپ پیاده و ۳ تیپ زرهی و مکنیزه در منطقه عملیاتی ، خطوط اول و دوم را پدافند می نمود .
- علاوه بر اینها ، لشکر ۱۰ زرهی با ۱۰ تیپ در احتیاط منطقه عملیاتی بود که در نشوه و زید استقرار داشت . ضمن اینکه ۱۵ تیپ پیاده گارد نیروی مخصوص نیز در احتیاط قرار داشتند .

کلیات طرح مانور

پس از عملیات تکمیلی ۶۵/۱۲/۳ که تا ۶۵/۱۲/۱۳ به طول انجامید ،

X نام رمز سیلند غرب کانال ماهی که جاده آسفالتی شمال جاده شلمچه (موسوم به جاده تعاون) را قطع نموده و به سمت کانال هفت دهنه امتداد دارد .

عملیات کربلای ۸ در دو محور طراحی شد تا توسط دو قرارگاه اجرا گردد :
محور اول : آبرگفتگی شمال بوبیان با فرماندهی و هدایت قرارگاه قدس .

محور دوم : حد فاصل کانال ماهی تا جاده شلمچه (غرب کانال ماهی) با
فرماندهی و هدایت قرارگاه کربلا .

در تدبیر عملیاتی ، با توجه به حساسیت شمال آبرگفتگی بوبیان برای
دشمن و اهمیت عبور از کانال ماهی در غرب کانال زوجی ، چنین پیش‌بینی
می‌شد که در صورت تلاش در این محور ، علاوه بر فریب دشمن نسبت به
سمت اصلی تک ، آتش دشمن نیز تجزیه خواهد شد .

ضمناً در صورت موفقیت و تامین محور شمال عملیات (بوبیان) جناح
وسیعی در شرق کانال ماهی از دشمن گرفته می‌شد و این به منزله جای‌پای
مناسبی برای مراحل بعدی عملیات ، محسوب می‌گردید . علاوه بر این ، موارد
زیر به عنوان مشخصات و قوت‌های طرح مزبور در نظر بود :

- منطقه انتخابی نزدیکترین فاصله را نسبت به کانال زوجی دارا می‌باشد .

- نیروها در جناح راست خود به کانال ماهی اتکا دارند . (در محور
اصلی تک) .

- در صورت رسیدن به پشت خطوط شمالی - جنوبی دشمن ، پیشروی به
سمت جنوب تسهیل می‌شود .

- تجربه حاکی از آن بود که تنها از این محور امکان پیشروی وجود دارد .

- به علت نزدیکی ، به پل کانال ماهی ، امکان الحاق با نیروهای شرق کانال
و نیز انتقال عقبه به شرق کانال ماهی و حفظ آن از آتش دشمن پدید می‌آید .

البته به خاطر وجود مشکلات و موانع متعدد ، طرح فوق در اجراء فاقد
چشم‌انداز روشنی بود .

به هر صورت ، بنا به شرایط خاص موجود ، تاریخ ۶۶/۱/۱۸ جهت
انجام این عملیات انتخاب شد .

شرح عملیات کربلای ۸

از آنجا که موقعیت زمین در محور آبگرفتگی بوبیان با منطقه عملیاتی قرارگاه کربلا در غرب کانال ماهی تفاوت داشت و فاصله با دشمن نیز متغیر بود، برای تعیین زمان آغاز عملیات و محاسبه مقدار زمان لازم برای رسیدن نیروها به نقطه مورد نظر جهت درگیر شدن با دشمن، مشکلاتی وجود داشت که نهایتاً ساعت ۲/۱۵ بامداد روز ۶۶/۱/۱۸ به عنوان زمان مشترک حمله در هر دو محور انتخاب شد.

قبل از آغاز تک، بنا بر شواهد و قرائن موجود و اطلاعات دریافتی از شنود، چنین پیش بینی می شد که احتمال غافلگیری دشمن در محور شمالی بیشتر از منطقه قرارگاه کربلا خواهد بود، خصوصاً اینکه بنا به اطلاعات واصله، دشمن در مقابل آبگرفتگی بوبیان در شب عملیات مانند شبهای گذشته اقدامات عادی خود از جمله کار مهندسی را ادامه می داد. این امر بر اطمینان قرارگاه قدس و یگانهای تابعه در مورد غافلگیری دشمن افزود. حال آنکه در عمل مشخص شد که دشمن در آن محور ۱۰۰٪ هوشیار بوده است.

علاوه بر این، با وجود آنکه سعی شد در تمام محورهای عملیاتی (قرارگاه قدس و قرارگاه کربلا) درگیری با دشمن به طور همزمان آغاز شود، لیکن به خاطر مشکلات موجود، چنین امری میسر نشد.

شب و روز اول

در محور شمالی عملیات تیپ امام رضا (ع) در ساعت ۲/۳۵ بامداد و تیپ الغدیر در ساعت ۲/۴۰ بامداد با دشمن درگیر شدند.

در این محور برخلاف تصورات قبلی مبنی بر عدم هوشیاری

دشمن ، مقاومت نیروهای عراقی در همان آغاز درگیری و سپس مبادرت آنان به پاشیدن مین در محورهای مواصلاتی و پاتکهای انجام شده ، همگی حاکی از آمادگی قبلی آنها برای مقابله با تهاجم قوای اسلام بود . با آنکه دشمن یک ساعت پس از آغاز درگیری اقدامات یاده شده را شروع کرد ، نیروهای اسلام تا ساعت ۸ صبح کماکان در منطقه حضور داشته و درگیر بودند ، لیکن پس از آن با توجه به حجم سنگین آتش دشمن ، عملاً امکان تامین و تثبیت منطقه فراهم نشد .

مرحله اول عملیات در محور غرب کانال ماهی همزمان با محور شمال آبگرفتگی بوبیان در ساعت ۲/۱۵ بامداد روز ۶۶/۱/۱۸ توسط لشکرهای ۳۳ المهدی ، ۲۵ کربلا ، ۱۹ فجر ، ۱۰ سیدالشهدا و ۳۱ عاشورا که به ترتیب از چپ به راست مأموریت تصرف و تامین هدف (خط قرمز)^x را به عهده داشتند ، آغاز شد .

در این مرحله (شب و روز اول عملیات) هدف به نحو ناقصی تصرف شد . وضعیت یگانهای عمل کننده مختصراً به قرار زیر بود (به ترتیب از چپ) :

لشکر ۳۳ که اندکی دیر وارد عمل شده بود ، در اثر مقاومت و آتش دشمن موفق به باز کردن معابر مربوطه نشد و به هنگام صبح شهدا و مجروحین خود را تخلیه و عقب‌نشینی کرد .

لشکر ۲۵ از سمت راست به لشکر ۱۹ ملحق شد و از سمت چپ ، خود را تا حدّ لشکر ۳۳ گسترش داد و عملاً حفظ جناح چپ را نیز (در غیاب لشکر ۳۳) به عهده گرفت . در اوایل صبح استعداد نیروهای در خط این لشکر بیش از یک گروهان ناقص (حدود ۵۰ نفر) نبود ، از اینرو یک گروهان

دیگر برای تقویت آنها فرستاده شد. از ساعت ۱۰/۳۰ صبح پاتک دشمن از این جناح شروع شد و از ظهر شدت بیشتری یافت و نهایتاً در ساعت ۱۴ باقیمانده نیروهای این لشکر به عقب رانده شدند و به این ترتیب جناح چپ عملیات اوضاع وخیمتری پیدا کرد. این امر در شرایطی بود که آتش سنگین دشمن اجازه تقویت خط با نیروهای کمی را نمی‌داد و از نیروهای در خط نیز مقاومتی بیشتر از آنچه صورت گرفت، متصور نبود.

لشکر ۱۹ تا ساعت ۵ صبح با جناحین الحاق کرد و تا ساعت ۷ صبح موفق شد خط را کاملاً پاکسازی و تثبیت کند. بعد از تشدید فشار دشمن از ساعت ۱۳ بر روی نیروهای لشکر ۲۵ و نهایتاً عقب نشینی آنها، لشکر ۱۹ جناحدار شد و از این پس فشارهای دشمن از جناح چپ مستقیماً متوجه این لشکر می‌گردید. دشمن در فشارهای اولیه توانست با نفربرهای خود در مواضع این لشکر وارد شود، اما به خاطر حضور نیروها بر روی خاکریز یاسر^x در دوستانگاه نفربر سالم به غنیمت گرفته شد و نفرات آن تسلیم شدند، سپس بتدریج فشارها کم شد و تا غروب وضعیت به همین صورت باقی ماند.

لشکر ۱۰ سیدالشهدا به خاطر مشترک بودن معابرش با یگانهای دیگر، حرکتش با کندی شروع شد و با چند ساعت تأخیر کار اصلی را شروع کرد، اما در ادامه سرعت زیادی یافت. نهایتاً بخشی از اهداف این لشکر تامین نشد. بخصوص اینکه بعد از ظهر با پاتک نسبتاً سنگینی نیز مواجه شد و برخی مواضع خود را از دست داد. به علاوه یگان عمل کننده در جناح راست این لشکر (لشکر ۳۱ عاشورا) نیز موفق نشده بود، اما در جناح چپ مسئله‌ای نداشت.

لشکر ۳۱ عاشورا که به علت عدم برگشت نیروهایش از مرخصی، در روز قبل از عملیات نیمی از مأموریتش به لشکر سیدالشهدا واگذار شده بود، در انجام مأموریت محوله موفق نگردید. این لشکر در سمت چپ خود لشکر ۱۰ را داشت و از راست بایستی به کانال ماهی متکی می‌شد. نیروهای لشکر ۳۱ از دو معبر و به صورت تیمی و دسته‌ای وارد عمل می‌شدند (به علت شلوغی و محدودیت زمین). نیروهای محور راست سه بار کمینهای دشمن را تصرف کردند ولی هر بار با تشدید فشار دشمن عقب آمدند. نیروهای محور چپ نیز با کمینهای دشمن که هوشیار شده بودند، مواجه و متوقف گردیدند. این لشکر در روز با وارد کردن نیروهای جدید در تقاطع پرستو و کبوتر^x که توسط لشکر ۱۰ تصرف شده بود، به قصد تصرف هلالی ۱۵^x عبور کرد. این نیروها پس از درگیریهای شدیدی که تا غروب طول کشید، بدون نتیجه به عقب بازگشتند.

به هر صورت، شب و روز اول عملیات، در حالیکه خط تصرف شده در جناحین با اشکالات یاد شده مواجه بود، سپری شد.

شب و روز دوم عملیات

پس از آنکه طی مرحله اول عملیات، اهداف مورد نظر به طور کامل تصرف و تامین نشد، در تدبیر جدید مقرر گردید که لشکر ۳۳ با عبور از معبر لشکر ۲۵ مجدداً اهداف قبلی خود و لشکر ۲۵ را که در مرحله قبل تعیین شده بود، تصرف نماید و لشکر ۱۰ که به طور نسبی موفق شده بود، به تکمیل اهداف قبلی پردازد. به لشکر ۲۷ نیز ابلاغ شد که در صورت موفقیت لشکر ۱۰ از آن عبور کرده و پیشروی نماید و در صورت توقف و ایجاد

اشکال در حرکت لشکر ۱۰ به تکمیل و تامین اهداف آن پردازد .

بدین ترتیب ، مرحله دوم عملیات در همان شب آغاز شد . لشکر ۳۳ این بار چه در تصرف هدف و چه در کار مهندسی (ایجاد خاکریز دو جداره در سمت راست سیلند شاهد ^x) موفق بود ، لیکن دشمن دوبار از سمت چپ به نیروهای این لشکر پاتک کرد که بار دوم (در ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح) با آتش شدید توپخانه و هلیکوپتر و بمباران هواپیما همراه بود . کثرت نیروهای پیاده پاتک کننده و کم بودن نفرات خودی و نرسیدن مهمات کافی ، نیروهای خودی را ناچار به عقب‌نشینی کرد و بر اثر فشار شدید دشمن تعدادی از مجروحین در منطقه بجا ماندند . به این ترتیب در این مرحله هم مسئله جناح چپ عملیات حل نشد .

لشکر ۱۰ نیز با یک گردان (ناقص) وارد عمل شد ، ولی تا صبح به خاطر درگیری با نیروهایی که در تقاطع کبوتر ^x مستقر بودند ، موفق به تصرف هدف مورد نظر (خط زم) ^x نگردید . نتیجتاً در صبح هنگام ، لشکر ۲۷ ماموریت اداره کار و تصرف هدف مزبور را به‌عهده گرفت .

در ساعت ۷ صبح (۶۶/۱/۱۹) به فرماندهی لشکر ۲۷ ابلاغ شد که طبق تصمیمات قبلی ، برای تکمیل کار ناقص لشکر ۱۰ وارد عمل شود . در ساعت ۱۰/۴۵ اولین گروهان لشکر ۲۷ به خط رسید ، اما در این هنگام پاتک دشمن از دو محور شروع شد و نیروهای لشکر ۲۷ به جای انجام ماموریت تعیین شده ، مجبور به پاسخگویی به پاتکهای دشمن شدند و تا غروب شش پاتک را خنثی کردند . نهایتاً طی این مرحله در وضعیت قبلی تغییری ایجاد نشد و پیشروی صورت نگرفت و تلاشهای رزمندگان صرفاً اقدامات دشمن را خنثی کرد و به‌حفظ آنچه در مرحله اول به دست آمده بود ، انجامید .

شب و روز سوم عملیات

با توجه به فشاری که از سمت چپ روی لشکر ۱۹ وجود داشت ، برای پاسخگویی به پاتکهای دشمن ، تصمیم گرفته شد که مجدداً تلاش عمده‌ای برای حل مسئله جناح چپ و تامین آن صورت پذیرد . براین اساس ، مأموریت تصرف سمت چپ سیلند تا نزدیکی جاده آسفالتی و ایجاد خاکریز جناح چپ به لشکر ۸ نجف داده شد و از چهار راه سیلند تا تپه ^x (یعنی همان خط حد اولیه) به لشکر ۳۳ و از تپه ^x تا سیب ^x نیز به لشکر ۱۷ علی‌ابیطالب (ع) واگذار گردید . به لشکر ۲۷ نیز همان مأموریت قبلی ، یعنی تامین زم ^x و تصرف و پاکسازی موضع « ن » شکل شماره ۱۵ ^x داده شد .

در این مرحله ، جناح راست وضع مناسبی یافت ولی اجتماع جناح چپ به رغم موفقیت‌های به دست آمده کاملاً بهبود نیافت ، به این ترتیب که :
لشکر ۲۷ که قرار بود ساعت ۲۱ وارد عمل شود ، به خاطر دیر رسیدن نیروها و توقف در میدان مین ، در ساعت ۲/۳۰ بامداد درگیری را شروع کرد که تا ساعت ۸ صبح به نیروهای خود ملحق شد . این لشکر تا غروب موفق به پاکسازی منطقه متصرفه شد و ضمن به هلاکت رساندن ۵۰۰ تن از نیروهای دشمن ، ۱۰۰ اسیر را نیز به عقب تخلیه کرد .

لشکر ۱۷ خط لشکر ۱۹ را تحویل گرفت و با یک گردان خود را به چهار راه سیلند رساند و سپس لشکر ۳۳ و لشکر ۸ را از خود عبور داد . این لشکر از روبرو محور پاتک نداشت ، بنابراین تا عصر روز بعد (۶۶/۱/۲۰) علیه آن تهدیدی صورت نگرفت . نیروهای لشکر ۳۳ و لشکر ۸ نسبتاً در اجرای مأموریت خود موفق بودند ضمن اینکه در صبح و عصر

روز سوم عملیات تقریباً به خاطر استفاده از آتش هماهنگ تانک و تیربار و خمپاره‌انداز مستقر در خط ، پاتکهای دشمن را با شکست مواجه ساختند ، ولی سرانجام نیروهای لشکر ۳۳ به لحاظ از دست دادن توان ، در مواضع مناسبتری مستقر شدند .

شب چهارم عملیات

در چهارمین شب عملیات لشکر ۲۷ با ایجاد خاکریزهای دو جداره در نقاط مورد نظر و ریختن ۸۰۰ مین ضد نفر در جلوی خط زم^x به تثبیت و استحکام مواضع متصرفه پرداخت و لشکر ۳۱ خط لشکر ۱۰ (از زم تا سیب)^x را تحویل گرفت . لشکر ۸ نیز برای انجام مأموریت سابق خود با یک گردان تا نزدیک جاده آسفالته (خط قرمز) را پاکسازی کرد و همچنین نیمی از مأموریت مهندسی خود را انجام داد ، اما به خاطر فشار دشمن و ناقص ماندن کار مهندسی ، نیروهای این لشکر مجدداً تا چهارراه (سیلیند شاهد)^x عقب‌نشینی کرده و در آنجا استقرار یافتند .

روز چهارم (۶۶/۱/۲۱)

در روز چهارم عملیات دشمن طی چند نوبت در محورهای لشکر ۲۷ ، لشکر ۳۱ و لشکر ۳۳ اقدام به پاتک کرد که سنگین‌ترین آنها از محور سیلیند غربی کانال ماهی و محور پرستو^x صورت گرفت ، و مقدری نیروهای خودی را عقب زد ، ولی با هجوم مجدد رزمندگان اسلام ، قوای دشمن عقب رانده شدند . باید اذعان داشت که گرچه دشمن در این پاتکها موفقیتی کسب نکرد ، اما با این ضدحمله‌های پی‌درپی ، بخشی از توان رزمندگان را گرفته و

مانع از استراحت آنان شد و توانست نقاط ضعف و قوت ما را از نظر « خط پدافندی » و « توان » ارزیابی نماید .

پس از ۴ شبانه‌روز جنگ سنگین در منطقه پیچیده‌ای که بعضاً نیروها مجبور به جنگ تن به تن می‌شدند و زمین آن از قبل به دقت توسط دشمن متناسب با تاکتیکها و تدابیر و امکانات آن طراحی و تسلیح شده بود ، احساس می‌شد دشمن از بازپس‌گیری خط « قرمز » نومید و ناتوان شده است . از نظر فرماندهان نیز عملیات به پایان رسیده بود و تنها تثبیت و استحکام بخشیدن به مواضع و انجام کارهای مهندسی و بهبود بخشیدن به امر پشتیبانی خط جدید مطرح بود . در این اوضاع و احوال که یگانهای عمل کننده نیز بر اثر افت نیرو (ناشی از چند ماه جنگ مداوم از اوائل دیمه در کربلای ۴) خود را قادر به انجام مأموریت‌های آفندی نمی‌دیدند . حرکت پیش‌بینی نشده دشمن شروع شد و وضعیت جدیدی را به وجود آورد .

پاتک گسترده دشمن با استفاده از سلاح شیمیایی

از آنجا که دشمن در پاتک‌های روز ۶۶/۱/۲۱ خود موفقیتی کسب نکرده بود ، چنین پیش‌بینی می‌شد که نسبت به بازپس‌گیری خط قرمز (منطقه تصرف شده در عملیات کربلای ۸) ناامید شده است ^x ولی برخلاف انتظار ، دشمن تلاش اصلی خود را از نخستین لحظات بامداد ۶۶/۱/۲۲ آغاز کرد . نیروهای بعثی از نیمه شب تا ساعت ۳/۳۰ بامداد روز ۶۶/۱/۲۲

x در این میان از آنجا که مرکز شنود متوجه تجمعاتی از دشمن در مقابل لشکر ۲۷ شده بود ، به فرماندهی این لشکر اطلاع داد که اقدامات لازم را برای مقابله انجام دهد . براین مبنا ، لشکر ۲۷ به خاطر تقویت خط با نیروی انسانی و آماده‌باش نیروهای در خط و پخش حدود ۸۰۰ مین در مقابل خط زم ، آمادگی بیشتری از سایر یگانها برای مقابله با پاتکهای دشمن ، در خود ایجاد کرد که در عمل نیز مقاومت عمده خودی در این ناحیه بود .

اقدام به تک شیمیایی نمودند. در این تک که ابتدا با توپخانه و کاتیوشا و سپس با هلیکوپتر و هواپیما به صورتی گسترده در خط و عقبه، بخصوص از خرمشهر تا شلمچه و پنج‌ضلعی صورت گرفت، مجموعاً ۴۰۰ راکت هواپیما، هلیکوپتر، گلوله‌های توپخانه و خمپاره شلیک شد که به خاطر تاریکی هوا و عدم آمادگی و عدم پیش‌بینی قبلی، خسارات قابل توجهی به نیروهای خودی وارد آمد.

دشمن پس از تک شیمیایی، از ساعت ۲/۵ تا ۷ صبح با ۴۵ گردان توپخانه موجود در منطقه اقدام به اجرای آتش تهیه نمود. شدت آتش دشمن به گونه‌ای بود که تحرک و جابجایی را از نیروهای خودی سلب کرد و امکان تردد هرگونه وسیله نقلیه و نیروی پیاده به خط مقدم غیرممکن و یا بسیار دشوار گردید.

حوالی ساعت ۷ صبح پاتک دشمن از دو محور، یکی مقابل لشکرهای ۸ و ۳۳ و دیگری در برابر لشکرهای ۲۷ و ۳۱ شروع شد. فشار سنگین دشمن از سمت چپ خط قرمز و همچنین سیل‌بند شاهد باعث شد رخنه‌ای در حد فاصل دو لشکر ۳۳ و ۸ ایجاد شود. در محور لشکر ۳۱ نیز فشار دشمن از دو سمت یکی از مقابل و دیگری از خاکریز جدید الاحداث در سمت چپ تقاطع زم^x صورت گرفت.

در محور لشکر ۲۷ دشمن از سیل‌بند غربی کانال ماهی به مواضع این لشکر حمله کرد و با درگیری شدید و به سختی آنها را عقب زد و سپس از تقاطع زم فشار آورد و در نتیجه توانست پس از رخنه و نفوذ در تقاطع، نیروهای لشکر ۳۱ را از خاکریز دو جداره عقب رانده و با تهدید عقبه نیروهای لشکر ۲۷ فشار بیشتری بر نیروهای این لشکر وارد سازد. نیروهای

لشکر ۱۷ که تاکنون مستقیماً در معرض پاتک دشمن قرار نگرفته بودند، با احساس تهدید از جناحین و احتمال قیچی شدن، به مواضع مناسبتری نقل مکان کردند.

بدین ترتیب، دشمن تا قبل از ظهر روز ۶۶/۱/۲۲ مواضع تصرف شده در عملیات کربلای ۸ را باز پس گرفت.

هدایت کلی پاتک دشمن به عهده فرمانده سپاه گارد (سپهد حسین رشیدمحمد) بود و هدایت تیپهای عمل کننده توسط فرمانده لشکر بغداد از گارد ریاست جمهوری (سرتیپ ستاد کامل ساحت) و فرمانده لشکر مدینه المنوره از گارد جمهوری (سرتیپ ستاد احمد ابراهیم محاش) صورت گرفت. عدنان خیرالله وزیر دفاع نیز با حضور در منطقه از نزدیک عملیات یگانهای پاتک کننده را کنترل می کرد.

یگانهای پاتک کننده دشمن عبارت بودند از:

تیپهای ۴، ۷ و ۱۰ گارد ریاست جمهوری، تیپ ۴۶۸ نیروی مخصوص، تیپهای ۲ زرهی و ۱۷ زرهی گارد ریاست جمهوری، تیپهای ۵ پشتیبانی و ۶ پشتیبانی گارد ریاست جمهوری و یک گردان از تیپ ۲۶ زرهی.

تاکتیک دشمن در بازپس گیری مواضع مبتنی بر اصل انهدام وسیع بود که با اجرای تک شیمیایی و آتش تهیه سنگین و تداوم تک توانست به رغم مقاومت نیروهای اسلام، در پوشش آتش شدید، نیروهایش را به پشت خاکریزهای نیروهای خودی رسانده و به داخل مواضع آنها رخنه نماید.

ارزیابی و جمع بندی

فشار عراق برای بازپس گیری منطقه‌ای در حدود یک کیلومتر مربع با توانی که ذکر شد در نوع خود کم نظیر بوده است. عکس العمل دشمن بدون

احتساب و پیش‌بینی تلفات زیاد و پذیرش آن به عنوان بهای بازپس‌گیری منطقه نمی‌توانست باشد .

دشمن با درک مشی جدید نظامی جمهوری اسلامی مبنی بر پیشروی در شرق بصره و انهدام متوالی قوای عراق ، بر آن شد که با اقدامی اساسی و با قوّت ، طراحان و مسئولین جنگ جمهوری اسلامی را نسبت به ادامه پیشروی در منطقه شرق بصره مأیوس کند .^x

علاوه بر این همزمانی عملیات کربلای ۸ با سالگرد تاسیس حزب بعث و نیز نقش تبلیغی عملیات در اعلام تصمیم بر تداوم عملیات در منطقه و همزمانی آن با تغییر و تحولات سیاسی مبنی بر حذف صدام ، قابل ذکر است . به هر صورت ، برای دشمن قابل تحمل نبود که در منطقه یاد شده ، در بلند مدت و به طور تدریجی ، نیروهای ما هرچند کند و آهسته به پیشروی و انهدام قوای آنها ادامه دهند . لذا به رغم آنکه دشمن در تصمیم برای عقب‌نشینی از شرق نهرجاسم اصل « حفظ قوا » را برگزیده بود ، در این جا با پذیرش « انهدام نیرو » به چنین پاتک خطرناکی مبادرت کرد . استفاده از نیروی گارد ریاست جمهوری عراق ، نظارت مستقیم عدنان خیرالله و به طور کلی چگونگی این پاتک نشان می‌دهد که مبنای این اقدام ، تصمیم سیاسی بوده و در محدوده صلاحدید و اختیارات نظامیان نمی‌گنجیده و تناسبی نیز با چارچوب حرکات کلاسیک نظامی ارتش عراق نداشته است .

صدام و حزب بعث ادامه حمایت شرق و غرب را در گرو قدرتمندی نظامی ارتش عراق می‌دانستند در نتیجه برای ثبات سیاسی خود راهی جز قدرتمند کردن و در عین حال فشار بیشتر بر ارتش عراق برای شرکت در

x البته فرماندهان جنگ قبل از پاتک تصمیم به تغییر روش گرفته بودند و اقدامات دیگری را در نظر داشتند .

جنگ تا سرحدّ تلفات بسیار بالا و حتی انهدام لشکرها نداشتند .

از طرف دیگر براساس نگرش کلاسیک ، از مدت‌ها پیش طراحان و فرماندهان نظامی دشمن احساس اطمینان برای ادامه جنگ را از دست داده بودند . زیرا هیچ یک از خطوط پدافندی آنها در مقابل تهاجمات نیروهای ما تاب مقاومت نداشت و علاوه بر این ، گذشت زمان حاکی از پیروزی تدریجی جمهوری اسلامی بود ، چرا که علاوه بر رانده شدن از خاک جمهوری اسلامی مناطق مهمی مانند فاو و شرق بصره را از دست داده بودند . واضح است که از نظر حاکمان سیاسی و همچنین فرماندهان نظامی عراق این روند نگران کننده بود . احتمال تحولات سیاسی و افزایش شایعاتی مبنی بر حذف صدام نیز بدون ارتباط با وضعیت یاده شده نمی توانست باشد .

به هنگام عملیات والفجر ۸ ، بنا به موقعیت خاص زمین منطقه ^x دشمن تلفات قابل توجهی را متحمل شد ، بدون آنکه قادر به بازپس گیری منطقه باشد . بنا به اظهارات اسرا ، صدام با حضور در منطقه فشار زیادی را بر ارتشیان عراق وارد می ساخت تا شاید بتوانند مجدداً در مواضع قبلی خود حضور یابند . لیکن موقعیت زمین و تدبیر مناسب نیروهای خودی در استفاده از آتش و مقاومت شدید ، مانع از تحقق اهداف دشمن شد .

در این عملیات استفاده از ارتش عراق به شکل نامعقول موجب شد بیش از ۷۰٪ از توان نظامی دشمن در فاو منهدم شود و این برای ارتش عراق صدمه ای جبران ناپذیر بود .

حاکمیت سیاسی عراق به منظور جبران شکست فاو و حفظ روحیه ارتش

x زمین فاو محصور در میان رودخانه اروند و خور عبدالله بود و از طرفی باتلاقی بودن زمین تحرک دشمن را محدود به چند جاده کرده بود که دائماً در زیر آتش توپخانه خودی قرار داشت .

عراق ، تدبیر « استراتژی دفاع متحرک » را اتخاذ کرد که آن هم سرانجام مطلوبی نیافت و مجموعاً نزدیک به ۱۱ هزار نفر از نیروهای دشمن کشته و زخمی شدند .

در کربلای ۱ (مهران) چنانکه بعدها اسرا ذکر می کردند ، دشمن تنها به لحاظ ممانعت از انهدام بیشتر ارتش عراق ، از مقاومت خودداری کرد تا آمادگی لازم برای مقابله با تهاجمات بعدی قوای نظامی ایران را داشته باشد ، در حالی که در کربلای ۲ (حاج عمران) دشمن با انگیزه بیشتری جنگید .

آزادسازی مهران ، که دشمن به خاطر اشغال مجدد آن در بغداد جشن گرفته بود ، شکست بزرگی محسوب می شد . از دست دادن مهران توسط دشمن بدون مقاومت چشمگیر به جز قوتهای نیروی خودی و غافلگیر شدن دشمن در مانور و محور هجوم^x از تدبیر وی مبتنی بر اصل « حفظ نیرو » در مقابل « حفظ زمین » حکایت می کرد . به عبارت دیگر چنین به نظر می رسد که دشمن در نظر ندارد به طور غیرمعقول ارتش عراق را به کار گیرد .

در عملیات کربلای ۵ تحركاتی از دشمن مشاهده شد که به همین ترتیب قابل تبیین است . بدین صورت که در روز سوم عملیات ، عراق یک لشکر گارد را وارد عمل کرد . این لشکر تا روز پنجم تلاش فراوانی برای بازپس گیری غرب کانال ماهی انجام داد^{xx} معهذا منجر به نتیجه دلخواه و مطلوب نشد . در ساعت ۱۱ صبح روز پنجم عملیات فرماندهان لشکر گارد در مقر لشکر ۱۱ جلسات مهمی تشکیل دادند که به نظر می رسد دشمن با تلاش گسترده تری اقدام به پاتک خواهد کرد . لیکن عقب نشینی تدریجی عراق به

x دشمن از محور دیگری در همان منطقه انتظار تهاجم ما را داشت .

xx عراق پس از عملیات والفجر ۸ لشکر گارد را به سپاه گارد تبدیل کرد .

غرب نهرجاسم که اثر قطعی و نهایی آن سه روز بعد آشکار شد، نشان داد که دشمن به رغم مقاومت‌های بسیار شدید اولیه، با توجه به انهدام وسیع و تلفات بالا، نهایتاً حفظ نیرو را بر حفظ زمین ترجیح داده است.

عراق در قبال اقدام یاد شده از جهت سیاسی نیز متحمل خسارت‌های فراوانی شد، لیکن به لحاظ پیچیدگی زمین و تلفات فراوانی که متوجه ارتش عراق شده بود بنابر نگرش نظامی، تدبیر یاد شده را اتخاذ کرد.

پس از آن دشمن در مقابل سرپل غرب کانال ماهی به لحاظ تهدیدی که نسبت به زمین حد فاصل نهرجاسم تا کانال زوجی احساس می‌کرد، عملیاتی را طراحی کرد که بعدها نام «حصادالاکبر»^x بر آن نهاد. این حرکت با سرمایه‌گذاری بالاتر از حد معمول و با تحمل تلفات فراوان انجام گردید.

تلفات دشمن

محدودیت زمین منطقه و حضور بیش از اندازه یگان‌های دشمن منجر به تأثیر قابل توجه آتش در انهدام نیروهای ارتش عراق بود. علاوه بر این، قسمت عمده انهدام دشمن به هنگام پاتک صورت گرفت، زیرا نیروها از موضع خارج شده و به راحتی در زیر آتش توپخانه و سلاح‌های سبک و سنگین قرار می‌گرفتند.

معاونت اطلاعات نیروی زمینی سپاه پاسداران میزان انهدام قوای دشمن را به شرح زیر اعلام کرد:

^x دروی بزرگ (سربازان مانند خوشه‌های گندم درو می‌شدند.)

میزان انهدام	نام یگان
%۹۰	تیپ ۱۱۷ پیاده
%۲۰	تیپ ۴۲۸ پیاده
%۶۰	تیپ ۲۷ مکانیزه
%۶۰	تیپ ۱۰۶ پیاده
%۴۰	تیپ ۲۶ زرهی
%۴۰	تیپ ۲ کماندوئی
%۲۰	تیپ ۴۲۱ پیاده
%۹۰	تیپ ۲۹ پیاده
%۲۰	تیپ ۱۴ پیاده
%۴۰	تیپ ۹۳ پیاده
%۴۰	تیپ ۴۵ پیاده
%۲۰	تیپ ۴۳۱ پیاده
%۲۰	تیپ ۲ پیاده
%۲۰	تیپ ۱۰۴ پیاده
%۳۰	تیپ ۱۱۳ پیاده
%۵۰	تیپ ۶۸ نیروی مخصوص
%۲۰	تیپ ۲ زرهی گارد جمهوری
%۲۵	تیپ ۴ پیاده گارد جمهوری
%۲۵	تیپ ۵ پیاده گارد جمهوری
%۲۰	تیپ ۶ پیاده گارد جمهوری
%۶۰	تیپ ۷ پیاده گارد جمهوری
%۲۰	تیپ ۱۰ زرهی گارد جمهوری
%۲۰	تیپ ۱۷ زرهی گارد جمهوری
%۵۰	یک گردان تانک از تیپ ۲۶ زرهی

در مجموع حداقل تعداد ۱۸ تیپ پیاده و ۵ تیپ زرهی و مکانیزه دشمن در طول ۶ روز نبرد کربلای ۸ به میزان ۲۰ تا ۹۰ درصد آسیب دیدند .
در میان کشته‌شدگان حداقل ۶ فرمانده تیپ ، ۲۰ فرمانده گردان ، و بیش از ۸۰ فرمانده گروهان دیده می‌شد .^x در این عملیات حدود ۲۶۰ نفر از پرسنل دشمن اسیر شدند که در بین اسرا ۲ نفر سرهنگ ستاد ، ۵ سرگرد و تعداد زیادی افسر و درجه دار مشاهده می‌شد .

بازتاب عملیات کربلای ۸

از یک سو شرایط سیاسی و نظامی جنگ پس از عملیات کربلای ۵ و از سوی دیگر اهمیت زمین منطقه شرق بصره ، موجب گردید تا عملیات کربلای ۸ که با «هدف محدود نظامی» صورت گرفت ، بازتاب و انعکاس نسبتاً گسترده‌ای داشته باشد . در مورد این عملیات خبرگزاری فرانسه به نقل از ناظران در تهران چنین گزارش داد :

«اهداف عملیات جدید کربلای ۸ ایران که صرفاً نظامی است ، محدود به نظر می‌رسد . ایران بدون تردید این بخش جنوبی را برای حمله انتخاب کرد تا مانع از تحکیم خطوط دشمن در آنجا شود .^۱»

در واقع ، گزارش خبرگزاری فرانسه معطوف به این مطلب بود که این عملیات در تداوم سلسله تلاش‌های ایران در این منطقه و برنامه‌ریزی برای انجام عملیات به سمت بصره ، معنا و مفهوم دارد .

به نظر می‌رسد که مطالب اعلام شده از سوی ایران درباره انهدام ماشین جنگی عراق در عملیات کربلای ۵ و سپس اظهارات رئیس جمهور در مورد

^x تلفات افراد کادر دشمن حاکی از استفاده عراق در تامین خط و پاتک از نیروهای سازمانی و کادر بود .

عملیات کربلای ۸ مبنی بر اینکه با این عملیات « باز هم تهدید نسبت به بصره بیشتر و جدی تر شد و مطمئناً این ضربات رژیم عراق و ماشین جنگی اش را از کار خواهد انداخت. »^۲ در تجزیه و تحلیل رسانه‌های خارجی از اهداف و نتایج عملیات کربلای ۸ بی‌تاثیر نبود، چنانکه روزنامه جمهوری اسلامی به نقل از یک کارشناس اروپائی نوشت:

« عملیات ایران نشان داده است که جمهوری اسلامی ایران همچنان بر این تاکتیک برای نابودی ماشین جنگی عراق مصمم است، در عین حال این توان را هم دارد که هر زمان و در هر گوشه‌ای از جبهه دست به عملیات موفق بزند. »^۳

در ضمن برخی دیگر از تحلیلگران هدف عملیات را ارزیابی میزان توان دفاعی عراق در شرق بصره ذکر کردند.^۴ همچنین تشدید حملات عراق در خلیج فارس به مراکز نفتی و نفتکشها، موجب گردید که عملیات کربلای ۸ به عنوان تلافی آن اقدامات تلقی شود. آقای هاشمی نیز در خطبه‌های نماز جمعه بخشی از اهداف عملیات کربلای ۸ را پاسخ به شرارت‌های بعثیون در « خلیج فارس » ذکر کرد.^۵

تلاقی زمان عملیات کربلای ۸ با برگزاری مراسم چهل و هشتمین سالگرد تشکیل حزب بعث، موجب گردید که عراق بلافاصله به منظور تحت‌الشعاع قرار دادن بازتاب این عملیات، به تاسیسات نفتی جزیره سیری که یکی از مبادی صادرات نفت ایران بود، حمله کرده خسارات قابل ملاحظه‌ای را به آن وارد آورد، به گونه‌ای که تا ساعتها بهره‌برداری از اسکله مذکور امکان‌پذیر نبود. به هر حال پیروزی عملیات کربلای ۸ همانند پیروزیهای دیگر ایران در ابتدا از سوی عراق و کلیه حامیانش مورد تکذیب قرار گرفت، چنانکه رادیو اسرائیل به نقل از کارشناسان نظامی گفت:

« به احتمال قوی نیروهای ایرانی در عملیات موسوم به کربلای ۸ در

جبهه بصره موفق به پیشروی نشده‌اند و نبرد به صورت ساکن ادامه دارد.^۶

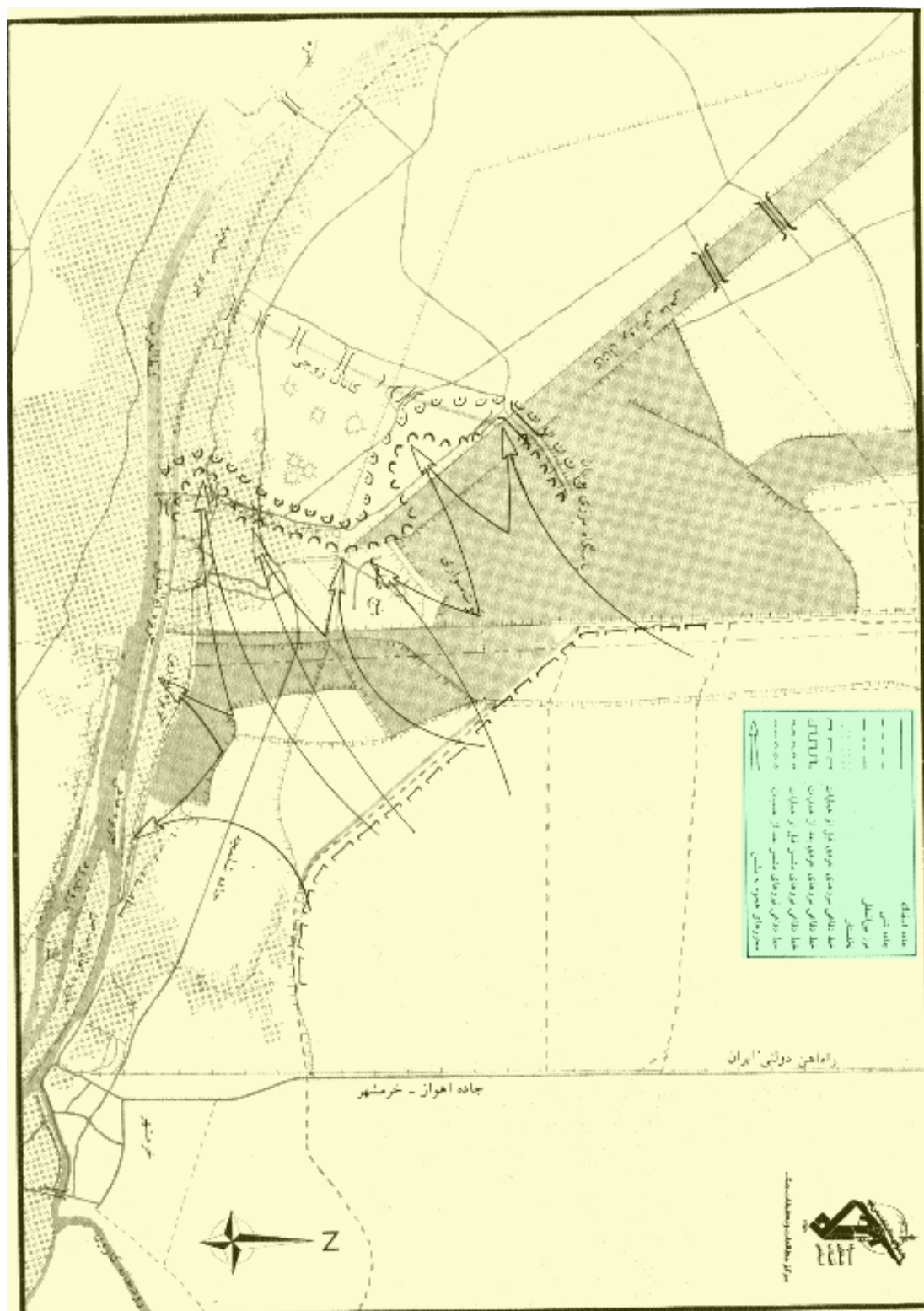
اما با گذشت زمان و عینیت پیروزی ایران، عراق سرانجام زبان به اعتراف گشود و متعاقب آن خبرگزاریها چنین گزارش دادند:

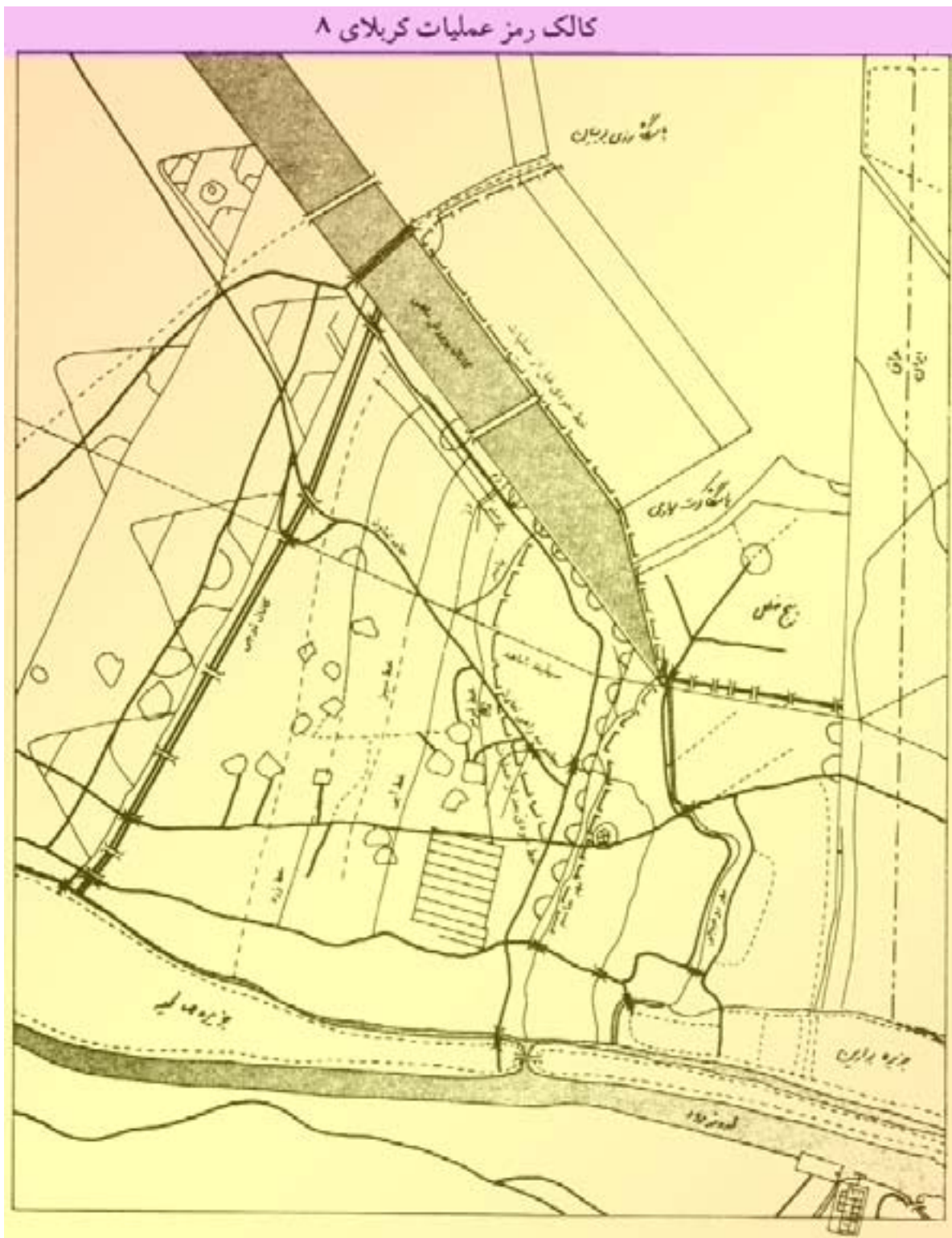
«عراق دیروز اعتراف کرد که مناطقی را در جریان حمله جدید ایران در شرق بصره از دست داده است. اعتراف عراق به از دست دادن زمینهایی در نزدیکی بصره، در اطلاعیه نظامی این کشور منعکس شده است.»^۷

دعوت ایران از خبرنگاران خارجی برای بازدید از منطقه آزاد شده در عملیات نیز به منزله پیروزی جدید ایران مورد تأکید قرار گرفت. بدین ترتیب، در آستانه سال ۶۶ ضمن آنکه موفقیت حاصله از عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره، از سوی رسانه‌های خارجی مورد تأیید قرار گرفت، به عنوان ضعف و ناتوانی روحی روزافزون عراق نیز ارزیابی شد.

منابع و مأخذ فصل هفتم

- ۱- خبرگزاری فرانسه، ۶۶/۱/۱۹.
- ۲- روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۶/۱/۲۲.
- ۳- روزنامه جمهوری اسلامی، ۶۶/۱/۲۲.
- ۴- روزنامه کیهان، ۶۶/۱/۲، به نقل از روزنامه، فایننشال تایمز.
- ۵- روزنامه اطلاعات، ۶۶/۱/۲۹، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- ۶- خبرگزاری جمهوری اسلامی، «گزارش‌های ویژه»، ۶۶/۱/۲۳، رادیو اسرائیل، ۶۶/۱/۲۲.
- ۷- روزنامه رسالت، ۶۶/۱/۲۲، واحد مرکزی خبر.





ضمیمه

نقش و موقعیت سپاه در سال ۱۳۶۵

تلاشها و اقدامات سپاه پاسداران در سال ۶۵ و متعاقب آن موقعیت برتر سیاسی - نظامی ایران در برابر عراق ، ابعاد و برجستگی نقش تعیین کننده سپاه در جنگ و تحولاتی را که این نیروی انقلابی پشت سر نهاده ، ترسیم و مورد تأکید قرار می دهد .

در واقع عرصه جنگ برای سپاه بزرگترین میدان آزمایش و آموزش بوده است . در میان قدرت انطباق سپاه و قابلیت های این نیرو در برخورد با شرایط و ضرورت های انقلاب ، بزرگترین ویژگی آن است که از یک سو عاملی موثر در حل معضلات انقلاب و جنگ و از سوی دیگر عامل افزایش توان سپاه محسوب می شود .

با آغاز جنگ و ناتوانی سیستم کلاسیک کشور برای دفع تجاوز ، سپاه به رغم آنکه فاقد سازمان مناسب برای درگیری با دشمن بود ، لیکن بر حسب تعهد و اعتقاداتی که داشت ، در جهت رهنمودهای حضرت امام خمینی به طور همه جانبه وارد عرصه جنگ شد . مقابله با متجاوزان در محورهای

مختلف بویژه در خرمشهر که سپاه پیش از این در آنجا از سازماندهی مناسبی برخوردار شده بود ،^x بارزترین جلوه نقش این نیرو در جنگ محسوب می شد .

در مراحل آغازین جنگ ، انتظار امام و مردم مبنی بر بیرون راندن متجاوزین به رغم وعده‌های بنی‌صدر و تأکید وی بر انجام عملیات بر مبنای علمی ! تحقق نیافت و تنها موجب اتلاف وقت و از میان رفتن امکانات فراوان شد . در واقع ، اگر چه بنی‌صدر برای کسب پیروزی در جهت تغییر اوضاع سیاسی داخل کشور به سود خود تلاش می کرد ، لیکن مسیری را طی می نمود که هرگز او را به مقصد نمی‌رساند ؛ چنانکه عملیات انجام شده طی این مقطع از جنگ در غرب رودخانه کرخه ، هویزه و روی جاده ماهشهر - آبادان با شکست و ناکامی همراه شد . همین مسأله یکی از دلایل عمده تشدید درگیری داخلی و پدید آوردن غائله ۱۴ اسفند ۵۹ ، توسط بنی‌صدر بود . از سوی دیگر ، رشد قابلیت و توانایی سپاه بویژه ارائه طرح شکستن حصر آبادان برابر تدبیر حضرت امام و تصویب این طرح در شورای عالی دفاع ، وضعیت جدیدی را در روند تحولات کشور به وجود آورد که آزادسازی مناطق اشغالی و کسب پیروزیهای نظامی و ثبات سیاسی از نتایج و دستاوردهای آن بود .

در این مدت با وجود همکاری و وحدت مقدس ارتش و سپاه به هنگام آزادسازی مناطق اشغالی ، پیچیدگی و روند تحولات جنگ و ضرورت‌های جدید ، منجر به شرایطی شد که عملاً دو نیرو با توجه به تفکر حاکم ، ساختار و

x مقابله با ضدانقلاب در داخل خرمشهر که مورد حمایت عراق بود ، موجب گردید که سپاه از اوایل سال ۵۸ به طور جدی با این نیروها مواجه شود و همین امر در تقویت انسجام سپاه ، نقش تعیین کننده داشت .

سازمان و همچنین بافت روحی آنها، از شرایط لازم برای انجام عملیات مشترک برخوردار نبودند. عدم حصول پیروزی قطعی در عملیات رمضان آغاز بروز نظریات متفاوت در خصوص نحوه طرحریزی و اجرای عملیات در جنگ بود. در عین حال، نظر به ضرورتهای جنگ، تدابیر حضرت امام مبنی بر همکاری ارتش و سپاه و نیز مصوبات شورای عالی دفاع، هماهنگی برای اجرای عملیات همچنان در سطح فرماندهان دو نیرو برقرار بود و بر همین اساس، عملیات والفجر مقدماتی طرحریزی و آماده اجرا شد. مجدداً پس از بروز نظریات متفاوت، برابر تصویب شورای عالی دفاع، عملیات والفجر ۱ در چارچوب نظریات برادران ارتش و فرماندهی آنها اجرا شد که در عین حال هر دو عملیات با ناکامی مواجه گردید.

در پی پیدایش وضعیت جدید، سپاه تدریجاً به این نتیجه رسید که با توجه به ضرورت ادامه جنگ و شکستن بن‌بست حاصله از یکسو و از سوی دیگر اهمیت و لزوم اعمال نظریات طراحان و فرماندهان این نیرو، که از تفکر، روحیه، جسارت، ابتکار و جذابیت خاص آنان نشأت می‌گرفت، چاره‌ای جز طرحریزی و اجرای مستقل عملیات ندارد. در این چارچوب، از اوایل سال ۶۲ منطقه هورالهویزه و جزایر مجنون توسط سپاه برای انجام عملیاتی که بعداً به عملیات خیبر معروف شد، انتخاب گردید. تغییر زمین و تاکتیک به این امید صورت گرفت که با غافلگیر ساختن دشمن، امکان حصول پیروزی فراهم شود، بویژه آنکه طی عملیات پیشین (رمضان و والفجر مقدماتی) هیچ‌گونه موفقیت قابل ملاحظه‌ای حاصل نشده بود و این مساله جمهوری اسلامی را در روند سیاسی - نظامی جنگ با شرایط دشواری مواجه نموده بود.

شناسایی و آماده‌سازی منطقه عملیاتی خیبر طی یک سال مستقلاً توسط سپاه با رعایت حفاظت دنبال می‌شد. سرانجام پس از تصویب طرح در

شورای عالی دفاع، چنین مقرر شد که برادران ارتش جداگانه در محور جنوبی شرق بصره (منطقه زید) به انجام عملیات مبادرت نمایند. در این عملیات، سپاه دو لشکر پیاده و یک تیپ زرهی خود را در کنترل عملیاتی ارتش قرار داد و متقابلاً یک لشکر زرهی ارتش نیز که مأموریت پدافند از منطقه طلائییه تا کوشک را برعهده داشت، در کنترل عملیاتی سپاه قرار گرفت.

در پایان سال ۶۳ نیز در عملیات بدر همچنان ارتش و سپاه به طور مشترک ولی با فرماندهان سپاه (که از برادران ارتش تنها سرهنگ صیاد شیرازی از این موضوع اطلاع داشت) به انجام عملیات مبادرت ورزیدند، لیکن از اسفند ۶۳، سپاه پیرو ضرورت‌های موجود و تصویب شورای عالی دفاع و فرماندهی عالی جنگ، تصمیم به اجرا مستقل عملیات و با فرماندهی خود گرفت و این روند در طول ۳/۵ سال (تا پایان جنگ) تداوم یافت که بجز عملیات کربلای ۴ تمامی عملیات سپاه همراه با موفقیت کامل بوده است.

حکم حضرت امام (قدس سره الشریف) در سال ۶۴ مبنی بر تشکیل سه نیرو در سپاه موجب گردید تا سپاه با توجه به حمایت و پشتیبانی امام، به گسترش و توسعه توان رزمی خود اقدام کند و طرح گسترده‌ای را برای شکستن بن‌بست جنگ ارائه نماید. در واقع نظر به اینکه هیچ یک از مناطق تصرف شده در عملیات مشترک انجام شده توسط ارتش و سپاه، پس از فتح خرمشهر، منتهی به تامین و تثبیت کامل نشده بود، از نظر مسئولین سپاه تغییر این وضعیت مستلزم گسترش سازمان رزمی سپاه و جذب ۱۵۰۰ گردان نیرو بود که با بسیج امکانات کشور قابل اجرا بود. با پیدایش شرایط جدید و مصوبه شورای عالی دفاع مبنی بر اجرای عملیات مستقل از سوی سپاه و ارتش، سپاه منطقه عملیاتی فاو را انتخاب کرد و مقرر شد ارتش نیز در منطقه

شلمچه (که بعدها در آنجا عملیات کربلای ۵ صورت گرفت) به اجرای عملیات مبادرت نماید . همچنین قرار شد سپاه علاوه بر منطقه فاو ، در جزیره ام‌الرصاص به عنوان تک پشتیبانی عملیات فاو ، اقدام به حمله نماید .

با توجه به این که عملیات فاو اصلی و عملیات شلمچه فرعی بود ، طی جلساتی در حضور فرماندهی عالی جنگ و با تدبیر ایشان ، امکانات برای هر دو عملیات تخصیص داده شد .

پس از حل معضلات اساسی عملیات و تکمیل طرح مانور و تامین پشتیبانیهای مورد نظر به طور نسبی و سازماندهی قرارگاهها و یگانهای سپاه ، عملیات والفجر ۸ در روز ۶۴/۱۱/۲۰ با قرائت رمز عملیات توسط فرماندهی کل سپاه ، آغاز شد . یگانهای نیروی زمینی سپاه با یورش به استحکامات دشمن از محورهای مختلف ، تهاجم خود را آغاز کردند . بدین ترتیب برجسته‌ترین و پیچیده‌ترین عملیات جنگی جمهوری اسلامی توسط بسیجیان و پاسداران جان برکف و پشتیبانی نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی^x و تلاش و ایثار برادران جهادسازندگی به اجرا درآمد .

سرانجام سپاه طی ۷۵ روز جنگ هدفهای مورد نظر را پس از تصرف ، تامین کرد و نزدیک به ۸۰۰ کیلومتر مربع از زمینهای دشمن آزاد و بیش از ۵۰۰۰۰ نفر از نیروهای آن کشته و زخمی و حدود ۳۰۰۰ نفر اسیر شدند ضمن اینکه غنائم قبال ملاحظه‌ای نیز به دست آمد .

پس از فتح فاو تغییر توازن جنگ به سود ایران در سال ۶۵ ، جمهوری اسلامی ایران را با وضعیت جدیدی روبرو ساخت . طی این سال کلیه تحرکات دشمن اساساً معطوف به تغییر وضعیت به سود خود بود و متقابلاً

x قرارگاه رعد به فرماندهی سرلشکر شهید بابائی پشتیبانی هوایی را بر عهده داشت و برادران هوانیروز نیز نقش برجسته‌ای را در ترابری و پشتیبانی آتش نزدیک در منطقه فاو بر عهده داشتند .

جمهوری اسلامی نیز تلاش می کرد تا ضمن حفظ برتری ، امتیازات سیاسی لازم را کسب نماید .

در این روند ، نقش نیروهای سپاه در جنگ ، نقش اصلی و محوری بود ، چنانکه سپاه با تلاشها و اقدامات دشمن موسوم به استراتژی دفاع متحرک مقابله کرد و طی آن قدرت جابجایی و انعطاف خود را در برابر وضعیتهای متغیّر نمایان ساخت . طوری که عملیات کربلای ۱ را برای آزادسازی مجدد مهران و عملیات کربلای ۳ را روی اسکله الامیه طرحریزی و اجرا کرد . در این میان ، طرحریزی و اجرای دو عملیات گسترده و بزرگ کربلای ۴ و ۵ را در فاصله کمتر از دو هفته به صورتی تحسین برانگیز انجام داد . هجوم به پیچیدهترین مواضع و استحکامات دشمن در منطقه شرق بصره ، در عملیات کربلای ۵ موجب گردید تا عراقیها پس از تحمل تلفات بسیار ، ناامید از عقب راندن نیروهای اسلام و بازپس گیری منطقه ، « حفظ نیرو » را بر « حفظ زمین » ترجیح داده و از ادامه تلاش خودداری نمایند . کسب این پیروزی « موقعیت ایران » را که بر اثر تشدید فشارهای همه جانبه در آستانه « تغییر و تحول » بود ، مجدداً تثبیت کرد . عراقیها نیز متقابلاً پس از شکست در عملیات کربلای ۵ با بی اعتمادی نسبت به آمریکا ، به مسکو متمایل شدند . ایران هم برای بهره برداری از اهرم شوروی در سطح بین المللی و مقابله با فشارهای آمریکا ، مناسبات نسبتاً گسترده ای را با مسکو آغاز کرد و نسبت به روند تحولات افغانستان بویژه انجام مذاکرات صلح از خود تمایل نشان داد .

اجرای عملیات کربلای ۸ در منطقه شرق بصره و تداوم اهداف عملیات کربلای ۵ به عنوان آخرین تحرک نظامی ایران در منطقه جنوب ، در شرایطی از سوی سپاه انجام گرفت که جمهوری اسلامی یکی از پرحادثه ترین مقاطع جنگ را پشت سر نهاده و تنها با اتکا به کسب پیروزی نظامی توانست موقعیت سیاسی - نظامی خود را بهبود بخشد .

در واقع ، مقاومت در برابر اراده سیاسی آمریکا و شوروی و مقاومت در برابر حجم گسترده تهاجمات هوایی ، دریائی و زمینی دشمن و همچنین پیشروی در جبهه‌های نبرد ، بویژه در منطقه شرق بصره ، از مهمترین دستاوردهای عملیات نظامی جمهوری اسلامی در سال ۶۵ بود که عمدتاً از سوی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی طرحریزی و اجرا شد .

به عبارت دیگر ، اقدامات و تلاشهای نظامی در سال ۶۵ به عنوان عامل اساسی منجر به تداوم حیات و بقاء سیاسی و نظامی و اقتصادی جمهوری اسلامی شد و متقابلاً ناتوانی استکبار جهانی را در تحمیل اراده و خواستههای سیاسی اش برای خاتمه بخشیدن به جنگ بر همگان نمایاند .

سلسله عملیات انجام شده از سوی سپاه طی ۶/۵ سال گذشته و بویژه در سال ۶۵ ، موجب گردید تا به گونه‌ای غیرقابل تردید ، ویژگیها و برجستگیهای فرماندهی و طرحریزی سپاه و کنترل و هدایت عملیات این نیروی انقلابی برهمگان آشکار شود ، به عنوان نمونه نشریه آبرور چاپ انگلیس با اعتراف به اشتباهات غربیها در ارزیابی توان و قابلیت سپاه نوشت :

« به رغم آنچه اوایل در مورد تاکتیکهای خام سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفته می شد ، این نیرو موفق به کسب پیروزیها و پیشرفتهائی شده است که فرماندهان نظامی رسیدن به آن را غیرممکن می دانستند ...
سپاه پاسداران هم اکنون مشغول آموزش نیروهای هوایی و دریائی خود می باشد . این سپاه به مثابه یک نیروی ایدئولوژیکی مسلح ، فشارهای ۶/۵ ساله جنگ را تحمل کرده است . » X

بدین ترتیب ، موقعیت برتر ایران در برابر عراق پس از فتح فاو و

پیروزیهای حاصله در سال ۶۵ و تداوم آن با پیشروی در شرق بصره طی عملیات کربلای ۵ و کربلای ۸ تماماً نمایانگر این مسأله بود که جمهوری اسلامی به هر میزانی که از ابراز و توانمندی نظامی برخوردار باشد و حمایت و پشتیبانی لازم را از مردم و بازوی توانای نظامی کسب کند، به همان میزان از نتایج ارزشمند آن در صحنه سیاسی و نظامی برخوردار خواهد شد و در صحنه بین‌المللی که کلیه مناسبات و روابط براساس قدرت شکل گرفته است، منطقی جز این کار آمد و مفید نخواهد بود.

<http://www.ciw8.ir>

معرفی اختصاصی کتاب

در تهیه این کتاب از منابع منتشر نشده مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ که راویان و محققان مرکز به نگارش در آورده‌اند؛ طبق فهرست زیر استفاده شده است:

۱ - استراتژی دفاع متحرک عراق

(گزارش هجوم‌های دشمن به خطوط پدافندی جمهوری اسلامی در بهار ۱۳۶۵ و ارزیابی اهداف عراق از اتخاذ این استراتژی)

تحقیق و تدوین: مهدی انصاری، مجید نداد

۲ - کربلای ۴، عملیات سرنوشت‌ساز

(گزارش طرح‌ریزی، اجرا، توقف و ارزیابی عملیات کربلای ۴)

تحقیق و تدوین: هادی نخعی با همکاری عبدالله درویشی، داوود رنجبر، مجید نداد، ابوالفضل موسوی

۳ - طراحی و انجام عملیات کربلای ۵

(گزارش طرح‌ریزی، شرح و ارزیابی عملیات کربلای ۵)

تحقیق و تدوین: محمد درودیان، هادی نخعی

۴ - شرح عملیات کربلای ۵ (قرارگاه کربلا)

(گزارش عملکرد قرارگاه کربلا در عملیات کربلای ۵ و ارزیابی آن)

تحقیق و تدوین: مجید مختاری

۵ - تداوم عملیات در شرق بصره تا عملیات کربلای ۸

(گزارش عملیات تکمیلی کربلای ۵ و کربلای ۸)

تحقیق و تدوین: محمد درودیان

با تشکر از کلیه راویان و برادرانی که در امر تحقیق، گردآوری و تدوین مجموعه منابع مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ تلاش کردند و با سپاسگزاری از همه خواهران و برادرانی که در اطلاع‌رسانی این مرکز عهده‌دار حفظ، جمع‌آوری، تنظیم و احیاء منابع ذیقیمت جنگ تحمیلی هستند.

<http://www.ciw8.net>

فهرست راهنمای موضوعی

شامل : اشخاص ؛ مکانها و مناطق عملیاتی ؛ کشورها (مناطق و سازمانهای تابعه) ؛ سازمانها ، مجامع بین الملل ، قطعنامهها ؛ علمیاتها ؛ اقدامات نظامی و طرحریزی ؛ نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ؛ نیروهای مسلح عراق ؛ اصطلاحات و مفاهیم نظامی ؛ اصطلاحات و مفاهیم سیاسی ؛ اسحکامات و تجهیزات نظامی ؛ رسانهها ؛ مسائل اقتصادی ؛ آمارها ؛ زمانها و رخدادها

اشخاص

- ابراهیم محاش ، احمد : ۱۶۶
- اسحاقی ، سیدمحمد (شهید) : ۱۱
- الله داد ، حسین : ۱۱
- امام خمینی : ۶ ، ۹ ، ۱۲ ، ۳۴ ، ۳۶ ، ۶۳ ، ۶۷ ، ۶۸ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۱ ، ۷۲ ، ۷۴ ، ۷۵ ، ۱۳۴ ، ۱۴۳ ، ۱۴۴ ، ۱۷۷ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰
- امیری مقدم ، محمد (شهید) : ۱۱
- اندرسون ، جک : ۳۶
- بابایی ، عباس (شهید) : ۱۹ ، ۸۱
- برژینسکی : ۵۵
- بنی صدر : ۱۷۸
- بوش ، جرج : ۳۷ ، ۳۸ ، ۴۰ ، ۹۰ ، ۱۰۸
- بویندکستر ، جان : ۹۸
- جلایی پور ، حسین (شهید) : ۱۱
- حسنی مبارک : ۱۰۸
- حمید شعبان : ۶۱ ، ۱۰۹
- دادستان فدرال امریکا : ۴۰
- دبیرکل سازمان ملل : ۶۸
- دبیرکل حزب کمونیست شوروی : ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۵ ، ۴۸ ، ۹۳
- درودیان ، هادی (شهید) : ۱۱
- رئیس جمهور (آیت الله خامنه‌ای) : ۷۰ ، ۱۷۲
- رئیس ستاد نیروهای مسلح شوروی : ۴۵
- رئیس مجلس شورای اسلامی (هاشمی رفسنجانی) : ۷۰ ، ۹۱
- رشید محمد ، حسین : ۱۶۶
- رضایی ، محسن : ۷۱ ، ۱۳۰ ، ۱۳۴ ، ۱۳۵ ، ۱۴۳ ، ۱۴۱ ، ۱۴۳
- رضوانی ، تقی (شهید) : ۱۱
- ریگان ، رونالد : ۳۳ ، ۸۸ ، ۸۹ ، ۹۲ ، ۹۳ ، ۹۶ ، ۱۰۱ ، ۱۰۶
- سافرونموک ، واسیلی : ۴۵
- سخن گوی کاخ سفید : ۱۰۳
- سخن گوی وزارت خارجه آمریکا : ۶۳
- سعدون حمادی : ۶۰
- سعید فیصل : ۴۸ ، ۴۹
- سفیر عراق در ژاپن : ۲۲
- شاه حسین : ۱۰۸
- شاه (محمدرضا پهلوی) : ۹۰
- شولتز ، جرج ، ۳۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۶
- صادقی نژاد ، مجید (شهید) : ۱۱
- صالحی ، حمید (شهید) : ۱۱
- صباغیان ، نادر (شهید) : ۱۱
- صدام حسین : ۷ ، ۲۶ ، ۴۳ ، ۴۴ ، ۴۷ ، ۴۹ ، ۵۸ ، ۶۸ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۱۰۸ ، ۱۲۰ ، ۱۴۵ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸

- صیاد شیرازی ، علی (سرهنگ) : ۱۸۰
 طارق عزیز : ۲۹ ، ۴۹
 طه یاسین رمضان : ۵۸ ، ۱۰۳ ، ۱۰۴ ، ۱۰۵ ، ۱۰۶ ، ۱۱۰
 عدنان خیرالله : ۲۵ ، ۱۰۵ ، ۱۱۷ ، ۱۲۱ ، ۱۶۶ ، ۱۶۷
 عیسی وند ، سعید (شهید) : ۱۱
 فایر ، ویلیام : ۶۲
 فتحی ، علی (شهید) : ۱۱
 فورتی ، راتت ، ۹۸
 فیض محسن (شهید) : ۱۱
 کامل ساحت : ۱۶۶
 کورنینکف : ۴۵
 کیسی ، ویلیام : ۹۸ ، ۱۰۸
 کیسینجر ، هنری : ۳۱ ، ۳۲ ، ۳۴ ، ۸۹
 گرکانی ، سید محمد (شهید) : ۱۱
 گورباچف ، میخائیل : ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۵ ، ۴۸ ، ۹۳
 لردکردمن ، آنتونی : ۲۳
 لطیف جاسم : ۲۵
 لی هامیلتون : ۳۹
 مدیر توجیه سیاسی ارتش عراق : ۲۵
 ماهرعبدالرشید : ۲۵
 مک فارلین : ۹ ، ۳۷ ، ۶۲ ، ۸۷ ، ۹۱ ، ۹۴ ، ۹۵ ، ۹۶ ، ۹۹ ، ۱۰۰ ، ۱۰۱ ، ۱۰۲ ، ۱۰۵ ، ۱۰۹
 ملکی ، محمدرضا (شهید) : ۱۱
 مورفی ، ریچارد : ۹۹
 موسوی ، میرحسین (نخست وزیر) : ۷۰ ، ۷۲
 نزار حمدون : ۹۷ ، ۹۸
 نورث ، الیور (سرهنگ) : ۱۰۷
 واینبرگر : ۱۰۶
 وزیر امور خارجه امریکا : ۳۵ ، ۶۳ ، ۹۹ ، ۱۰۲
 وزیر امور خارجه عراق : ۲۹
- هارین کریست : ۳۸ ، ۴۶
 هاشمی ، سیروس : ۴۰
 هاشمی رفسنجانی ، اکبر (حجت الاسلام) :
 ۱۶ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۳۸ ، ۶۹ ، ۷۰ ، ۷۲ ، ۷۳ ، ۷۴ ، ۷۸ ، ۹۱ ، ۹۴ ، ۱۰۰ ، ۱۲۹ ، ۱۳۱ ، ۱۳۳ ، ۱۴۱ ، ۱۷۳ ، ۱۸۰ ، ۱۸۱ .
 یوسف بن علوی : ۳۰
- مکان ها و مناطق عملیاتی**
- آبراه هرمز : ۳۷
 ابوالخصیب : ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۱۱۹
 ارتفاعات دربندیخان : ۵۸
 اروند (رودخانه) : ۱۶ ، ۱۷ ، ۲۰ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۸۳ ، ۱۱۶ ، ۱۲۸ ، ۱۴۵ ، ۱۴۹
 استان خوزستان : ۵
 استان کردستان : ۵
 اسکله العمیه : ۷۶ ، ۷۷ ، ۱۸۲
 اقیانوس اطلس : ۳۵
 ام الرصاص ، جزیره ام الرصاص : ۱۶ ، ۱۸ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۱۱۵ ، ۱۱۶ ، ۱۲۸ ، ۱۸۱
 ام الطویل : ۸۳
 ام القصر ، جاده ام القصر : ۷۷ ، ۷۸
 بصره : ۷ ، ۱۰ ، ۷۸ ، ۷۹ ، ۸۰ ، ۸۱ ، ۱۱۷ ، ۱۱۹ ، ۱۲۹ ، ۱۴۵ ، ۱۷۲ ، ۱۷۳ ، ۱۷۴
 بلجانیه ، جزیره بلجانیه : ۱۱۵ ، ۱۲۸
 بوارین ، جزیره بوارین : ۸۲ ، ۸۳ ، ۱۱۶ ، ۱۲۸ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۷ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲
 بویان ، پاسگاه بویان ، پدبویان : ۱۳۰ ، ۱۳۱ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۵۶ ، ۱۵۷ ، ۱۵۸
 پنج ضلعی (شلمچه) : ۷۹ ، ۸۲ ، ۸۳ ، ۱۲۸ ، ۱۲۹ ، ۱۳۰ ، ۱۳۲ ، ۱۳۶ ، ۱۳۷ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۶۵
 تنومه : ۱۱۹ ، ۱۳۸

- جاده تعاون : ۱۵۵
- جاده شلمچه : ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۵۲، ۱۵۵، ۱۵۶
- جاده ماهشهر - آبادان : ۱۷۸
- جاده‌های آنتنی : ۱۷۸
- جزایر صالحیه : ۱۵۵
- جزایر آبادان : ۱۷
- جزیره ام‌البانی : ۱۵۵
- جزیره سهیل : ۸۳، ۱۱۵
- جزیره سیری : ۱۷۳
- جزیره قطعه : ۱۱۵، ۱۲۸
- جزیره مجنون : ۵۸، ۷۶، ۱۷۹
- جزیره مینو : ۷۹، ۸۲، ۸۳
- چوارتا، منطقه چوارتا : ۱۶، ۷۸
- حاج‌عمران (ارتفاعات، منطقه) : ۵۸، ۷۶
- حلبچه : ۱۱، ۷۷
- خرمشهر : ۵، ۸، ۱۵، ۵۸، ۸۱، ۱۲۷، ۱۲۹
- خطوط دفاعی عراق : ۳۷
- خلیج فارس : ۷، ۱۷، ۲۱، ۲۸، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۴۳، ۴۶، ۴۷، ۵۶، ۶۳، ۷۷
- خور زبیر : ۸۰، ۹۱، ۱۰۰، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۷۳
- خونین شهر : ۸
- دجله (رودخانه) : ۱۷، ۱۰۶
- زید : ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۸۰
- ساحل دشمن : ۱۸
- ساحل غربی رودخانه کارون : ۱۶
- سلیمانیه : ۷۷
- سوسنگرد : ۵
- سومار، ارتفاعات سومار : ۵۸، ۱۴۱
- سیدکان (ارتفاعات، منطقه) : ۵۸
- شرق بصره : ۸۰، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۳۵
- ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵
- ۱۴۶، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۷۰
- ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۴
- شلمچه : ۷، ۱۱، ۱۶، ۱۸، ۷۹، ۸۲، ۸۳
- ۱۱۹، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵
- ۱۳۸، ۱۸۱
- صوئیب : ۱۵۵
- طلایه : منطقه طلایه : ۷۹، ۱۸۰
- فاو، منطقه فاو : در اکثر صفحات
- قصر شیرین : ۵
- کارخانه نمک (منطقه فاو) : ۱۶، ۷۷
- کارون (رودخانه) : ۱۶، ۱۷، ۸۲
- کانال پروش ماهی : ۸۰، ۱۲۹، ۱۳۰
- ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹
- ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۵
- ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۶۳، ۱۶۵
- ۱۶۹، ۱۷۰
- کانال زوجی : ۱۳۲، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳
- ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۷۰
- کانال سلمان : ۱۳۱
- کانال کوثر : ۱۳۳
- کانال هفت دهنه : ۱۵۵
- کرخه (رودخانه) : ۱۷۸
- کرکوک : ۷۷
- کوشک : ۷۹، ۱۸۰
- مرزهای بین‌المللی : ۲۹، ۶۰
- منطقه پتروشیمی، کارخانه
- پتروشیمی (عراق) : ۸۰، ۸۱، ۸۳
- منطقه پنج‌انگیزه : ۵۸
- منطقه جنوب : ۶
- منطقه شراهانی : ۵۸
- منطقه عملیاتی والفجر ۹ : ۵۸
- منطقه عمومی پنجوین : ۵۸

- منطقه عمومی مهران : ۵۸
 منطقه فکه : ۵۸
 مهران : ۷، ۹، ۵۹، ۶۰، ۷۱، ۷۵، ۷۶، ۷۸، ۱۶۹، ۱۸۲
 نشوه : ۱۵۵
 نهر جاسم : ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۴۲، ۱۴۴، ۱۴۶، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۷۰
 نهر دو عیجی : ۱۳۲
 نهر عرایض : ۱۱۶
 هلالی ۱۵ : ۱۶۰
 هور ، هورالهویزه : ۷۹، ۱۴۹، ۱۷۹
 هویزه : ۱۰۶، ۱۷۸
- کشورها (سازمانها و مکانهای مربوطه) ،
 سایر مکانها**
- آبراههای جهانی : ۳۸
 آلمان : ۲۶، ۳۶، ۱۰۷
 امریکا : ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۲۳، ۳۰، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۵۰، ۵۱، ۵۲، ۵۳، ۵۴، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۸، ۵۹، ۶۰، ۶۱، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۶۵، ۶۶، ۶۷، ۶۸، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۷۵، ۷۶، ۷۷، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۲۲، ۱۲۳، ۱۲۴، ۱۲۵، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۶، ۱۶۷، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۲، ۱۷۳، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳
- پایگاههای امریکا : ۴۱
 سازمان اطلاعاتی امریکا (سیا) : ۳۲
 شرکت آی . بی . ام . : ۱۰۱
 شورای امنیت امریکا : ۱۰۲
 کاخ سفید : ۳۶، ۹۰، ۹۸، ۹۹، ۱۰۳
 کمیته منطقه خلیج فارس (کنگره امریکا) : ۴۶
 کنگره امریکا : ۳۹
 مرکز فرماندهی نظامی امریکا : ۳۸، ۴۶
- مقامات قضایی امریکا : ۴۰
 واشنگتن : ۳۲، ۳۴، ۳۶، ۸۹، ۹۰، ۹۴، ۹۷، ۱۰۸، ۱۱۰
 وزارت دفاع ایالات متحده : ۹۹
 اردن : ۹۹، ۱۰۲
 اروپا ، اروپای غربی ، کشورهای اروپایی : ۳۶، ۴۰، ۶۸، ۱۰۷
 اسپانیا : ۹۲
 اسرائیل : ۳۹، ۴۰، ۴۳، ۸۸، ۹۵، ۱۰۸، ۱۷۳
 اعراب ، کشورهای عربی : ۳۰، ۳۹، ۴۳، ۴۹
 افغانستان : ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۹۵، ۹۶، ۱۸۲
 کابل : ۹۵
 شورشیان افغان : ۳۶
 امارات متحده عربی : ۶۳
 انگلیس : ۱۰۷، ۱۸۳
 لندن : ۳۲
 ایتالیا : ۹۲
 ایران : در اکثر صفحات
 تهران : ۳۵، ۳۶، ۴۴، ۴۵، ۴۸، ۴۹، ۷۲، ۷۳، ۷۴، ۸۹، ۹۵، ۱۰۸، ۱۰۹
 جهاد سازندگی : ۱۹، ۱۸۱
 دولت ، هیئت دولت : ۷۰، ۷۱، ۷۲، ۷۴، ۷۳
 شورای امنیت ملی : ۹۸، ۹۹
 شورای عالی دفاع : ۷۳، ۱۳۱، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰
 مجلس شورای اسلامی : ۷
 نیروگاه نکا : ۱۰۴
 وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران : ۳۹
 یزد : ۷۳

- چین : ۳۵
 حراره : ۷۷
 خاورمیانه : ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۴۲، ۴۳، ۸۹، ۹۱، ۹۲، ۹۳، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۴۵
 خلیج سیرت : ۳۸
 ژاپن : ۳۵، ۳۹
 سوئد : ۳۲
 سوریه : ۹۰
 - دمشق : ۹۰
 شرق آسیا : ۳۵
 شوروی ، روسیه : ۸، ۹، ۳۰، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۹، ۴۱، ۴۳، ۴۵، ۴۶، ۴۸، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۸۲، ۱۸۳
 - ارتش سرخ : ۴۱
 - حزب کمونیست شوروی : ۴۲، ۹۴
 - روسها : ۳۸، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۶، ۴۷، ۴۹
 - مستشاران نظامی روسیه : ۴۷
 - مسکو : ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۴، ۴۵، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۹۵، ۱۸۲
 عراق : در اکثر صفحات
 - بغداد : ۲۷، ۴۷، ۴۸، ۴۹، ۷۶، ۱۰۲، ۱۱۰، ۱۲۰، ۱۴۵، ۱۶۹
 - حزب بعث : ۳۳، ۶۸، ۱۶۷، ۱۷۳
 - رژیم بغداد : ۷
 - فرات (رودخانه) : ۱۷، ۱۰۶
 - فرماندهان نظامی عراق : ۲۲، ۶۰
 - معارضین کرد عراقی : ۷۷
 - وزارت دفاع عراق : ۱۰۱
 عربستان سعودی : ۳۴، ۳۷، ۶۰، ۶۲، ۶۳
 عمان : ۳۰
- غرب ، غربی‌ها ، کشورهای غربی : ۳۰، ۳۱، ۳۳، ۳۷، ۳۹، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۶، ۵۵، ۶۳
 فرانسه : ۲۷، ۳۰، ۳۵، ۴۴، ۸۸، ۹۳، ۱۰۷
 - پاریس : ۱۴۴
 فلسطین : ۱۰۰
 کشورهای اسلامی : ۳۲
 کشورهای منطقه : ۳۱، ۳۸
 کویت : ۲۱، ۳۰، ۴۸، ۶۲، ۶۳
 لبنان : ۸۸، ۹۰، ۱۰۰، ۱۰۸
 - سازمان جهاد اسلامی : ۹۰
 لیبی : ۳۸
 مصر : ۹۹
 - قاهره : ۴۶
- سازمان‌ها ، مجامع بین‌المللی ، قطع‌نامه‌ها**
- اتحادیه عرب : ۲۹
 جبهه پایداری عرب : ۴۳
 سازمان اوپک : ۷۷
 سازمان ملل : ۲۸، ۲۹
 شورای امنیت سازمان ملل : ۲۸، ۲۹
 شورای همکاری خلیج فارس : ۲۹، ۳۰
 قطع‌نامه ۵۸۲ شورای امنیت : ۲۹
 قطع‌نامه ۵۹۸ شورای امنیت : ۷
 کنفرانس صلح بین‌المللی : ۴۳
 کنفرانس غیرمتعداها : ۷۷
- عملیات‌ها ، اقدامات نظامی و طرح‌ریزی**
- آماده‌سازی : ۱۷۹
 آموزش : ۷۳
 آزادسازی منطقه : ۷
 ابتکار عمل خودی : ۲۷
 ابتکار عمل دشمن : ۶۲
 استراتژی دفاع متحرک عراق : ۷، ۹، ۴۱

- طرح‌ریزی عملیات در غرب نهر جاسم :
۱۴۶
- طرح‌ریزی عملیات فاو : ۱۳۴
- طرح‌ریزی عملیات کربلای ۱ : ۱۳۴
- طرح‌ریزی عملیات کربلای ۲ : ۱۳۴
- طرح‌ریزی عملیات کربلای ۳ : ۷۷ ، ۱۳۴ ،
۱۸۲
- طرح‌ریزی عملیات کربلای ۴ : ۱۲۵ ، ۱۳۴ ،
۱۴۹
- طرح‌ریزی عملیات کربلای ۵ : ۱۳۰ ، ۱۳۱ ،
۱۳۵
- طرح‌ریزی عملیات کربلای ۸ : ۱۵۸
- طرح‌ریزی عملیات گسترده : ۷۶
- طرح‌ریزی و آماده‌سازی عملیات بزرگ : ۷ ،
۹
- طرح‌ریزی و اجرای عملیات سرنوشت‌ساز :
۶۹ ، ۷۷ ، ۷۸ ، ۸۳
- طرح‌ریزی و اجرای عملیات محدود : ۹ ، ۶۹
- طرح‌ریزی همزمان دو عملیات بزرگ : ۷۴
- عبور از رودخانه اروند : ۱۶ ، ۲۶ ، ۵۶
- عبور از رودخانه کارون : ۱۶
- عبور نیروهای خط شکن : ۱۸
- عبور نیروهای غواص : ۱۸
- عقب‌نشینی خودی : ۲۹ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ،
۱۶۳
- عقب‌نشینی دشمن : ۲۹ ، ۵۸ ، ۶۰ ، ۱۴۲ ،
۱۶۹ ، ۱۵۴
- عقب‌نشینی شوروی از افغانستان : ۴۲ ، ۴۳
- عملیات اشغال اراضی ایران : ۶۱
- عملیات انصار : ۷۶
- عملیات بدر : ۶ ، ۱۶ ، ۱۳۱ ، ۱۴۹ ، ۱۸۰
- عملیات بیت‌المقدس : ۶ ، ۱۵ ، ۱۶ ، ۲۱ ، ۷۷
- عملیات ثامن‌الائمه : ۶
- ، ۵۵ ، ۵۶ ، ۵۷ ، ۶۱ ، ۷۰ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۷۸ ، ۷۹ ،
۱۰۹ ، ۱۱۸ ، ۱۲۵ ، ۱۳۴ ، ۱۶۹ ، ۱۸۲
- الحاق : ۱۳۶ ، ۱۳۸ ، ۱۴۰ ، ۱۵۶ ، ۱۶۶
- بازپس‌گیری فاو : ۷ ، ۹ ، ۲۳ ، ۲۵ ، ۲۶ ، ۲۷ ،
۵۸ ، ۵۶
- بمباران شهرها و مراکز اقتصادی و صنعتی
ایران : ۶۳ ، ۱۰۷ ، ۱۱۵
- بمباران مناطق عملیاتی : ۲۳ ، ۱۱۶ ، ۱۳۹ ،
۱۶۱
- بسیج نیروها و امکانات : ۶۹
- تک شیمیایی دشمن : ۱۶۵ ، ۱۶۶
- پاتک دشمن ، پاتک‌های دشمن : ۷۰ ، ۸۳ ،
۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۱۶۳ ، ۱۶۴ ، ۱۶۵ ،
۱۶۷ ، ۱۷۰ ، ۱۷۲
- پاکسازی خودی : ۱۳۶ ، ۱۳۸ ، ۱۴۲ ، ۱۵۹ ،
۱۶۲ ، ۱۶۳
- پدافند خودی : ۸۰ ، ۱۳۹ ، ۱۸۰
- پدافند دشمن : ۵۷ ، ۱۱۶ ، ۱۲۱
- پدافند هوایی خودی : ۱۴۳ ، ۱۵۰
- حملات هوایی عراق : ۵۵ ، ۶۱ ، ۱۰۴ ،
۱۰۷ ، ۱۰۹ ، ۱۲۵ ، ۱۴۱
- حمله به پایانه‌های نفتی ایران : ۶۳
- حملات شیمیایی عراق : ۱۴۱ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶
- رعایت اصل غافلگیری : ۱۶ ، ۵۹ ، ۱۲۸ ،
۱۴۹
- سقوط مهران : ۵۹ ، ۶۰
- سلسله عملیات فتح : ۷۶ ، ۷۷
- شناسایی : ۱۷۹
- طرح مالک‌اشتر : ۷۳
- طرح مانور : ۱۸۱
- طرح‌ریزی حملات هوایی به ایران از سوی
امریکا : ۱۰۸
- طرح‌ریزی حملاتی هوایی عراق : ۱۰۹

فتح فاو : ۲۱، ۲۲، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۰، ۳۹،
۴۰، ۴۱، ۴۵، ۴۸، ۵۶، ۵۹، ۶۰
مهندسی (رزمی) : ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۷،
۱۶۳، ۱۶۴

نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران

۱) سپاه پاسداران انقلاب اسلامی
اطلاعات نیروی زمینی سپاه : ۱۷۰
بسیج ، بسیجی : ۶۹، ۷۲، ۱۳۶، ۱۸۱
تیپ ۱۲ قائم : ۱۳۳
تیپ ۱۸ الغدیر : ۱۳۱، ۱۳۸، ۱۴۱، ۱۵۷
تیپ ۲۹ نبی اکرم (ص) : ۱۳۳
تیپ ۴۴ قمر بنی هاشم (ع) : ۱۳۲
تیپ ۵۷ حضرت ابوالفضل (ع) : ۱۲۸، ۱۳۲
رزمندگان اسلام ، قوای خودی : ۲۰، ۲۳،
۲۴، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۱، ۵۷
سپاه ، سپاه پاسداران : ۵، ۶، ۷، ۹، ۱۰، ۱۱،
۱۵، ۱۸، ۱۹، ۶۹، ۷۰، ۷۲، ۷۵، ۷۷، ۷۸،
۷۹، ۸۰، ۸۳، ۱۱۸، ۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۲،
۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۳،
۱۴۴، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۷،
۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳
غواص ، غواص ها : ۸۱، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸
فرماندهان سپاه : ۷
فرمانده سپاه : ۱۸، ۱۹، ۵۹، ۷۸، ۷۹، ۸۰،
۱۳۸
فرمانده قرارگاه خاتم الانبیا : ۱۳۹
فرمانده قرارگاه کربلا : ۱۳۶
فرماندهی کل عملیات : ۱۴۱
فرماندهی لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) :
۱۴۱
قرارگاه خاتم الانبیا : ۷۱، ۱۳۹
قرارگاه رمضان : ۷۷

عملیات خیبر : ۶، ۷۹، ۱۴۹، ۱۷۹
عملیات رمضان : ۶، ۱۲۹، ۱۵۳، ۱۷۹
عملیات شلمچه : ۱۸۱
عملیات طریق القدس : ۶
عملیات فتح ۱ : ۷۶
عملیات فتح المبین : ۶
عملیات کربلای ۱ : ۷، ۷۶، ۱۳۴، ۱۸۲
عملیات کربلای ۲ : ۷۶، ۱۳۴، ۱۶۹
عملیات کربلای ۳ : ۷۶، ۱۳۴، ۱۸۲
عملیات کربلای ۴ : ۷، ۱۰، ۷۹، ۱۰۵،
۱۰۶، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۲۵،
۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۳،
۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۴۱، ۱۴۳، ۱۴۹،
۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۴، ۱۸۰، ۱۸۲
عملیات کربلای ۵ : ۷، ۱۰، ۱۰۵، ۱۰۷،
۱۲۵، ۱۲۹، ۱۳۴، ۱۴۱، ۱۴۴، ۱۴۹،
۱۵۰، ۱۵۱، ۱۵۴، ۱۶۹، ۱۷۲، ۱۸۱،
۱۸۲، ۱۸۴
عملیات کربلای ۶ : ۱۴۳
عملیات کربلای ۸ : ۱۰، ۱۲۹، ۱۵۰، ۱۵۱،
۱۵۶، ۱۵۴
عملیات والفجر مقدماتی : ۶، ۱۵۳، ۱۷۹
عملیات والفجر ۱ : ۱۵۳، ۱۷۹
عملیات والفجر ۸ (عملیات فاو) : ۸، ۱۵،
۱۶، ۱۹، ۲۱، ۲۳، ۲۶، ۴۵، ۷۱، ۷۸، ۷۹،
۱۰۷، ۱۳۵، ۱۴۵، ۱۴۹، ۱۶۸، ۱۶۹،
۱۸۱
عملیات والفجر ۹ : ۱۶، ۵۸، ۷۸
عملیات والفجر ۱۰ : ۷۷
عملیات هوایی عراق : ۶۲
غافلگیری دشمن : ۲۴، ۸۲، ۸۳، ۱۳۶،
۱۳۷، ۱۳۹، ۱۵۷، ۱۷۹
فتح خرمشهر : ۲۸، ۳۱، ۳۳

- قرارگاه قدس : ۸۳ ، ۱۱۵ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۵۷
- قرارگاه کربلا : ۸۳ ، ۱۱۵ ، ۱۳۲ ، ۱۳۸ ، ۱۴۰ ، ۱۵۷
- قرارگاه نجف : ۸۳ ، ۱۱۵ ، ۱۳۱ ، ۱۳۲ ، ۱۳۳ ، ۱۳۸ ، ۱۳۹ ، ۱۴۰ ، ۱۴۲
- قرارگاه نوح : ۸۳ ، ۱۱۵
- لشکر ۵ نصر : ۱۳۲ ، ۱۴۰
- لشکر ۷ ولی عصر (عج) : ۱۳۲
- لشکر ۸ نجف : ۱۳۲ ، ۱۴۰ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۵
- لشکر ۱۰ سیدالشهداء (ع) : ۱۳۸ ، ۱۵۸
- لشکر ۱۴ امام حسین (ع) : ۱۳۲ ، ۱۴۰
- لشکر ۱۷ علی بن ابی طالب (ع) : ۱۳۳ ، ۱۶۲ ، ۱۶۶
- لشکر ۱۹ فجر : ۸۲ ، ۱۲۸ ، ۱۳۸ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۲
- لشکر (تیپ) ۲۱ امام رضا (ع) : ۱۳۲ ، ۱۵۷
- لشکر ۲۵ کربلا : ۱۳۲ ، ۱۳۸ ، ۱۴۰ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰
- لشکر ۲۷ محمد رسول الله (ص) : ۱۳۲ ، ۱۴۰ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۵
- لشکر (تیپ) ۳۱ عاشورا : ۱۳۲ ، ۱۳۸ ، ۱۵۸ ، ۱۵۹ ، ۱۶۰ ، ۱۶۳ ، ۱۶۵
- لشکر (تیپ) ۳۳ المهدي (عج) : ۱۳۱ ، ۱۳۸ ، ۱۵۸ ، ۱۶۰ ، ۱۶۱ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳ ، ۱۶۵
- لشکر ۴۱ ثارالله : ۱۳۲ ، ۱۳۵ ، ۱۳۸
- لشکر ۱۰۵ قدس : ۱۳۳
- لشکر ۱۱۰ خاتم الانبیا (ص) : ۱۳۲
- لشکر ۱۵۵ شهدا : ۱۳۳
- مردان قورباغه‌ای : ۲۴
- مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ سپاه : ۵۸
- نیروهای خط شکن : ۱۸
- نیروی دریایی سپاه : ۱۹۰۶
- نیروی زمینی سپاه : ۶ ، ۱۹ ، ۵۶ ، ۶۲ ، ۱۸۱
- نیروی هوایی سپاه : ۶ ، ۱۹ ، ۱۳۹ ، ۱۴۱
- (۲) ارتش جمهوری اسلامی ایران**
- ارتش ، ارتش جمهوری اسلامی ایران : ۶ ، ۱۵ ، ۱۸ ، ۱۹ ، ۵۹ ، ۷۰ ، ۷۹ ، ۱۳۱ ، ۱۴۱ ، ۱۴۳ ، ۱۷۸ ، ۱۷۹ ، ۱۸۰
- قرارگاه رعد : ۱۹ ، ۱۸۱
- نیروی هوایی ارتش : ۶ ، ۱۸ ، ۱۸۱
- هوانیروز : ۱۸ ، ۱۹ ، ۱۳۹ ، ۱۸۱
- یگان‌های زمینی ارتش : ۶
- ژاندارمری : ۶
- نیروهای مسلح عراق**
- ارتش بعث ، ارتش عراق : ۵ ، ۶ ، ۷ ، ۹ ، ۱۰ ، ۲۳ ، ۲۴ ، ۲۵ ، ۲۷ ، ۵۹ ، ۷۱ ، ۷۵ ، ۷۶ ، ۱۰۳ ، ۱۱۹ ، ۱۴۴ ، ۱۵۵ ، ۱۶۷ ، ۱۶۸ ، ۱۷۰ ، ۱۶۹
- بسیج هوایی عراق : ۶۲
- تیپ ۲ پیاده گارد ریاست جمهوری : ۱۷۱
- تیپ ۲ پیاده لشکر ۱۹ پیاده : ۱۷۱ ، ۱۵۵
- تیپ ۲ کماندویی : ۱۷۱
- تیپ ۴ پیاده گارد ریاست جمهوری : ۱۶۶ ، ۱۷۱
- تیپ ۵ پشتیبانی : ۱۶۶
- تیپ ۵ گارد ریاست جمهوری : ۱۷۱
- تیپ ۵ لشکر ۳۲ پیاده : ۱۵۵
- تیپ ۶ گارد ریاست جمهوری : ۱۶۶ ، ۱۷۱
- تیپ ۷ گارد ریاست جمهوری : ۱۶۶ ، ۱۷۱
- تیپ ۱۰ زرهی گارد ریاست جمهوری : ۱۶۶ ، ۱۷۱

سرفرماندهی عراق : ۶۲	تیپ ۱۴ لشکر ۱۹ پیاده : ۱۷۱ ، ۱۵۵
فرمانده سپاه سوم عراق : ۱۱۹	تیپ ۱۷ گارد ریاست جمهوری : ۱۷۱ ، ۱۶۶
فرمانده سپاه هفتم عراق : ۱۱۹	تیپ ۲۲ لشکر ۱۱ : ۱۵۵
فرمانده لشکر مدینه منوره : ۱۶۶	تیپ ۲۳ لشکر ۱۱ : ۱۵۵
لشکر گارد ریاست جمهوری : ۱۹ ، ۱۶۶ ، ۱۶۹	تیپ ۲۶ زرهی : ۱۷۱ ، ۱۶۶ ، ۱۵۵
لشکر ۵ مکانیزه : ۱۵۵	تیپ ۲۷ مکانیزه لشکر ۵ مکانیزه : ۱۷۱ ، ۱۵۵
لشکر ۷ : ۸۰	تیپ ۲۹ پیاده لشکر ۵ مکانیزه : ۱۷۱ ، ۱۵۵
لشکر ۸ پیاده : ۱۵۵	تیپ ۴۵ لشکر ۱۱ پیاده : ۱۵۵
لشکر ۱۰ زرهی : ۱۵۵	تیپ ۴۷ لشکر ۱۱ پیاده : ۱۵۵
لشکر ۱۱ پیاده : ۱۶۹ ، ۱۵۵	تیپ ۶۸ نیروی مخصوص : ۱۷۱
لشکر ۱۹ پیاده : ۱۵۵	تیپ ۷۹ لشکر ۲۸ پیاده : ۱۵۵
لشکر ۲۸ پیاده : ۱۵۵	تیپ ۹۳ لشکر ۱۹ پیاده : ۱۷۱ ، ۱۵۵
لشکر ۳۲ پیاده : ۱۵۵	تیپ ۱۰۳ پیاده لشکر مکانیزه : ۱۵۵
نیروهای جیش الشعبی : ۱۰۶	تیپ ۱۰۴ پیاده : ۱۷۱
نیروی زرهی ارتش عراق : ۱۶	تیپ ۱۰۶ لشکر ۱۹ پیاده : ۱۵۵
نیروهای عراق : ۵۶ ، ۵۷ ، ۵۸ ، ۵۹ ، ۶۱	تیپ ۱۰۸ پیاده لشکر ۵ مکانیزه : ۱۵۵
نیروی هوایی عراق : ۶۱ ، ۱۰۹	تیپ ۱۱۳ پیاده : ۱۷۱
واحدهای عملیاتی عراق : ۴۷	تیپ ۱۱۷ پیاده لشکر ۵ مکانیزه : ۱۷۱ ، ۱۵۵
	تیپ ۱۱۹ لشکر ۳۲ پیاده : ۱۵۵
	تیپ ۴۱۸ لشکر ۸ پیاده : ۱۵۵
	تیپ ۴۲۱ لشکر ۱۹ پیاده : ۱۷۱ ، ۱۵۵
	تیپ ۴۲۸ لشکر ۱۹ پیاده : ۱۷۱ ، ۱۵۵
	تیپ ۴۳۱ لشکر ۸ پیاده : ۱۷۱ ، ۱۵۵
	تیپ ۴۳۵ لشکر ۱۱ پیاده : ۱۵۵
	تیپ ۴۳۸ لشکر ۲۸ پیاده : ۱۵۵
	تیپ ۴۴۳ لشکر ۱۹ پیاده : ۱۵۵
	تیپ ۴۶۸ نیروی مخصوص : ۱۶۶
	تیپ ۵۰۳ لشکر ۱۱ پیاده : ۱۵۵
	تیپ ۵۰۵ لشکر ۱۹ پیاده : ۱۵۵
	تیپ ۵۰۸ لشکر ۳۲ پیاده : ۱۵۵
	سپاه سوم عراق : ۸۱ ، ۸۲ ، ۱۱۷
	سپاه گارد : ۱۶۹
	سپاه هفتم عراق : ۸۱ ، ۸۳ ، ۱۱۷

اصطلاحات و مفاهیم نظامی

آتش توپخانه : ۲۳
آتش تهیه : ۱۶۵ ، ۱۶۶
آتش پس : ۲۸ ، ۲۹ ، ۶۸
آفند : ۱۶۴
اختفا : ۱۸
استراتژی آزادسازی سرزمین‌های اشغالی : ۶
استراتژی دفاع مطلق : ۲۸ ، ۳۱
استراتژی نظامی ایران : ۶
استراتژی : ۷۷ ، ۱۰۱
پاکسازی : ۱۳۶ ، ۱۳۸ ، ۱۴۲ ، ۱۵۹ ، ۱۶۲ ، ۱۶۳
پدافند هوایی : ۱۶

- پدافند: ۵۷، ۸۰، ۱۱۶، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۹، ۱۴۳، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۶۴، ۱۶۸، ۱۸۰
- پشتیبانی: ۲۴
- پوشش: ۱۸
- پیاده‌نظام: ۲۳
- پیشروی: ۵۷، ۸۱، ۸۲، ۱۳۰، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۴۴، ۱۴۵، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۶، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۷، ۱۸۴
- تاکتیک نیروی زمینی سپاه: ۵۶
- تاکتیک ویژه: ۸۰، ۸۱، ۸۲، ۸۳، ۱۲۶، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۳۷
- تاکتیک: ۲۴، ۸۲
- تعقیب و تنبیه متجاوز: ۶
- تغییر توازن در منطقه خلیج فارس: ۴۱
- تک پشتیبانی: ۱۸، ۱۸۰
- تک جبهه‌ای: ۱۳۰
- توان نظامی عراق: ۴۵
- جزر و مد: ۱۱۸
- جنگ فرسایشی: ۲۸
- جنگ هوایی: ۱۰۸
- جنگ و گریز: ۵
- حفاظت: ۱۷۹
- حفظ زمین: ۲۰
- حفظ نیرو: ۲۰
- خط پدافندی خودی: ۷۸، ۱۶۴
- خط پدافندی دشمن: ۸۱، ۱۵۲، ۱۶۸
- زرهی: ۱۱۹
- سازمان رزم: ۷۹
- سرپل: ۱۸
- شکست نظامی: ۲۶
- شناسایی: ۸۲، ۸۳
- ضد حمله: ۲۳، ۵۷
- طراحان نظامی: ۳۵
- عقب‌نشینی: ۲۹، ۴۲، ۴۳، ۵۸، ۶۰، ۱۵۴، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۹
- عقبه خودی: ۱۶
- عقبه دشمن: ۱۶
- عقبه: ۸۰، ۸۲، ۸۳، ۱۱۶، ۱۲۸، ۱۳۱، ۱۳۲، ۱۳۳، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۵۶، ۱۶۵
- عملیات آبی - خاکی: ۷۹
- عملیات بزرگ: ۷، ۱۵۰
- عملیات سالانه: ۲۲
- عملیات سرنوشت‌ساز: ۱۰، ۶۹، ۷۷، ۸۳، ۱۰۱، ۱۲۰، ۱۴۶، ۱۵۱
- عملیات گسترده: ۷۶، ۷۸، ۱۱۸، ۱۲۰، ۱۳۵، ۱۳۱، ۱۲۱
- عملیات محدود: ۶، ۶۹، ۷۵، ۷۹، ۱۲۹، ۱۵۰
- غافلگیری: ۱۶، ۲۴، ۵۹، ۸۲، ۸۳
- ماشین جنگی: ۶۲
- مانور: ۸۲، ۱۳۰، ۱۳۱، ۱۳۵، ۱۴۰
- مقاومت‌های مردمی: ۶
- اصطلاحات، مفاهیم و اقدامات سیاسی**
- ابتکار عمل امریکا: ۴۳
- ابتکار عمل شوروی: ۳۲
- ارائه امتیاز: ۳۱
- استراتژی امریکا در قبال انقلاب اسلامی: ۵۶
- استراتژی جدید امریکا: ۸
- اصول حسن همجواری: ۳۱
- اعراب میانه‌رو: ۳۳
- ایران گیت: ۸۸، ۱۱۵

لیبرالیسم : ۶	بایکوت : ۴۰
ماجرای مک فارلین : ۹ ، ۳۷ ، ۶۳	بورژوازی : ۳۵
مانور سیاسی : ۶۰	پرداخت غرامت : ۲۹
مانورهای سیاست غرب : ۲۶	تروریسم بین‌المللی : ۳۳
مبادله اسرا : ۶۰	تعیین متجاوز : ۲۹
موازنه قوا : ۷	تغییر توازن سیاسی و نظامی : ۲۱ ، ۵۵ ، ۵۶
مواضع امریکا : ۳۱	تغییر در توازن قدرت در منطقه : ۳۸ ، ۴۱
مواضع انقلابی ایران : ۳۱	تغییر موازنه در جنگ : ۵۸
مواضع ضد غربی ایران : ۴۱	توازن به سود ایران : ۲۸
ناظران سیاسی غرب : ۲۶	دیپلماتیک : ۴۱
نیروهای امپریالیستی : ۳۶	ژئوپلتیک : ۹۱ ، ۹۸
	سران عرب : ۴۸
استحکامات و تجهیزات نظامی	سیاست اعمال فشار : ۵۶
بمب‌افکن‌های شوروی : ۱۰۷	سیاست جدید عراق : ۶۰
توپخانه خودی : ۲۴ ، ۱۳۳ ، ۱۳۵ ، ۱۴۲ ، ۱۶۱ ، ۱۷۰	سیاست جدید نظامی عراق : ۵۷
توپخانه دشمن : ۲۷ ، ۱۴۱ ، ۱۶۱ ، ۱۶۵	سیاست جدید امریکا برای خاتمه جنگ : ۸۸
جت‌های جنگنده عراق : ۲۳	شکست سیاسی - روانی صدام : ۲۶
خاکریز : ۱۵۲ ، ۱۵۳ ، ۱۵۹ ، ۱۶۱ ، ۱۶۳ ، ۱۶۵ ، ۱۶۶	صلح ، صلح‌طلبی ، مذاکرات صلح : ۲۸ ، ۳۳ ، ۴۲ ، ۴۳ ، ۴۵ ، ۵۶ ، ۵۹ ، ۶۰ ، ۶۱
دستگاه‌های رازیت (رادار) : ۱۷	ضدانقلاب : ۱۷۸
راکت هلی کوپتر : ۲۳	طرح‌ریزی سفر مک‌فارلین به ایران : ۹۱
راکت هواپیما : ۱۶۵	عقاید اسلامی رادیکال : ۳۵ ، ۳۶
زرهی (یگان) : ۱۳۵ ، ۱۴۱ ، ۱۵۰ ، ۱۵۳ ، ۱۵۵ ، ۱۷۲	عملیات امریکا جهت تغییر ژئوپلتیکی عمده در منطقه : ۹۹
سلاح‌های پدافندی : ۱۵۲	فروش اسلحه به ایران : ۳۶ ، ۴۰ ، ۴۱
سلاح‌های پیچیده : ۴۷	فروش سلاح به عراق : ۴۲
سیستم دفاعی موشکی : ۳۹	فروش سلاح به عربستان : ۴۰
سیم‌های خاردار : ۱۵۲	قدرت‌های جهان : ۲۳
شکارهای اف - ۴ : ۴۰	قدرت‌های خارجی : ۲۸
شکارهای اف - ۵ : ۴۰	کشورهای میانه‌رو : ۳۹
شناور : ۱۵۵	کمک‌های اطلاعاتی امریکا : ۱۰
سنگر : ۱۲۹ ، ۱۳۳ ، ۱۵۹	کمک‌های تسلیحاتی شوروی به عراق : ۴۷

- سوله : ۱۳۳
 قایق : ۱۳۵
 کاتیوشا : ۱۳۵
 کاتیوشای دشمن : ۱۶۵
 ماهواره‌های امریکایی : ۱۰۲، ۱۰۶
 مکانیزه (یگان) : ۱۴۱، ۱۵۵، ۱۷۲
 مواضع بتونی ب شکل : ۱۷
 موانع پدافندی دشمن : ۱۲۹
 موانع خورشیدی : ۱۷
 موشک اسکاد : ۴۴
 موشکت تاو : ۴۰
 موشک : ۱۰۸
 موشک اس . اس : ۲۲، ۴۴
 موشک‌های دوربرد : ۴۴
 موشک‌های زمین به زمین : ۴۰
 مین ضد تانک : ۱۵۲
 مین ضد نفر : ۱۷، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۳، ۱۶۴
 هلی کوپتر : ۲۳، ۱۶۱، ۱۶۵
 هواپیماهای آواکس : ۳۴، ۱۰۲
 هواپیماهای عراقی : ۶۱، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۶۱، ۱۶۵
 هواپیمای تی . دبلیو . ای امریکا : ۸۸ : ۹۰
- رسانه‌ها**
 خبرگزاری آسوشیتدپرس : ۳۸
 خبرگزاری رویتر : ۲۷، ۲۸، ۵۷
 خبرگزاری فرانسه : ۴۵، ۱۰۶، ۱۷۲
 خبرگزاری یونایتدپرس : ۲۷
 رادیو امریکا : ۲۲، ۲۶، ۳۶، ۶۴، ۹۹
 رادیو اسرائیل : ۱۷۳
 رادی بی . بی . سی (لندن) : ۲۵، ۶۲، ۶۸، ۱۰۱، ۱۴۵
 رادیو عراق : ۴۷، ۴۹، ۵۹، ۶۰
- رسانه‌های غربی : ۲۴
 روزنامه آل پائیس : ۶۳
 روزنامه ایزوستیا : ۴۶، ۹۵
 روزنامه ایندپندنت : ۱۲۱
 روزنامه پراودا : ۹۴
 روزنامه تایمز لندن : ۲۲، ۷۶
 روزنامه تایمز مالی : ۱۲۰
 روزنامه تمپوس : ۳۲
 روزنامه جمهوری اسلامی : ۱۷۳
 روزنامه دی‌ولت : ۱۲۰
 روزنامه زودیچه سایتونگ : ۶۳
 روزنامه لوکوتیدین دوپاری : ۳۰
 روزنامه نیویورک تایمز : ۹۷، ۹۸، ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۸
 روزنامه واشنگتن پست : ۲۳، ۳۶، ۶۳، ۱۰۵، ۱۰۶
 روزنامه وال استریت ژورنال : ۳۳، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۰
 روزنامه هرالد تریبون : ۳۱
 روزنامه یومیوری : ۲۲
 شبکه سی . پی . اس : ۱۰۱
 مجله اشپگل : ۲۶
 مجله دستور : ۱۰۹
 نشریه آبزور : ۱۳۴، ۱۸۳
 نشریه اکونومیست : ۳۲، ۴۷
 نشریه الشراع : ۹۱
 نشریه القبس : ۲۵ : ۴۸
 نشریه المستقبل : ۴۴، ۸۸، ۹۳
 نشریه ژون افریک : ۳۵
 نشریه ساندی تایمز : ۱۰۸
 نشریه ساندی تلگراف : ۱۰۴، ۱۲۱
 نشریه فارین ریپورت : ۸۹
 نشریه میدل ایست اینترنشنال : ۱۰۱، ۱۱۰

والفجر ۸) : ۲۰، ۱۸۱
 ۱۲۰۰۰ نفر (مستشاران نظامی روسی در
 بغداد) : ۴۷
 ۷۰۰۰۰۰ نفر (نیروی دشمن در جنگ فاو) :
 ۷۱
 ۱۱۰۰۰ نفر (مجروح کشته و زخمی های
 دشمن در عملیات دفاع متحرک عراق) :
 ۱۶۹
 ۶ فرمانده تیپ عراقی (کشته شده در
 کربلای ۶) : ۱۷۲
 ۲۰ فرمانده گردان عراقی (کشته شده در
 کربلای ۶) : ۱۷۲
 ۸۰ فرمانده گروهان عراقی (کشته شده در
 کربلای ۶) : ۱۷۲
 ۲۶۰ نفر (اسیران دشمن در کربلای ۸) :
 ۱۷۲
 ۲ سرهنگ عراقی (اسیر شده در کربلای ۸) :
 ۱۷۲
 ۵ سرگرد عراقی (اسیر شده در کربلای ۸) :
 ۱۷۲

۳) میزان انهدام یگان های دشمن در عملیات والفجر ۸

۱۰ تیپ پیاده کماندویی و نیروی
 مخصوص (انهدام ۱۰۰٪) : ۲۰
 ۲ تیپ زرهی (انهدام ۱۰۰٪) : ۲۰
 ۴ گردان ضد هوایی (انهدام ۱۰۰٪) : ۲۰
 ۱۰ گردان قاطع جیش الشعبی (انهدام
 ۱۰۰٪) : ۲۰
 ۳۳ تیپ پیاده کماندویی و نیروی
 مخصوص (انهدام ۶۰٪) : ۲۱
 ۸ تیپ زرهی و مکانیزه (انهدام ۶۰٪) : ۲۱
 ۱۰ لشکر (انهدام ۳۰٪) : ۲۱

نشریه نیوزویک : ۴۷، ۸۹، ۹۰، ۱۴۵
 نشریه ویژه خبرگزاری جمهوری اسلامی :
 ۹۹
 هفته نامه اکسپرس : ۱۴۵
 هفته نامه زاویر و ژوم : ۴۶
 هفته نامه لوموند : ۲۷

مسائل اقتصادی

افزایش تولید نفت عربستان : ۶۳
 پروژه های نفتی عراق : ۴۹
 سقوط قیمت نفت : ۶۴
 صادرات نفت ایران : ۶۳، ۶۴
 کاهش خرید نفت از ایران : ۶۳
 کاهش فروش نفت خام ایران : ۶۴
 کاهش قیمت نفت : ۵۵، ۶۲، ۶۳، ۶۴
 مراکز اقتصادی و نفتی ایران : ۶۳
 مراکز صنعتی ایران : ۴۱
 منابع نفتی ایران : ۳۵
 نفت : ۳۸، ۳۹، ۵۵، ۶۲

آمارها

۱) نیرو و یگان های خودی

۱۵۰۰۰۰ نفر (نیروی خودی در منطقه فاو) :
 ۷۱
 ۵۰۰ گردان (پیش بینی نیروهای مورد نیاز
 خودی برای ادامه جنگ) : ۷۴
 ۲۰۰ گردان (نیروی سپاه برای عملیات
 کربلای ۵) : ۱۳۰

۲) نیروی انسانی دشمن

۵۰۰۰۰ نفر (تلفات دشمن در عملیات
 والفجر ۸) : ۲۰، ۱۸۱
 ۳۰۰۰ نفر (تعداد اسیران عراقی در عملیات

نیروی هوایی عراق در فروردین (۱۳۶۵) :
 ۶۲
 ۳۵۹ مورد (تعداد عملیات هوایی ارتش
 عراق علیه ایران قبل از سفر مک فارلین به
 ایران) : ۱۰۹
 ۴۰۰ راکت و گلوله (شلیکی شده در تک
 شیمیایی عراق در ۱۳۶۶/۱/۲۲) : ۱۶۵
 ۷ تا ۱۰ خط (تعداد خط‌های پدافندی
 دشمن از نهر جاسم تا کانال زوجی) : ۱۵۲
 ۷۰٪ (میزان بازسازی یگان‌های ضربه دیده
 دشمن در آغاز عملیات کربلای ۸) : ۱۵۴
 ۱۰۰٪ (میزان هوشیاری دشمن در محور
 شمالی منطقه عملیاتی کربلای ۸) : ۱۵۷

۸ (مدت زمان)

۷۵ روز جنگ (مدت زمان درگیری و تأمین
 هدف‌های تصرف شده در منطقه فاو) : ۲۰ ،
 ۱۸۱
 ۲ ماه (افزایش مدت خدمت وظیفه
 سربازان) : ۷۳
 ۱۲ روز (مدت زمان طرح‌ریزی و
 آماده‌سازی عملیات کربلای ۵) : ۱۳۵
 ۸ روز (مدت نبرد در شرق نهر جاسم) :
 ۱۳۸

۹ (سایر موارد)

۸۰۰ مین (پخش شده در مقابل خط زم ،
 توسط لشکر ۲۷ سپاه) : ۱۶۳
 ۲٪ (میزان استفاده خودی از نیروهای
 مردمی در جنگ) : ۷۱
 ۱۲٪ (میزان استفاده خودی از امکانات
 اقتصادی در جنگ) : ۷۱
 ۲۰٪ (میزان توان خودی درگیر شده در

۵ گردان توپخانه (انهدام ۱۰۰٪) : ۲۰
 ۵ تیپ کماندویی ، زرهی و مکانیزه (انهدام
 ۳۰٪) : ۲۱

۴ (میزان انهدام یگان‌های دشمن در سایر عملیات‌ها)

۶۰ تیپ (انهدام ۱۰۰٪ در دو عملیات
 کربلای ۴ و ۵) : ۱۵۴
 ۷۰ تیپ (انهدام بیشتر از ۵۰٪ در دو
 عملیات کربلای ۴ و ۵) : ۱۵۴
 ۱۸ تیپ پیاده و ۵ تیپ زرهی (آسیب دیده
 به میزان ۲۰٪ تا ۹۰٪ در کربلای ۶) : ۱۷۲
 ۷۰٪ (میزان انهدام توان نظامی عراق در
 منطقه فاو) : ۱۶۸

۵ (افزایش یگان‌های دشمن در منطقه کربلای ۵)

۴۱ الی ۴۷ گردان پیاده کماندویی نیروی
 مخصوص (حدود ۳۰۰۰۰ نفر) : ۱۴۰
 ۲۵ الی ۲۸ گردان زرهی و مکانیزه (حدود
 ۱۰۰۰ دستگاه تانک و نفربر) : ۱۴۱
 ۲۰ تا ۲۵ گردان توپخانه (۳۶۰ قبضه) : ۱۴۱

۶ (تجهیزات منهدم شده دشمن در عملیات والفجر ۸)

۶۰۰ تانک و نفربر : ۲۰
 ۵۰۰ خودرو : ۲۰
 ۱۵۰ قبضه توپ : ۲۰
 ۴۵ هواپیما : ۲۰
 ۱۰ هلی‌کوپتر : ۲۰
 ۳ ناوچه : ۲۰

۷ (اقدامات دشمن)

۱۴۶۸۶ مورد (تعداد مأموریت‌های رزمی

- عملیات کربلای ۴) : ۱۲۷
 ۸۰٪ (کاهش درآمد نفتی ایران) : ۶۴
 ۶۲ میلیارد تومان (میزان صرفه جویی در بودجه کشور) : ۷۳
 ۸۰۰ کیلومتر مربع (زمین‌های آزاد شده در عملیات والفجر ۸) : ۲۰، ۱۸۱
- زمان‌ها و رخدادها**
- ۱۳۵۹/۶/۳۱ (آغاز تجاوز عراق به ایران) : ۴۱
 ۵۹/۱۲/۱۴ (غائله ۱۴ اسفند) : ۱۷۸
 ۱۳۶۳ (اجرای عملیات بدر) : ۱۳۱
 اسفند ۱۳۶۳، آوریل ۱۹۸۵ (عقب‌نشینی شوروی از افغانستان) : ۴۲
 ۱۳۶۴ (فرمان امام مبنی بر تشکیل نیروهای سه‌گانه سپاه) : ۱۸۰
 ۱۳۶۴ (طراحی و اجرای عملیات سپاه به صورت مستقل از ارتش) : ۶
 ۱۳۶۴ (۱۹۸۵) (انتخاب گورباچف به دبیرکلی حزب کمونیست شوروی) : ۴۲
 ۱۳۶۴ (۱۹۸۵) (سال توجه امریکا به ایران) : ۸۹
 خرداد تا اسفند ۶۴ (ارسال محدود سلاح به ایران توسط امریکا) : ۹۱
 ۱۳۶۴/۳/۲۴ (ربوده شدن هواپیماهای تی . دبلیو . ای امریکا) : ۸۸
 ۱۳۶۴/۱۱/۲۰ (آغاز عملیات والفجر ۸) : ۱۹، ۱۸۱
 ۱۳۶۴/۱۲/۳ (برگزاری اجلاس وزیران شورای همکاری خلیج فارس) : ۳۰
 ۱۳۶۴/۲/۵ (تصویب قطع‌نامه ۵۸۲ شورای امنیت) : ۲۹
 ۱۳۶۴/۱۲/۲۳ (بازپس‌گیری منطقه
- عملیاتی والفجر ۹ توسط عراق) : ۷۸
 ۱۳۶۴/۱۲/۲۳ (آغاز استراتژی دفاع متحرک عراق) : ۵۸
 سال ۱۳۶۵ (سال استقامت) : ۶۷
 ۱۳۶۴/۱۲/۲۹ (حمله عراق به منطقه عمومی پنجوین) : ۵۸
 فروردین ۱۳۶۵ (آغاز مجدد حملات هوایی عراق به ایران) : ۶۱
 ۱۳۶۵/۱/۱۰ (حمله عراق به ارتفاعات دربندیخان) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۱/۱۵ (تشکیل سمینار لیبیک یا خمینی) : ۷۰
 ۱۳۶۵/۱/۱۶ (سفر ۸ روزه جرج بوش به کشورهای خلیج فارس) : ۳۷
 ۱۳۶۵/۱/۱۸ (حمله عراق به منطقه شرفانی) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۱/۲۲ (حمله عراق به ارتفاعات سومار) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۱/۳۱ (حمله عراق از دو محور جاده ام‌القصر و کارخانه نمک) : ۷۷
 ۱۳۶۵/۲/۴ (حمله عراق به ارتفاعات منطقه سیدکان) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۲/۶ (حمله عراق به جزیره مجنون) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۲/۱۰ (حمله عراق به منطقه فکه) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۲/۱۹ (حمله عراق به منطقه پنج‌انگیزه) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۲/۲۴ (حمله عراق به ارتفاعات حاج‌عمران) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۲/۲۷ (حمله عراق به مهران) : ۵۸
 ۱۳۶۵/۲/۲۷ (اشغال مجدد مهران) : ۷۵، ۷۸

- ۷۸ (ورود مک فارلین به ایران) : ۹۱
 ۱۳۶۵/۳/۴
 تیر ۱۳۶۵ (تشکیل سمینار لیبک یا امام) : ۷۳
 تیر ۱۳۶۵ (سمینار سراسری فرماندهان
 بسیج، طرح مالک اشتر) : ۷۳
 ۱۳۶۵/۴/۹ (اجرای عملیات کربلای ۱) :
 ۷۶
 ۱۳۶۵/۶/۱۰ (اجرای عملیات کربلای ۲) :
 ۷۶
 ۱۳۶۵/۶/۱۰ (اجرای عملیات کربلای ۳) :
 ۷۶
 ۱۳۶۵/۶/۲۰ (اجرای عملیات انصار) : ۷۶
 ۱۳۶۵/۷/۱۹ (اجرای عملیات فتح) : ۷۶
 ۱۳۶۵/۸/۳ (افشای ماجرای مک فارلین) :
 ۱۶۴
 ۱۳۶۵/۸/۱۱ (افشای سفر مک فارلین به
 تهران) : ۹۱
 ۱۳۶۵/۱۰/۳ (اجرای عملیات کربلای ۴) :
 ۱۱۵
 ۱۳۶۵/۱۰/۱۸ (آغاز عملیات کربلای ۵) :
 ۱۳۵
 ۱۳۶۵/۱۰/۲۳ (اجرای عملیات
 کربلای ۶) : ۱۴۳
 ۱۳۶۶/۱/۱۸ (شروع اول عملیات
 کربلای ۸) : ۱۵۷
 ۱۳۶۶/۱/۲۲ (تک شیمیایی ارتش عراق) :
 ۱۶۴